H A F T - E - S O B H D A I L Y

هفت صبح

روزنامه فرهنگی، اجتماعی
شهری و اقتصادی ایران
یکشنبه | ۳۱ فروردین ۱۴۰۴ | شماره ۴۰۳۰
۱۲ صفحه قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
www.7sobh.com
@haftsobh_news
@haftsobh

نگاهی به شهرهای جدید ایران که بدون امکانات فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و فضاهای عمومی ساخته می‌شوند

به خوابگاه‌های صد هزار نفری خوش آمدید

توسعه شهری را به ساختن چهاردیواری تقلیل دادیم در حالی که شهرسازی فقط مسئله اسکان نیست صفحه ۹

نیمه‌کاره‌های معروف حسن فتحی، مهران مدیری، بیژن بیرنگ و سام قریبیان
سریال‌هایی که انگار قرار نیست به پایان برسد

پلتفرم‌هایی که قول می‌دهند، اما وفا نمی‌کنند

از «قهوه تلخ» تا «ازازیل»، سریال‌هایی که دعواهای مالی و دلخوری‌های داخلی‌شان باعث شد مخاطب را ناگهان رها کنند صفحه ۴

نگاهی به اپرا در ایران، پیش از دهه پنجاه تاکنون

رویایی دور یا واقعیتی نزدیک

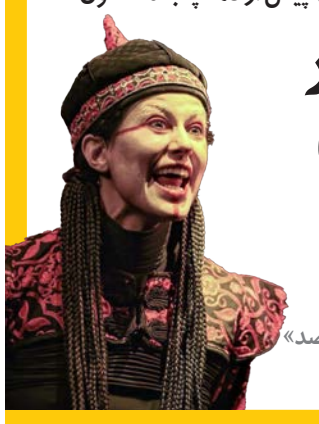

به بهانه حضور «دلنیا آرام» در کنسرت-نمایش «سی‌صد» صفحه ۵

دور دوم مذاکرات فنی ایران و آمریکا در رم پایان یافت، گفت گوهای جدید از چهارشنبه در عمان

تفاهم حاصل شد توافق هنوز نه

عراقچی: فضای مذاکرات سازنده بود و به تفاهم بهتری رسیدیم همین صفحه

هر دکمه، زیپ، رنگ و تکه‌ای از لباس سیاستمداران، تاکتیکی برای جلب اعتماد، نمایش اقتدار یا القای فرماندهی است

لباس بیانیه

رهبران جهان از احمدی‌نژاد با کاپشن ساده تا بایدن با کت‌وشلوار کلاسیک، پوتین بر اسب، زلنسکی در یونیفرم، شی جین‌پینگ با لباس مائو، بن‌سلمان با دشداشه و ترامپ با کراوات قرمز پیام‌هایی فراتر از پوشش فرستادند صفحه ۲

۲۰ سالگی یوتیوب امپراتوری تصاویر متحرک

از یک کلیپ ساده در باغ‌وحش تا پلتفرمی جهانی با نزدیک به ۳ میلیارد کاربر فعال صفحه ۱۰

ایران در محاصره ۳۰۴ میلیون هکتار کانون گرد و غبار داخلی و خارجی

جنگ با غبار

براساس آمار بیشتر حجم گرد و غبار وارد شده به کشور از کانون‌های خارجی تامین می‌شود صفحه ۶

مرد میانسال با خرید اسلحه نقشه قتل را طراحی و دامادش اجرا کرد

شلیک مرگبار داماد به مزاحم مادرزن

مرد جوان با رای قضات دادگاه به قصاص محکوم شد صفحه ۷

پیشنهاد به محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی ایران

نابیولینا معلم سیاست پولی ایران شود

ارزش روبل در سال ۲۰۲۵ بیش از ۳۸ درصد در برابر دلار آمریکا رشد کرده است صفحه ۳

زنگ خطر برای امنیت غذایی و صادرات غیرنفتی

پسته، قربانی بعدی ناترازی

بحران ناترازی برق و آب در مناطق خشک کشور تولید محصول استراتژیک پسته را در آستانه فروپاشی قرار داده است صفحه ۸

وقتی نور، رنگ، مبلمان، نام خیابان و کف‌پوش مناطق شمال و جنوب، پیام نابرابری شهری را بازتاب می‌دهند

سیاست در سنگفرش خیابان‌ها

گاهی شکاف میان محله‌ها، به شکاف میان جهان‌های اجتماعی و اقتصادی تبدیل می‌شود صفحه ۲

کریستیز در آستانه یک حراج تاریخی برای هنر خاورمیانه

نقش‌هایی از دل شرق

- برای اولین‌بار آثاری در حراج کریستیز به نمایش گذاشته می‌شود که پیش‌تر هرگز در هیچ نمایشگاه یا حراجی ارائه نشده‌اند
- حراج کریستیز شامل آثاری از کشورهای متنوعی چون ایران، فلسطین، مراکش، تونس و عربستان سعودی است صفحه ۱۲

سلبریتی‌ها در جیب کامالا هریس

اسناد مالی کمپین کامالا هریس، پرداخت‌های کلان به سلبریتی‌ها برای حمایت انتخاباتی از او را فاش کرد صفحه ۱۰

قصه‌هایی که زخم می‌شود

سید عبدالجواد موسوی، شاعر و روزنامه‌نگار صفحه ۱۲

قبل از قربانی کردن ستاره‌ها

آغاز انقلاب با خروج درویش و کارتال

امید ذاکری‌نیا صفحه ۱۱

بعد از ۱۰ سال صدرنشینی در فوتبال ایران

سقوط امپراتوری پرسپولیس

صفحه ۱۱

افکار عمومی، سرمایه‌ای برای صلح و توافق

رسانه‌ها، چهره‌های مرجع و افکار عمومی چرخ سوم مذاکره‌اند

افشین امیرشاهی
هفت صبح

خیلی دور نیست زمانی که مذاکرات دیپلماتیک یک امر محرمانه، تخصصی و صرفا دولتی تلقی می‌شد. گفت‌وگوها پشت درهای بسته انجام می‌شدند و نتایج‌شان در قالب بیانیه‌ای رسمی به مردم اعلام می‌شد. شرایط اما اکنون کاملا فرق کرده است. چون با گسترش بی‌سابقه رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و سرعت انتقال اطلاعات، این معادله را به کلی دگرگون کرده است. اکنون مذاکره دیگر فقط یک کنش سیاسی نیست، بلکه به یک پدیده اجتماعی هم تبدیل شده است که میلیون‌ها نفر در آن نقش دارند، حتی اگر در اتاق مذاکره حضور نداشته باشند.

چون مدیا این موضوع را کاملا دگرگون کرده است. رشد رسانه‌های نوین و ظهور شبکه‌های اجتماعی باعث شده است تا هیچ خبری پشت درهای بسته باقی نماند. اطلاعات، گمانه‌زنی‌ها و روایت‌ها با سرعت بازنشر می‌شوند و هر فردی با یک تلفن همراه و حساب کاربری به کنشگری فعال در عرصه سیاست خارجی بدل می‌شود.

پس بیراه نیست که بگوییم در چنین شرایطی مذاکره فقط یک اتفاق بین‌المللی نیست، بلکه یک امر اجتماعی هم هست. دیگر نمی‌توان گفت مردم تماشاگرند. آنها بازیگرند. موافقان و مخالفان مذاکرات، تحلیلگران، چهره‌های فرهنگی و حتی هنرمندان همگی می‌توانند و باید در این روند مشارکت داشته باشند.

وقتی یک توافق یا مذاکره صرفا از دریچه سیاسی و در سطح وزارت امور خارجه تحلیل شود، یک چرخ از چرخ‌های دیپلماسی نمی‌چرخد. دیپلماسی امروز سه پایه دارد: دولت‌ها، رسانه‌ها و مردم. و اگر رسانه‌ها و مردم در جریان نباشند یا نتوانند روایت خود را بسازند، آن مذاکره نه مشروعیت پیدا می‌کند، نه پایداری.

در اینجاست که نقش دستگاه‌هایی چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان صداوسیما، مراکز دیپلماسی عمومی و فرهنگی و نهادهای فرهنگی دیگر برجسته می‌شود. وظیفه آنهاست که چهره‌های مرجع، روزنامه‌نگاران، هنرمندان و شخصیت‌های تاثیرگذار را در جریان قرار دهند، با آنها گفت‌وگو کنند، روایت مشترک بسازند و در عین حال از آنها بخواهند تا با مردم صحبت کنند. بدون این ارتباط دوسویه، هیچ گفت‌وگویی در سطح بین‌المللی نمی‌تواند به تایید و همراهی در سطح داخلی منجر شود.

بسیاری از گفت‌وگوهای دیپلماتیک ایران، به دلیل غفلت از افکار عمومی جهانی در همان نقطه آغاز دچار سوءبرداشت یا بدفهمی می‌شوند. این مشکل به‌ویژه در قبال کشورهای عرب‌زبان منطقه شدیدتر است. با وجود ظرفیت‌های انسانی بالا در ایران–از مترجمان زبده گرفته تا نویسندگان و روزنامه‌نگاران مسلط به زبان عربی، متاسفانه این چهره‌ها به دلیل فضای بی‌اعتمادی و برخی برچسب‌زنی‌ها، از حضور در رسانه‌های عرب‌زبان پرهیز می‌کنند. نتیجه چیست؟ ایران، روایت خود را از زبان دیگران می‌شنود ترس از برچسب‌زدن، مانع بزرگ دیپلماسی اجتماعی و فرهنگی است. وقتی نویسنده یا هنرمندی فقط به‌خاطر یک اظهارنظر یا مقاله در رسانه‌ای خارجی زیر سوال می‌رود، نه‌تنها آن فرد، بلکه کل یک کانال ارتباطی از کار می‌افتد. این یعنی قطع یکی از نادرترین و ضروری‌ترین مسیرهای تاثیرگذاری ایران بر افکار عمومی جهان.

اگر گفت‌وگوهای ایران و آمریکا در رم، یا در هر جای دیگر قرار است به ثمر برسد، باید هر سه چرخ دیپلماسی با هم کار کنند: سیاست، رسانه و مردم.

اگر یکی از این چرخ‌ها، یعنی رسانه‌های مستقل، چهره‌های مرجع یا افکار عمومی که می‌توان از آن به‌عنوان امر اجتماعی یاد کرد، درگیر نشود یا اعتماد نکند، آن وقت نتیجه چیزی نخواهد بود جز یک توافق شکننده و موقتی.

اکنون زمان آن رسیده است که نهادهای مسئول با جسارت وارد عمل شوند. نه فقط وزارت امور خارجه، بلکه وزارت ارشاد، سازمان‌های فرهنگی، نهادهای مدنی و حتی دانشگاه‌ها. این یک کار تیمی است، با مشارکت همه. مذاکره موفق، در خلأ اتفاق نمی‌افتد. باید با مردم سخن گفت. با جهان حرف زد و اعتماد را بازسازی کرد.

دور دوم مذاکرات فنی ایران و آمریکا در رم پایان یافت، گفت‌وگوهای جدید از چهارشنبه در عمان

تفاهم حاصل شد، توافق هنوز نه

عراقچی: فضای مذاکرات سازنده بود و به تفاهم بهتری رسیدیم

در هوایی سنگین و آسمانی ابری، رم – شهر امپراتوری‌های افسانه‌ای – بار دیگر میزبان فصل تازه‌ای از رویارویی دیپلماتیک شده است. مذاکرات ایران و آمریکا که ماه‌ها در پیچ‌وخم سکوت و تنش درجا می‌زد، اینک در رم، پایتخت ایتالیا، بارقه‌ای از حیات تازه پیدا کرده است؛ بارقه‌ای که گرچه هنوز کم‌نور است، اما چشم‌ها را به آینده دوخته است.

پس از چندین ماه بن‌بست و سکوت، رم، این بار به نقطه تلاقی امیدها و تردیدها بدل شده است؛ جایی که عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران و رابرت ویتکاف، نماینده ارشد آمریکا، در دو دور مذاکره فشرده و غیرمستقیم، خطوط تازه‌ای از گفت‌وگو را رسم کردند.

● از رم به عمان؛ مسیری نو در دیپلماسی

عباس عراقچی دیروز، پس از پایان دور دوم مذاکرات چهارساعته در جمع خبرنگاران حاضر شد و با چهره‌ای آرام اما محتاط اعلام کرد:

«فضای مذاکرات سازنده و رو به جلو بود. در خصوص یک سری اصول و اهداف به تفاهم بهتری رسیدیم.»

او خبر داد که مرحله جدیدی آغاز خواهد شد: از چهارشنبه سوم اردیبهشت، کارشناسان ایرانی و آمریکایی در عمان مذاکرات فنی و تخصصی خود را آغاز خواهند کرد تا وارد جزئیات طرح توافق شوند و چارچوبی عملی برای پیشبرد روند ترسیم کنند. بنا بر گفته عراقچی، پس از گفت‌وگوهای کارشناسی، در روز شنبه ششم اردیبهشت، بار دیگر او و ویتکاف در عمان دیدار خواهند کرد تا نتایج کار کارشناسان را بررسی و درباره گام‌های بعدی تصمیم‌گیری کنند. اما در میان این اخبار خوش‌بینانه، عراقچی جمله‌ای کلیدی گفت که جوهره واقعی وضعیت را نمایان کرد: «نه دلیلی برای خوش‌بینی زیاد وجود دارد و نه دلیلی برای بدبینی زیاد. هنوز با احتیاط برخورد می‌کنیم. امیدوارم هفته آینده در موقعیت بهتری باشیم. در موقعیت قضاوت برای امکان رسیدن به یک توافق.»

● چرا رم و چرا عمان؟ انتخاب مکان، انتخاب پیام

انتخاب رم و سپس عمان به عنوان میز مذاکرات، بیش از آنکه تصمیمی جغرافیایی باشد، حامل پیام‌های سیاسی است. رم، قلب اروپا، جایی دور از هیاهوی رسانه‌ای مستقیم آمریکا یا تنش‌های منطقه‌ای، بهترین مکان برای گفت‌وگوهایی با ظرافت و حساسیت بالاست.

عمان نیز با سابقه‌اش در میانجی‌گری‌های موفق، به‌خصوص در مذاکرات پیشین هسته‌ای ایران و آمریکا، بار دیگر به عنوان زمینی خنثی و قابل اعتماد برای ورود به فاز فنی برگزیده شده است. تحلیلگران می‌گویند این جابه‌جایی نشان می‌دهد طرفین به دنبال ساختن فضایی امن هستند که امکان تمرکز واقعی بر مذاکرات را بدون فشار رسانه‌ای یا تحریکات سیاسی فراهم کند.

● جزئیات حساس؛ از اصول به مرحله اجرا

تفاهم بر سر «اصول و اهداف»، نقطه شروع امیدوارکننده‌ای است، اما ورود به جزئیات واقعی آزمونی جدی خواهد بود. مسائلی چون؛ سطح و ظرفیت غنی‌سازی اورانیوم، برنامه‌های تحقیق و توسعه هسته‌ای ایران، شیوه راستی‌آزمایی تعهدات، زمان‌بندی و مراحل رفع تحریم‌ها و مکانیسم‌های تضمین اجرای توافق، همگی پرونده‌هایی‌اند که در جلسات کارشناسی عمان باز خواهند شد.

● زمین‌بازی ژئوپولیتیکی؛ فشارها از بیرون و درون

زمینه سیاسی و بین‌المللی این مذاکرات به هیچ‌وجه ساده نیست. در واشنگتن، دولت آمریکا تحت فشار سنگین کنگره و متحدان منطقه‌ای خود، به‌ویژه اسرائیل ایستاده است. هرگونه توافقی باید بتواند منتقدان داخلی را قانع کند که منافع آمریکا به خطر نیفتاده است.

در تهران، تجربه خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ خاطره موثر بدی بر جای گذاشته. این‌بار، ایران به دنبال تضمین‌های قوی‌تر و ملموس‌تر است؛ تضمین‌هایی که از تکرار آن سناریوی تلخ جلوگیری کند.

● استقبال محتاطانه جهانی

در سطح بین‌الملل، استقبال از بازگشت به مسیر دیپلماسی، هرچند با احتیاط، مشهود است. اتحادیه اروپا رسما از آغاز دور تازه مذاکرات استقبال کرده و تاکید کرده است که هر توافقی باید بازگشت پایدار ایران به تعهدات هسته‌ای و رفع معنادار تحریم‌ها را در پی داشته باشد.

چین و روسیه نیز که در ماه‌های اخیر روابط نزدیک‌تری با ایران برقرار کرده‌اند، نسبت به موفقیت مذاکرات علاقه‌مندند، چرا که ثبات منطقه‌ای به نفع پروژه‌های اقتصادی و ژئوپولیتیک آنهاست. از سوی دیگر، اسرائیل به‌شدت نسبت به هرگونه احیای توافق هسته‌ای هشدار داده و اعلام کرده است که در صورت لزوم، دست به اقدام یکجانبه خواهد زد. این تهدیدات می‌تواند همچنان سایه‌ای سنگین بر روند مذاکرات بیندازد.

● پیامدهای اقتصادی و اجتماعی توافق

یک توافق، حتی موقت یا مرحله‌ای، می‌تواند تاثیری فوری بر اقتصاد ایران بگذارد. آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده، تسهیل صادرات نفت، گشایش‌های بانکی و کاهش هزینه‌های مبادله می‌تواند در کوتاه‌مدت، تنفس تازه‌ای به اقتصاد خسته کشور بدهد.

از سوی دیگر، جامعه ایرانی، که سال‌هاست زیر بار فشارهای تحریم قرار دارد، با دقت تحولات مذاکرات را رصد می‌کند. حتی یک نشانه روشن از کاهش تنش می‌تواند فضای اجتماعی را تغییر دهد و امید به آینده را در میان نسل جوان بازسازی کند.

● از رم تا عمان؛ از امید تا واقعیت

مذاکره‌کنندگان ایرانی و آمریکایی، این بار شاید بهتر از همیشه می‌دانند که هیچ توافقی بدون مصالحه‌های دشوار حاصل نخواهد شد. همانگونه که تاریخ دیپلماسی می‌گوید، توافق واقعی جایی در میانه خواسته‌های حداکثری و خط قرمزهای غیرقابل عبور متولد می‌شود.

اگر در عمان، کارشناسان بتوانند اختلافات در حوزه‌های فنی را کاهش دهند و اگر در دور سوم مذاکرات عراقچی و ویتکاف بتوانند اراده‌ای سیاسی برای ادامه مسیر نشان دهند، شاید امیدواری به زنده ماندن روند مذاکرات، بیش از یک رویا باشد.

● چشم‌انداز مبهم، اما باز

جهان، چشم به رم و عمان دوخته است. توافق احتمالی، اگر حاصل شود، به یقین راهی دشوار در پیش خواهد داشت. اما همین که دیپلماسی بار دیگر به جای تهدید و تحریم نشسته، خود نشانه‌ای است از نیرویی که می‌تواند جهان خسته از بحران را به اندکی آرامش رهنمون شود.

تا شنبه آینده و برگزاری دور سوم گفت‌وگوها در عمان، همه نگاه‌ها به سوی خاورمیانه دوخته شده است؛ به امید آنکه این بار، شاید دیپلماسی بتواند بر هیاهوی جنگ و بحران غلبه کند. رم و عمان این روزها فقط میزبان مذاکرات هسته‌ای نیستند؛ شاهد تلاشی انسانی برای بازگرداندن امید به جهانی هستند که بیش از همیشه، به آرامش و گفت‌وگو نیاز دارد.

ما، در میان اخبار داغ، تحلیل‌های متناقض و انتظاری بی‌پایان، چشم به راه خواهیم ماند؛ چشم به راه لحظه‌ای که شاید این بار، سکوت دیپلمات‌ها به لبخندی از توافق ختم شود.

هر دکمه، زیپ، رنگ و تکه‌ای از لباس سیاستمداران، تاکتیکی برای جلب اعتماد، نمایش اقتدار یا القای فرماندهی است

لباس بیانیه

رهبران جهان از احمدی‌نژاد با کاپشن ساده تا بایدن با کت‌وشلوار کلاسیک، پوتین بر اسب، زلنسکی در یونیفرم، شی جین‌پینگ با لباس مائو، بن‌سلمان با دشداشه و ترامپ با کراوات قرمز، پیام‌هایی فراتر از پوشش فرستادند

الهه کاکایی | در راهروهای قدرت، لباس گاهی بلندتر از کلمات سخن می‌گوید. استایل شخصی سیاستمداران تبدیل به بخشی از برند آنها شده و هر انتخاب پوششی پیامی ظریف یا صریح به همراه دارد. در این گزارش، به سراغ چند سیاستمدار جهان امروز می‌رویم و رمز و رازهای پشت پوشش‌های‌شان را بررسی می‌کنیم. از کراوات‌های قدرت‌نمای قرمز تا کاپشن ساده‌ای که شهرت یافت، در این گزارش می‌بینیم لباس‌ها چگونه به ابزاری در خدمت سیاست تبدیل شده‌اند.

محمود احمدی‌نژاد: پیام کاپشن ساده

محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور پیشین ایران، با استایل متفاوت خود در خاطرها مانده است. او به جای کت‌وشلوار رسمی ریاست‌جمهوری، غالبا کاپشنی ساده به رنگ خاکی یا کرم بر تن می‌کرد. این کاپشن که سال‌ها همراه همیشگی او بود، به نوعی به امضای ظاهری احمدی‌نژاد تبدیل شد. پیام این پوشش بی‌آلایش روشن بود: نمایش سادگی و نزدیکی به مردم عادی. احمدی‌نژاد با پرهیز از پوشیدن لباس‌های تجملاتی خود را مردی برخاسته از توده مردم نشان می‌داد. این انتخاب پوشش برای بسیاری یادآور رویکرد پوپولیستی او بود که می‌خواست بگوید همراه «مستضعفان» است نه همنشین نخبگان اشرافی.

جو بایدن: ظاهر کلاسیک، عینک آفتابی نمادین

رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده، جو بایدن، به پوشیدن کت‌وشلوارهای خوش‌دوخت سرمه‌ای یا مشکی با کراوات‌هایی در طیف آبی یا قرمز شهرت دارد. در نگاه اول شاید استایل بایدن بسیار سنتی و کلاسیک به نظر برسد اما او نیز پیام‌های خاص خود را از خلال پوشش و استایلش منتقل می‌کند. عینک آفتابی «هوانوردی» مشهور او سال‌هاست بخشی از هویت تصویری‌اش شده است. بایدن اغلب در رویدادهای غیررسمی یا هنگام خروج از هواپیما با آن عینک‌های آفتابی ظاهر می‌شود و تصویری خودمانی اما بااعتماد به‌نفس از خود به نمایش می‌گذارد. این عینک نمادین، یادآور دوران جوانی او و خدماتش به عنوان پسر آرمان‌گرای دهه ۶۰ میلادی است و در عین حال به او جذبه‌ای دوستانه و مردم‌پسند می‌دهد. بایدن همچنین گاهی با کت خلبانی چرمی با نشان ریاست‌جمهوری دیده می‌شد که ظاهری شبیه فرمانده کل قوا به او می‌بخشید. جزئیات ظاهری کوچک — از سوزن‌یقه‌هایی با نشان پرچم آمریکا گرفته تا رنگ کراوات — همه حساب شده‌اند تا هم وقار مقام ریاست‌جمهوری حفظ شود و هم صمیمیت و نزدیکی با مردم عادی القا شود.

ولادیمیر پوتین: قدرت‌نمایی در لباس

ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، به دقت از استایل ظاهری خود برای انتقال تصویر قدرت و اقتدار استفاده می‌کند. در محافل رسمی، او معمولا با کت‌وشلوارهای تیره کاملا اندازه و کراوات‌هایی با رنگ‌های سنگین ظاهر می‌شود که با شخصیت جدی و خونسردش هم‌خوانی دارد. انتخاب لباس‌های او نشان از انضباط و کنترل دارد؛ در پوشش او هیچ چیز خارج از جای خود نیست و همه اجزا مرتب و رسمی‌اند. اما پوتین فراتر از جلسات رسمی، از پوشش برای ساختن چهره یک «مرد عمل» نیز بهره برده است. تصاویر مشهوری از او وجود دارد که متفاوت از لباس‌های رسمی همیشگی است: پوتین با بالاتنه برهنه در حال اسب‌سواری در توندراهای سیبری، با لباس کیمونو در تمرینات جودو یا کاپشن خلبانی مشکی هنگام بازدید از رزمایش‌های نظامی. این نمایش‌های از پیش برنامه‌ریزی‌شده تصویری، بخشی از استراتژی کرملین برای القای اقتدار، مردانگی و آمادگی جسمانی رهبر روسیه است. حتی نوع ساعت مچی گران‌قیمتی که به دست می‌اندازد یا پالتوی فاخرش در مراسم عمومی، پیام پنهانی از توان مالی و اعتمادبه‌نفس او به مخاطبان مخابره می‌کند. به طور خلاصه، پوتین چه در کت‌وشلوار رسمی و چه در لباس ورزشکار ماجراجو، همواره در حال ساختن برندی شخصی است که قدرت، تسلط و مردانگی از آن تراوش می‌کند.

ولودیمیر زلنسکی: یونیفرم زیتونی زمان جنگ

رئیس‌جمهور اوکراین، ولودیمیر زلنسکی، طی دو سال اخیر نمونه برجسته‌ای از تغییر استایل متناسب با شرایط بحرانی را به نمایش گذاشته است. زلنسکی که پیشتر کمد لباسش شامل کت‌وشلوارهای رسمی آبی یا خاکستری و پیراهن‌های اتوکشیده برای دیدارهای دیپلماتیک بود، پس از آغاز جنگ و تهاجم روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، ظاهر خود را به شکل چشمگیری تغییر داد. اکنون او تقریبا همیشه با تیشرت یا سویشرت‌های ساده به رنگ سبز زیتونی، شلوارهای خاکی نظامی و پوتین‌های سربازی در انظار دیده می‌شود. این پوششِ شبیه یونیفرم سربازان خط مقدم بی‌وقفه یادآور وضعیت جنگی کشورش است. زلنسکی با ریشی که کمی بلندتر از حالت عادی شده و عدم استفاده از هرگونه نماد تشریفاتی در لباس، عملا می‌خواهد نشان دهد که او هم درست مانند سربازان درگیر در میدان نبرد است و دفتر کارش دیگر کاخ ریاست‌جمهوری نیست بلکه سنگر مقاومت است. وقتی او با همین لباس ساده نظامی در مجامع بین‌المللی حاضر می‌شود — از نطق ویدئویی در سازمان ملل گرفته تا سخنرانی حضوری در کنگره آمریکا — پیام روشنی را مخابره می‌کند: «یک رهبر درحال جنگ فرصتی برای کراوات زدن ندارد». این استراتژی پوشش تا حد زیادی موثر بوده و به برند بین‌المللی زلنسکی تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که تی‌شرت زیتونی او اکنون سمبلی از مقاومت اوکراین در برابر تجاوز روسیه تلقی می‌شود.

شی جین‌پینگ: وفادار به لباس فرم حزب

رهبر قدرتمند چین، شی جین‌پینگ، در ظاهر خود ترکیبی از سنت حزبی و دیپلماسی مدرن را منعکس می‌کند. شی اغلب در دیدارهای بین‌المللی و نشست‌های رسمی با کت‌وشلوار تیره و کراوات ظاهر می‌شود؛ لباسی که او را در جمع دیگر سران جهان هم‌شکل نشان می‌دهد و تصویری از یک دولتمرد جهان‌دیده ارائه می‌کند. اما در رویدادهای مهم داخلی و مراسم حکومتی چین، استایل شی تفاوت ظریفی پیدا می‌کند. او گاهی به جای کت‌وشلوار غربی، کت‌های یقه‌بسته موسوم به «لباس مائو» را بر تن می‌کند. برای نمونه در رژه بزرگداشت هفتادمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین در پکن، شی با کت و شلوار یقه دیپلماتیک خاکستری در جایگاه ایستاد. این انتخاب لباس حاوی نمادگرایی قوی بود: شی خود را وارث سنت انقلابی چین و ادامه‌دهنده راه رهبران کمونیست گذشته نشان داد. لباس یقه‌بسته به نوعی لباس فرم حزب کمونیست چین تبدیل شده و شی با پوشیدن آن در بزنگاه‌های مهم داخلی، وفاداری‌اش را به ارزش‌های حزب و هویت چینی به نمایش می‌گذارد. در مقابل، هنگامی که او در اجلاس‌های بین‌المللی در کنار رهبران غربی دیده می‌شود، با پوشیدن کت‌وشلوار و کراوات استاندارد، پیام تعامل و عادی‌سازی را القا می‌کند. این جابه‌جایی ظریف در استایل، نشان‌دهنده توجه دقیق شی به مخاطب هر صحنه است؛ گاهی تأکید بر چینی بودن و کمونیست بودن و گاهی تاکید بر یک دولتمرد جهانی هم‌تراز دیگران بودن.

محمد بن‌سلمان: از ردای سنتی تا کت‌وشلوار غربی

ولیعهد جوان سعودی، محمد بن‌سلمان، تلفیقی از پوشش سنتی عربی و لباس‌های غربی را در استایل خود به نمایش می‌گذارد. به عنوان یک شاهزاده سعودی و رهبر دوفاکتوی کشور، او اغلب با لباس سنتی عربستان یعنی دشداشه سفید بلند، چفیه و عقال برسر و گاهی عبای سلطنتی بر دوش دیده می‌شود. این پوشش سنتی، مشروعیت او را به عنوان عضوی از خاندان سلطنتی و نگهبان ارزش‌های سنتی کشور تقویت می‌کند. تصاویر رسمی او در حال دست‌بوسی پدرش ملک‌سلمان با همین لباس سنتی یا حضورش در مجامع رسمی داخلی با ردای فاخر همگی نقش لباس را در نمایش وفاداری به سنت‌ها نشان می‌دهد. اما محمد بن‌سلمان روی دیگری هم در استایل دارد که بیشتر در سفرهای خارجی یا ملاقات با چهره‌های غربی نمایان می‌شود. او در دیدار با مدیران شرکت‌های فناوری در سیلیکون‌ولی یا سفرهای اروپایی، گاه کت‌وشلوار رسمی و مدرن غربی به تن می‌کند. این تغییر لباس بسته به موقعیت، حاکی از استراتژی محمد بن‌سلمان در ارائه چهره‌ای دوگانه است: در داخل کشور یک رهبر سنت‌گرا و مذهبی و در خارج یک مدیر اجرایی مدرن و اهل نوآوری.

کیم جونگ اون: لباس یادگار دودمان

رهبر کره شمالی، کیم جونگ اون، از همان روزهای نخست رهبری‌اش با انتخاب پوششی پا به عرصه گذاشت که یادآور پدربزرگ حکومت و پدرش بود. کیم تقریبا همیشه با کت‌وشلوارهای یقه‌بسته به سبک مائو در انظار ظاهر می‌شود؛ لباسی که پیش از او کیم ایل‌سونگ و کیم جونگ‌ایل به آن شهرت داشتند. این لباس فرم خاص — معمولا به رنگ تیره یا خاکستری — اکنون جزئی ثابت از تصویر عمومی کیم است و پیام روشنی دارد: استمرار سنت خاندان کیم و تداوم راه رهبران پیشین. به‌ندرت پیش می‌آید که او با لباس غربی یا کراوات دیده شود. حتی در دیدارهای تاریخی با رئیس‌جمهور کره‌جنوبی یا دونالد ترامپ، او همان لباس یقه‌بسته سنتی را به تن داشت. از سوی دیگر، گاهی با سنجاق سینه‌ای مزین به تصویر پدر و پدربزرگش، مشروعیت خود را از سلسله حاکم بر کشورش به نمایش می‌گذارد.

لباس به مثابه ابزار قدرت نرم

نگاهی به استایل این سیاستمداران نشان می‌دهد که لباس برای آنان صرفا جنبه زیبایی یا پوشش ندارد. در عرصه سیاست‌ورزی و ارسال پیام نیز به عنوان ابزاری مهم به کار گرفته می‌شود. یک انتخاب هوشمندانه در پوشش تصویری از قدرت، همبستگی با مردم، پایبندی به سنت یا حرکت به سوی تغییر را در ذهن مخاطبان داخلی و خارجی حک می‌کند. سیاستمداران جهان با آگاهی از این موضوع، کمد لباس خود را همچون جعبه‌ابزار نمادها می‌بینند. از کراوات قرمز پررنگی که اقتدار و جسارت را تداعی می‌کند گرفته تا کاپشن ساده‌ای که فروتنی و مردمی بودن را فریاد می‌زند، همه و همه نشان می‌دهد چگونه سیاستمداران در عصر رسانه‌ای امروز حتی با رنگ و طرح لباس‌های‌شان هم سیاست می‌ورزند.

یادداشت

وقتی اینستاگرام جای مجلس و میتینگ را می‌گیرد

سیاستمداران اینستاگرامی

سایبرپوپولیسم یعنی ظهور رهبرانی که به جای تریبون‌های رسمی، با فالوئرها حرف می‌زنند؛ سیاستی که مرز میان واقعیت و روایت را کمرنگ کرده است

ملک میرمهدی
روزنامه‌نگار

در دنیای سیاست امروز، دیگر شعارهای بلندگودار، گردهمایی‌های خیابانی یا پوسترهای رنگارنگ به تنهایی پاسخگو نیست. در قرن بیست‌ویکم، میدان نبرد قدرت به نمایشگرهای کوچک موبایل‌ها منتقل شده و سیاستمدارانی ظهور کرده‌اند که به‌جای تجمع‌های میلیونی، فالوئرهای میلیونی را بسیج می‌کنند. به این پدیده، سایبرپوپولیسم می‌گویند: نسخه دیجیتالی و شبکه‌ای از پوپولیسم سنتی.

سایبرپوپولیسم یعنی سیاستمدارانی که از طریق شبکه‌های اجتماعی، به ویژه اینستاگرام، خود را به توده مردم نزدیک می‌کنند؛ بی‌واسطه، بی‌نیاز از رسانه‌های رسمی و با زبانی که بیشتر شبیه حرف زدن در یک کافه دوستانه است تا نطق‌های رسمی در پارلمان.

چرا اینستاگرام؟

در میان همه پلتفرم‌های اجتماعی، اینستاگرام محبوبیت ویژه‌ای برای سیاستمداران سایبرپوپولیست دارد. اینجا خبری از متن‌های بلند یا بحث‌های پیچیده نیست. همه چیز خلاصه می‌شود در یک عکس خوش آب و رنگ، یک ویدئوی کوتاه و چند خط کپشن ساده و خودمانی. اینستاگرام به سیاستمدار اجازه می‌دهد تا «تصویر» بسازد؛ تصویری از یک اهل قدرت نزدیک به مردم، صمیمی، بی‌آلایش و همیشه در دسترس.

از آمریکا گرفته تا برزیل، از ایتالیا تا هند، سیاستمداران زیادی توانسته‌اند با اتکا به اینستاگرام، بر موج احساسات عمومی سوار شوند و مسیر قدرت را طی کنند. دونالد ترامپ، ژائیر بولسونارو، ماتئو سالوینی و حتی نارندرا مودی، بخشی از محبوبیت و موفقیت خود را مدیون قدرت شبکه‌های اجتماعی، به ویژه تصویرسازی در اینستاگرام هستند.

چهره‌های تازه، بازی‌های تازه

برخلاف سیاست سنتی که سال‌ها نیاز به کار حزبی، تجربه مدیریتی و شبکه‌سازی درون حاکمیت داشت، سایبرپوپولیسم درها را برای چهره‌های تازه‌نفس باز کرده است. حالا هر کسی که بتواند قصه‌ای جذاب از خودش روایت کند و در اینستاگرام دست به دل مردم بزند، این شانس را دارد که در سیاست جدی گرفته شود.

در این مدل جدید، مهارت‌های کلاسیک مثل سخنرانی فصیح یا اطلاعات ژرف درباره اقتصاد و سیاست جهانی، جای خود را به ویژگی‌هایی مثل طنز، شوخ‌طبعی، خودافشایی و حتی جنجال‌آفرینی داده‌اند. سیاستمداران اینستاگرامی می‌دانند چطور خود را «واقعی» نشان دهند، از نقاط ضعفشان حرف بزنند، در لحظه‌های شخصی شریک شوند و مهم‌تر از همه: داستان‌پردازی کنند.

تیغ دولبه

سایبرپوپولیسم البته هم فرصت است و هم تهدید. از یک سو، باعث می‌شود سیاست به مردم نزدیک‌تر شود و صدای گروه‌های حاشیه‌ای راحت‌تر شنیده شود. از سوی دیگر، خطر بزرگ آن است که سیاست را به یک شوی بی‌پایان تبدیل کند؛ جایی که ظاهر، مهم‌تر از مضمون می‌شود و تعداد لایک‌ها جای تحلیل‌های عمیق را می‌گیرد.

از همین روست که برخی تحلیلگران، سایبرپوپولیسم را عامل رشد احساسات ضدنخبگانی، نفرت‌پراکنی و بی‌اعتمادی به نهادهای رسمی می‌دانند. در این فضا، روایت‌ها جای واقعیت را می‌گیرند و مرز میان حقیقت و دروغ محو می‌شود.

ایران و سایبرپوپولیسم

در ایران هم نشانه‌های سایبرپوپولیسم به چشم می‌خورد. برخی چهره‌های سیاسی، به ویژه در سال‌های اخیر، فهمیده‌اند که برای جلب نظر جوانان و طبقه متوسط شهری، دیگر نمی‌شود تنها با حضور در مناظره‌های تلویزیونی یا انتشار بیانیه‌های رسمی کار را پیش برد. اینستاگرام و حتی دیگر پلتفرم‌های تصویری مثل روبیکا، به میدان تازه‌ای برای بازیگری سیاسی تبدیل شده‌اند.

بعضی سیاستمداران ایرانی با انتشار ویدئوهای خودمانی از جلساتشان، سفرهایشان یا حتی زندگی شخصی‌شان، تلاش می‌کنند تصویری صمیمی‌تر و متفاوت از خود بسازند. آنها دیگر نه فقط در مقام سیاستمدار، بلکه به‌عنوان «اینفلوئنسر سیاسی» ظاهر می‌شوند؛ شخصیتی که باید هم آگاه باشد، هم جذاب، هم صمیمی و هم سرگرم‌کننده.

آینده‌ای که باید شناخت

سایبرپوپولیسم یک پدیده گذرا نیست. سیاست در عصر دیجیتال، خواه ناخواه، به سمت تصویرمحوری، روایت‌های فردی و ارتباط بی‌واسطه حرکت می‌کند. این تغییر، قواعد بازی را به‌کلی دگرگون کرده است؛ به نفع کسانی که می‌توانند دل مردم را در دنیای مجازی به دست آورند.

اما فراموش نکنیم که سیاست فقط بازی احساسات نیست. در نهایت، تصمیمات مهم هنوز در میدان‌های واقعی گرفته می‌شوند، نه در استوری‌های اینستاگرام. آینده سیاست در دنیای سایبری، نیازمند توازن هوشمندانه‌ای میان جذابیت‌های تصویری و مسئولیت‌های واقعی است. بازی با احساسات می‌تواند نردبانی برای صعود باشد، اما برای ماندن در قله، چیزی فراتر از لایک و فالو لازم است: صداقت، دانش و تعهد.

گزارش

وقتی نور، رنگ، مبلمان، نام خیابان و کفپوش مناطق شمال و جنوب، پیام نابرابری شهری را بازتاب می‌دهند

سیاست در سنگفرش خیابان‌ها

گاهی شکاف میان محله‌ها، به شکاف میان جهان‌های اجتماعی و اقتصادی تبدیل می‌شود

صبح، مسیرش را از خانه‌ای کوچک در جنوب شهر آغاز می‌کند. پیاده‌روها ترک خورده، آسفالت خیابان پُر از چاله و ساختمان‌هایی که انگار سال‌هاست دستی به آنها نخورده. تا به ایستگاه مترو برسد، چندین‌بار مجبور می‌شود از روی جدول‌ها بپرد، از میان موتورهایی که راه را بسته‌اند رد شود و با نگاهی مراقب، از کنار دیوارهایی عبور کند که پر از آگهی‌های قدیمی و پوسترهای محو شده‌اند.

در همان لحظه، در نقطه‌ای دیگر از همین شهر، زنی در محله‌ای سبز و آرام، با کفپوش‌های تمیز، سوار دوچرخه‌اش می‌شود و از میان خیابانی خلوت و بی‌سر و صدا عبور می‌کند. کافه‌هایی شیک، فروشگاه‌های زنجیره‌ای و نور طبیعی که از میان درخت‌های قد کشیده، چهره شهر را روشن کرده است.

این دو نفر، هر دو شهروند یک شهرند؛ اما تجربه‌شان از «شهر» زمین تا آسمان فرق دارد.

نقشه‌کشی شهری، در ظاهر مسئله‌ای فنی و بی‌طرفانه به نظر می‌رسد: جانمایی خیابان‌ها، طراحی پیاده‌روها، احداث پارک‌ها و ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی اما کافی‌ست کمی دقیق‌تر نگاه کنیم تا ببینیم شهر، خودش زبان سیاست است. خیابان‌ها، ساختمان‌ها، مرزهای محله‌ها، نحوه توزیع امکانات، حتی نور، صدا و رنگ در هر منطقه، همه حامل پیامی پنهان‌اند. پیامی که گاه می‌گوید «تو مهمی» و گاه می‌گوید «جایت اینجا نیست».

تاریخ شهرسازی در بسیاری از کشورها و به‌ویژه در جوامع نابرابر، با تفکیک طبقاتی گره خورده. از شهرهای استعماری گرفته تا کلانشهرهای مدرن، نقشه‌کشی شهری ابزاری برای کنترل و هدایت جریان مردم، سرمایه و فرصت‌ها بوده است. در برخی شهرها، پل‌های کوتاه عمدا به‌گونه‌ای طراحی شدند که اتوبوس از زیرشان عبور نکند؛ به این ترتیب، قشر کم‌درآمدی که به اتوبوس وابسته بود، عملا از ورود به آن مناطق محروم می‌شد. در جای دیگر، ایستگاه‌های مترو با تاخیر به جنوب شهر رسیدند؛ چون «ارزش اقتصادی» آن منطقه، کمتر ارزیابی شده بود.

نقشه، فقط راه را نشان نمی‌دهد؛ راه را تعریف می‌کند. و تعریفی که از «مسیرها» می‌دهد، همان‌قدر مهم است که قوانینی که در پارلمان تصویب می‌شوند.

طراحی شهر می‌تواند امکان دیدار و گفت‌وگو را فراهم کند یا آن را به حاشیه براند. می‌تواند فرصت‌های اقتصادی را متمرکز کند یا توزیع‌شان کند. یک خیابان که با دقت نورپردازی و مبلمان شهری طراحی شده، محلی برای تجمع و تبادل نظر می‌شود. در مقابل، خیابانی که با فنس و حفاظ و دوربین پر شده، تنها کارکردی نظارتی و امنیتی دارد. شهروند، بسته به محله‌ای که در آن زندگی می‌کند، یا فضا را مال خود می‌بیند یا حس می‌کند وارد قلمرویی بیگانه شده.

گاهی تفکیک طبقاتی فقط با دیوارهای فیزیکی انجام نمی‌شود؛ با زبان، رنگ، بافت، نور و حتی اسم خیابان‌ها هم می‌توان مرز ساخت. کدام محله‌ها نام شخصیت‌های تاریخی را دارند؟ کدام‌یک نام گل و گیاه؟ همین نام‌گذاری ساده، تصویری ذهنی از اهمیت و هویت به ساکنان القا می‌کند. وقتی یک خیابان، بن‌بست است، ساکن آن کمتر در جریان شهر قرار می‌گیرد. کمتر دیده می‌شود. کمتر شنیده می‌شود. کمتر مشارکت می‌کند.

در چنین شرایطی، تفکیک جغرافیایی، به تفکیک اجتماعی منجر می‌شود. ساکنان یک منطقه از امکانات بهتر، خدمات شهری باکیفیت‌تر و دسترسی راحت‌تر به مراکز تصمیم‌گیری برخوردارند. آن‌سوتر، محله‌هایی هستند که در نقشه واقعی شهر وجود دارند اما در ذهن برنامه‌ریزان، جای چندانی ندارند.

این نوع شهرسازی، ناخواسته به بازتولید نابرابری دامن می‌زند. کودکانی که در محله‌های کم‌برخوردار بزرگ می‌شوند، علاوه بر آنکه از زمین بازی استاندارد محروم‌اند، از امکان رویاپردازی در شهری برابر نیز بی‌بهره‌اند. وقتی خیابان‌ها، فقط راه عبور نیستند، بلکه حامل معنا و منزلت‌اند، آنگاه شهر به صحنه‌ای تبدیل می‌شود که سیاست در آن اجرا می‌شود؛ بی‌آنکه نیازی به سخنرانی یا شعار باشد. در این میان، طراحان شهری، مهندسان، معماران و سیاست‌گذاران باید بپذیرند که نقشه، سیاستنامه‌ای خاموش است. حتی سکوتش صدا دارد. هر مسیر کشیده‌نشده، هر پارک ناتمام، هر ایستگاه فراموش‌شده، تصمیمی سیاسی‌ست. بی‌عدالتی فقط در قانون نیست؛ گاهی در فاصله دو ایستگاه اتوبوس هم رخ می‌دهد.

در نهایت، باید پرسید: اگر شهری قرار است برای همه باشد، چرا برخی از ساکنانش همیشه در حاشیه می‌مانند؟ چرا شهروندی برخی، پرنورتر و روان‌تر است و شهروندی برخی دیگر، پر مانع و تاریک؟

شهر، همانطور که ساخته می‌شود، می‌سازد. و اگر این ساختن ناعادلانه باشد، نابرابری، نه‌فقط در آمارهای اقتصادی که در هر گام پیاده‌رو، در هر توقف پشت چراغ قرمز و در هر خیره شدن به برج‌هایی دور از دسترس، خود را نشان خواهد داد.

پیشنهاد هفت صبح به محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی ایران

نابیولینا معلم سیاست پولی ایران شود

ارزش روبل در سال ۲۰۲۵ بیش از ۳۸ درصد در برابر دلار آمریکا رشد کرده است

شیرین فیروزبخت
هفت صبح

در روزهایی که از آغاز سال جاری میلادی گذشت، ارزش روبل روسیه در برابر دلار آمریکا بیش از ۳۸ درصد تقویت شد؛ تحولی نادر در میان ارزهای جهانی که آن را در صدر فهرست بهترین ارزهای جهان در سال ۲۰۲۵ قرار داد. روبلی که در سال‌های ابتدایی جنگ اوکراین حتی در رسانه‌های غربی هم با لفظ «بی‌جان» توصیف می‌شد، اکنون با صلابت ایستاده و در برابر تحریم‌ها، فراتر از حد انتظار مقاومت می‌کند. پشت این دستاورد، چهره‌ای ایستاده است که بی‌سروصدا اما مقتدرانه اقتصاد روسیه را هدایت می‌کند: الویرا نابیولینا، رئیس بانک مرکزی فدراسیون روسیه.

اگر رئیس کل بانک مرکزی ایران یعنی محمدرضا فرزین، چند ماهی از میز و صندلی برج شیشه‌ای میرداماد فاصله بگیرد و برای کارآموزی به خیابان نگلینایا در مسکو ـ جایی که مقر بانک مرکزی روسیه است ـ برود، شاید بتواند از خانم نابیولینا بیاموزد که در عصر اقتصادهای متورم، مدیریت پول ملی الزاما به معنای قفل کردن دلار در صرافی‌ها یا صدور بخشنامه‌های خلق‌الساعه نیست.

در روسیه، روبل نه با التماس به صادرکنندگان نفتی و غیرنفتی، بلکه با سیاست‌های منسجم پولی تقویت شد. در اسفند ۱۴۰۳ الویرا نابیولینا نرخ بهره را به ۲۱ درصد رساند و آن را در نشست مارس ۲۰۲۵ تثبیت کرد. سیاستی سختگیرانه، با هدف کنترل تورم، جذب سرمایه‌های خرد به بازار پول و بازگرداندن ثبات به بازار ارز. نه قرار بود کسی را با تهدید به فروش ارز مجبور کنند، نه نیازی به مصاحبه‌های هر روزه مسئولان وجود داشت.

از سوی دیگر، بانک مرکزی روسیه در مسیر استقلال سیاست‌گذاری حرکت کرد؛ یعنی اجازه نداد فشار دولت برای تسهیل مالی، ستون‌های بانک مرکزی را بلرزاند. در ایران اما، سال‌هاست سیاست پولی تابعی از بودجه عمومی است و در بزنگاه‌های سیاسی، استقلال بانک مرکزی از اجرا باز می‌ماند و در حد یک شعار زیبا باقی می‌ماند.

خانم نابیولینا اقتصاددان برجسته‌ای است که در مدیریت بحران نیز کارنامه درخشانی دارد. از سال ۲۰۱۳ که به ریاست بانک مرکزی منصوب شد، تا امروز چندین شوک ارزی، تحریم بانکی، افت قیمت نفت و یک جنگ تمام‌عیار را از سر گذرانده و هر بار با ابزارهای سیاست پولی ـ نه با تبلیغات رسانه‌ای ـ از اقتصاد روسیه دفاع کرده است.

در مقام مقایسه، بانک مرکزی ایران در مواجهه با بحران‌ها اغلب درگیر اقدامات واکنشی و نمایشی می‌شود. گاه بازار ارز را با شوک‌های تزریقی آرام می‌کند، گاه با جلسات محرمانه و تعیین نرخ‌های ساختگی. نتیجه آن اما فرسایش اعتماد عمومی به ریال، نوسانات بی‌پایان در بازار ارز و شکست پی‌درپی وعده‌هایی مانند تک‌نرخی کردن دلار یا کنترل تورم است.

این تفاوت در مدیریت، نتیجه مستقیم تفاوت در دانش، تجربه و استقلال فردی روسای بانک‌های مرکزی است. محمدرضا فرزین، با سابقه‌ای در دانشگاه علامه طباطبایی و اتاق‌های سیاست‌گذاری دولت، همچنان درگیر چارچوب‌های سنتی و فرمان‌پذیر است؛ اما نابیولینا با سابقه‌ای بین‌المللی، زبان‌دانی و تحصیلات اقتصاد کاربردی در دانشگاه مسکو، الگویی از سیاست‌گذاری علمی و جسورانه را ارائه می‌دهد.

ناگفته نماند که نابیولینا فقط به ابزار نرخ بهره متکی نیست. او با اصلاح ساختار بازار بدهی، گسترش ابزارهای مالی و حذف یارانه‌های ارزی غیرضروری، اقتصاد روسیه را در برابر شوک‌های خارجی مقاوم کرد. آیا نمی‌توان همین مدل را در ایران نیز پیاده کرد؟ البته که می‌توان، به شرط آنکه سیاست‌گذار پولی واقعا سیاست‌گذار باشد، نه بلندگوی دولت‌ها!

اگرچه پیشنهاد سفر یک رئیس بانک مرکزی به مسکو برای کارآموزی، بیشتر شبیه شوخی است تا طرح اجرایی اما شاید یک نشست محرمانه، یک دوره مطالعاتی یا حتی یک تماس تصویری هم کافی باشد تا محمدرضا فرزین کمی از مدل ذهنی خانم نابیولینا الهام بگیرد. چراکه در جهانی که روبل برق می‌زند و ریال درجا، دست‌کم گرفتن تجربه دیگران خسارت‌بار و بلکه خطرناک است.

بانک مرکزی باید نقش خود را از ابزار اجرایی صرف، به معمار سیاست‌های پولی منسجم و همسو با رشد پایدار ارتقا دهد

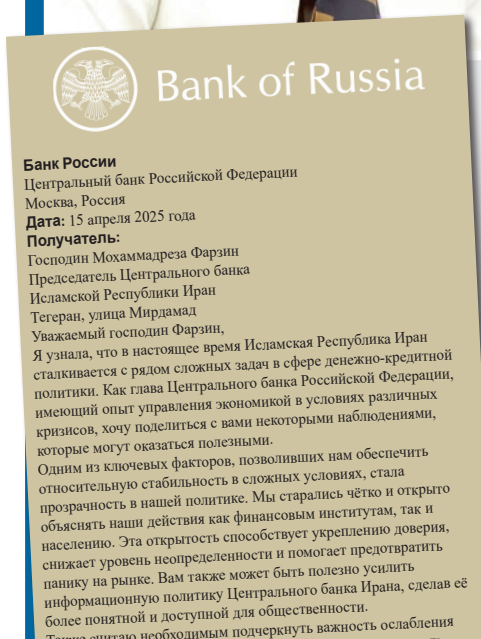

Bank of Russia

Банк России
Центральный банк Российской Федерации
Москва, Россия
Дата: 15 апреля 2025 года
Получатель:
Господин Мохаммадреза Фарзин
Председатель Центрального банка
Исламской Республики Иран
Тегеран, улица Мирдамад
Уважаемый господин Фарзин,
Я узнала, что в настоящее время Исламская Республика Иран сталкивается с рядом сложных задач в сфере денежно-кредитной политики. Как глава Центрального банка Российской Федерации, имеющий опыт управления экономикой в условиях различных кризисов, хочу поделиться с вами некоторыми наблюдениями, которые могут оказаться полезными.
Одним из ключевых факторов, позволивших нам обеспечить относительную стабильность в сложных условиях, стала прозрачность в нашей политике. Мы старались чётко и открыто объяснять наши действия как финансовым институтам, так и населению. Эта открытость способствует укреплению доверия, снижает уровень неопределенности и помогает предотвратить панику на рынке. Вам также может быть полезно усилить информационную политику Центрального банка Ирана, сделав её более понятной и доступной для общественности.
Также считаю необходимым подчеркнуть важность ослабления давления со стороны исполнительной власти на деятельность Центрального банка и банковскую систему в целом. В России мы придерживаемся принципа независимости монетарной политики от политических решений. Это позволило нам проводить более устойчивую и профессиональную политику, направленную на долгосрочное развитие, а не на краткосрочные.
С наилучшими пожеланиями,
Эльвира Набиуллина
Председатель Центрального банка Российской Федерации

نامه فرضی از
الویرا نابیولینا به محمدرضا فرزین
بانک مرکزی فدراسیون روسیه
مسکو - خیابان نگلینایا، شماره ۱۲
تاریخ: ۱۹ آوریل ۲۰۲۵
جناب آقای محمدرضا فرزین
رئیس کل محترم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
تهران - خیابان میرداماد

با سلام و احترام
مایلم مراتب ارادت خود را به جنابعالی و تیم همکاران‌تان در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ابراز کنم. در شرایطی که اقتصاد ایران با چالش‌های پیچیده‌ای روبه‌روست، مایلم نکاتی را با تکیه بر تجربه بانک مرکزی روسیه در مسیر عبور از بحران‌های مالی و ارزی، با شما و همکاران تان در میان بگذارم که ممکن است در مسیر پیش‌رو مفید واقع شوند.
تجربه ما نشان داده است که شفافیت در سیاست‌گذاری پولی، ستون اصلی اعتماد عمومی و ثبات اقتصادی است. هنگامی که تصمیمات پولی به‌روشنی برای مردم و بازارها توضیح داده می‌شود، از شدت شایعات و انتظارات منفی کاسته می‌شود و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، با اطمینان بیشتری فعالیت می‌کنند. بانک مرکزی باید همواره خود را متعهد به گفت‌وگو و ارتباط مستمر با جامعه اقتصادی بداند.
همچنین باور داریم که کاهش فشارهای سیاسی بر بانک مرکزی و شبکه بانکی، شرط لازم برای استقلال و اثربخشی سیاست‌های پولی است. بانک مرکزی نمی‌تواند در عین ایفای نقش تنظیم‌گر حرفه‌ای، مجری دستورات فوری و غیرکارشناسی باشد. یکی از تحولات کلیدی در روسیه، فاصله گرفتن بانک مرکزی از نقش یک «ماشین امضا» برای دستورات دستوری دولت بود؛ ما تلاش کردیم تا جایگاه بانک مرکزی را به‌عنوان نهادی مستقل، تحلیلی و تصمیم‌ساز در مسیر توسعه اقتصادی تقویت کنیم.
این تغییر، فرآیندی تدریجی اما ضروری بود. بانک مرکزی باید نقش خود را از ابزار اجرایی صرف، به معمار سیاست‌های پولی منسجم و همسو با رشد پایدار ارتقا دهد. این مسیر به مهار تورم و ثبات ارزی کمک می‌کند و موجب تقویت اعتبار نظام بانکی در میان فعالان اقتصادی و جامعه نیز خواهد شد.
ما دریافته‌ایم که پایداری در سیاست‌گذاری، انسجام در تصمیم‌گیری و شفافیت در اطلاع‌رسانی، سه عامل کلیدی برای مقابله با بحران‌ها و افزایش تاب‌آوری اقتصاد هستند. امیدوارم بانک مرکزی ایران نیز بتواند با اتخاذ این مسیر، نقش محوری خود را در شکل‌دهی آینده اقتصادی کشور ایفا کند. با امید به گسترش تبادل تجربیات و همکاری‌های مشترک میان بانک‌های مرکزی ایران و روسیه، برای جنابعالی و همکارانتان آرزوی موفقیت دارم.
با احترام - الویرا نابیولینا
رئیس کل بانک مرکزی فدراسیون روسیه

در روسیه، روبل نه با التماس به صادرکنندگان نفتی و غیرنفتی، بلکه با سیاست‌های منسجم پولی تقویت شد

بازار سرمایه

عبور بورس از مرز حساس ۳ میلیون

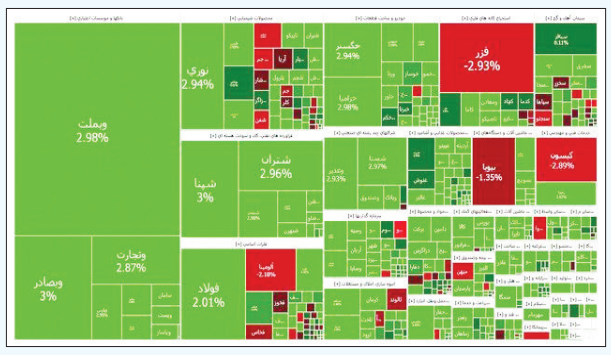

شاخص کل بورس تهران دیروز با رشد بیش از ۴۵ هزار واحد به رکورد جدیدی دست یافت و برای نخستین بار از مرز ۳ میلیون واحد عبور کرد. این افزایش قابل توجه، به‌ویژه در شرایطی که بازارهای جهانی با نوساناتی مواجه بودند، نشان‌دهنده واکنش مثبت سرمایه‌گذاران به تحولات سیاسی و اقتصادی است. آغاز مذاکرات ایران و آمریکا و سیگنال‌های مثبت از این مذاکرات موجب تقویت امیدواری‌ها نسبت به بهبود وضعیت اقتصادی کشور شده است.

تحلیل‌گران بورس، این رشد را به‌عنوان نشانه‌ای از بازگشت اعتماد به بازار سرمایه ارزیابی کرده‌اند. در شرایطی که بسیاری از سرمایه‌گذاران به دلیل نوسانات شدید در گذشته از بازار فاصله گرفته بودند، این رشد قابل توجه نشان‌دهنده علاقه دوباره سرمایه‌گذاران به ورود به بازار است. برخی از کارشناسان معتقدند این حرکت می‌تواند آغاز روندی بلندمدت باشد که در آن بورس تهران به عنوان یکی از گزینه‌های اصلی سرمایه‌گذاری در کشور مطرح شود.

با عبور شاخص از مرز ۳ میلیون واحد، برخی تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند که این روند ممکن است تا پایان سال جاری ادامه پیدا کند، به‌ویژه اگر مذاکرات سیاسی به نتایج مثبت برسد و تحریم‌ها کاهش یابد. این امر تأثیرات مثبتی بر سایر بخش‌های اقتصادی نیز دارد و به افزایش نقدینگی و رونق بازار سرمایه منجر می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت بورس تهران با عبور از این مرز حساس، گام مهمی در جهت بازگشت به مسیر رشد برداشته است.

تحلیل

آینده مبهم صندوق‌های طلا

علی فراهانی | در ماه‌های اخیر، بازار صندوق‌های سرمایه‌گذاری طلا در بورس ایران با چالشی جدی مواجه شده است. این صندوق‌ها که به‌طور معمول با هدف شبیه‌سازی قیمت طلا طراحی شده‌اند، در حال حاضر اکثرا با قیمتی پایین‌تر از ارزش واقعی طلا در بازار جهانی معامله می‌شوند. این اختلاف قیمت به‌ویژه در شرایطی که قیمت طلا در بازارهای جهانی افزایش یافته است، بیشتر نمایان و باعث شده که سرمایه‌گذاران در موقعیت نامطلوبی قرار گیرند. از طرفی، نهادهای نظارتی و ناشران صندوق‌ها نتوانسته‌اند به‌درستی این مشکل را مدیریت کنند و این امر منجر به کاهش اعتماد عمومی به این ابزار سرمایه‌گذاری شده است. به گونه‌ای که همچنان خرید فیزیکی طلا، از جذابیت بیشتری برای شهروندان برخوردار است.

یکی از مهم‌ترین دلایل این مشکل، نقص در فرآیندهای خرید و ابطال واحدهای صندوق‌هاست. در شرایط عادی، باید قیمت واحدهای صندوق‌های طلا به‌طور مداوم با قیمت طلا در بازارهای جهانی هم‌راستا باشد اما در بسیاری از موارد، به دلیل انتزاعی بودن گواهی‌ها و عدم انجام خرید و ابطال به‌موقع، این هم‌راستایی به‌درستی انجام نمی‌شود و برگه‌های سپرده طلا، با قیمتی پایین‌تر از ارزش واقعی طلا در بازار معامله می‌شوند. این موضوع علاوه بر ایجاد اختلاف قیمتی میان ارزش واقعی و بازار، منجر به کاهش نقدشوندگی صندوق‌ها نیز شده است. سرمایه‌گذاران تمایل کمتری به خرید و فروش واحدهای این صندوق‌ها دارند، زیرا احساس می‌کنند که قیمت‌ها واقعی نیست و نمی‌توانند در زمان مناسب از صندوق خارج شوند.

عرضه و تقاضای نامتعادل نیز یکی دیگر از عوامل اصلی بروز این مشکل است. در شرایطی که برخی از صندوق‌ها با تعداد زیادی واحد در گردش مواجه هستند، عرضه واحدها از تقاضا پیشی می‌گیرد و قیمت‌ها کاهش می‌یابد. این اختلاف قیمت میان عرضه و تقاضا، باعث می‌شود قیمت‌های صندوق‌ها از ارزش واقعی طلا دور شوند.

راهکارهای مختلفی برای حل این مشکل پیشنهاد شده است. یکی از اصلی‌ترین این راهکارها، سبدگردانی با روش‌هایی همچون خرید و ابطال بخشی از واحدهای صندوق‌ها توسط ناشران است. این اقدام باعث کاهش تعداد واحدهای در گردش و در نتیجه افزایش ارزش صندوق‌ها به‌طور طبیعی می‌شود. با این کار، عرضه واحدها متناسب با تقاضا تنظیم خواهد شد و نقدشوندگی صندوق‌ها نیز بهبود خواهد یافت. علاوه بر این، ایجاد سازوکارهای بهینه برای فرآیندهای خرید و ابطال، از جمله افزایش شفافیت و گزارش‌دهی به‌موقع به سرمایه‌گذاران، به هم‌راستایی قیمت صندوق‌ها با قیمت جهانی طلا کمک می‌کند.

برخی از تحلیلگران بازار معتقدند ایجاد تغییرات در زمان‌بندی معاملات نیز به بهبود وضعیت منجر می‌شود. به‌عنوان‌مثال، صندوق‌های طلا باید قادر باشند تا زمان خرید واحدهای خود را به‌گونه‌ای تنظیم کنند که قیمت‌های آنها همیشه منعطف و هم‌راستا با قیمت طلا در بازار جهانی باشد. به‌طور خاص، تغییر در ساعات معاملات و فرآیندهای اجرایی یکی از راهکارهای موثر است که به افزایش نقدشوندگی و کاهش فاصله قیمتی میان صندوق‌های طلا و بازار واقعی منجر می‌شود. این تغییرات موجب بهبود وضعیت صندوق‌های طلا و افزایش اعتبار آنها در بازار نیز می‌شود.

نهادهای نظارتی باید نظارت بیشتری بر فرآیندهای خرید و فروش صندوق‌های طلا اعمال کنند تا اطمینان حاصل شود که این ابزارهای مالی به‌طور موثر و منصفانه به بازار عرضه می‌شوند. همچنین، ناشران صندوق‌ها باید تلاش کنند تا فرآیندهای خود را به‌روز کرده و با شفافیت بیشتری به سرمایه‌گذاران اطلاع‌رسانی کنند. این اقدامات، علاوه بر رفع مشکلات موجود، به بازگشت اعتماد به بازار صندوق‌های طلا کمک کرده و موجب ایجاد تعادل میان قیمت‌های این صندوق‌ها و قیمت‌های واقعی طلا در بازار می‌شود.

اقداماتی نظیر خرید و ابطال بخشی از صندوق‌ها و همچنین ارائه اصل طلا به متقاضیان، به بازگرداندن ارزش واقعی به این صندوق‌ها کمک می‌کند. به‌ویژه در شرایطی که قیمت طلا در بازار جهانی به‌طور مداوم افزایش یافته است، نیاز به اصلاحات در این صندوق‌ها به‌طور جدی احساس می‌شود. این امر به نفع سرمایه‌گذاران خواهد بود و به تعادل کلی بازار صندوق‌های طلا نیز کمک می‌کند.

سایه مسقط بر بنگاه‌های املاک

بازار مسکن در انتظار نتایج مذاکرات، در حالت تعلیق قرار دارد

رضا رهسپار | بازار مسکن ایران این روزها در وضعیتی تعلیق‌آمیز قرار دارد. از یک سو، قیمت‌ها در بسیاری از مناطق شهری به سکون نسبی رسیده‌اند و از سوی دیگر، تقاضای واقعی به دلیل نااطمینانی از آینده، همچنان در سایه رکود حرکت می‌کند. فضای عمومی بازار، حال‌وهوای «انتظار» به خود گرفته است؛ انتظاری که بیش از هر زمان دیگر، به نتیجه گفت‌وگوهای سیاسی و روند مذاکرات بین‌المللی گره خورده است. در ماه‌های اخیر، هرگونه خبری درباره آغاز یا توقف مذاکرات، بلافاصله در ذهنیت فعالان اقتصادی و بازارها بازتاب می‌یابد. مسکن نیز از این قاعده مستثنا نیست. اکنون بسیاری از خریداران و فروشندگان، تصمیم‌گیری نهایی خود را به پس از روشن‌شدن نتایج مذاکرات موکول کرده‌اند. این تعلیق، موجب شده حجم معاملات در برخی مناطق تا حدودی کاهش یابد و سازندگان نیز از شروع پروژه‌های جدید خودداری کنند یا با احتیاط بیشتری عمل نمایند. کارشناسان باور دارند تاثیر مذاکرات، در وهله اول بر انتظارات تورمی و فضای روانی بازار نمود پیدا می‌کند. هرگونه نشانه‌ای از توافق یا کاهش فشارهای خارجی، به کاهش انتظارات تورمی منجر شده و در کوتاه‌مدت از رشد قیمت‌ها می‌کاهد. با این حال، انتظار برای کاهش چشمگیر قیمت‌ها چندان واقع‌بینانه نیست، چرا که ساختار هزینه‌ای تولید مسکن در کشور همچنان بالاست. نکته کلیدی آن است که بازار مسکن ایران، سال‌هاست از مشکلاتی همچون نبود نظام مالی پایدار، کمبود تولید سالانه، ضعف در عرضه مسکن اجتماعی و شکاف عمیق میان توان خرید مردم و قیمت‌ها رنج می‌برد. بنابراین، حتی اگر فضای سیاسی به سمت ثبات حرکت کند، بدون اصلاحات ساختاری و سیاست‌های حمایتی، نمی‌توان انتظار تحولی اساسی داشت. در این میان، بازار همچنان بی‌صدا و محتاط، چشم‌به‌راه تحولات آتی مانده است. شاید جهش، شاید استمرار رکود. اما در بخش خرید و فروش هر اتفاقی رخ دهد، بازار اجاره همچنان گرمای خود را حفظ خواهد کرد.

خبر

اتمام پرداخت یارانه فروردین
اولین یارانه نقدی ۱۴۰۴ دهک‌های اول تا سوم درآمدی در روز بیست‌وپنجم فروردین ماه به حساب ۱۰ میلیون و ۲۰۶ هزار و ۷۲۶ نفر واریز شد.

یارانه دهک‌های چهارم تا نهم
دیروز ۳۰ فروردین به مبلغ ۳۰۰ هزار تومان برای هر نفر، واریز شد.

مستمری کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور
تاریخ پرداخت: بیستم هر ماه

یارانه نقدی و معیشتی سایر خانوارهای مشمول
تاریخ پرداخت: سوم هر ماه

یارانه نقدی و معیشتی خانوارهای دهک‌های یک تا سه (۱ تا ۳)
تاریخ پرداخت: بیست و پنجم هر ماه

یارانه دارو و هزینه حمل و نقل و ذخیره‌سازی سوخت
تاریخ پرداخت: از ابتدای ماه

بازار

افزایش قیمت گوشت
بازار گوشت و دام تهران دیروز شنبه ۳۰ فروردین، شاهد افزایش قیمت مرغ در جریان معاملات نسبت به روز پیش است.

عنوان کالا (کیلوگرم)	قیمت (تومان)
دام زنده	۳۲۰.۰۰۰
دام کشتار	۶۸۰.۰۰۰
مرغ زنده	۶۰.۶۹۶
مرغ کشتار	۸۷.۲۶۶
بوقلمون کشتار	۱۰۵.۰۰۰
شترمرغ کشتار	۳۸۶.۰۰۰
گوشت گوسفندی	۶۱۵.۰۰۰
گوشت منجمد گوساله	۳۹۷.۰۰۰
ران گوساله	۴۸۰.۰۰۰

نیمه‌کاره‌های معروف حسن فتحی، مهران مدیری، بیژن بیرنگ و سام قریبیان، سریال‌هایی که انگار قرار نیست به پایان برسد

پلتفرم‌هایی که قول می‌دهند، اما وفا نمی‌کنند

از «قهوه تلخ» تا «ازازیل»، سریال‌هایی که دعواهای مالی و دلخوری‌های داخلی‌شان باعث شد مخاطب را در نیمه‌راه رها کنند

نژلا پیکانیان
هفت صبح

حتما این روزها خبر انصراف حسن فتحی از ساخت ادامه سریال «ازازیل» را شنیده‌اید؛ مخصوصا اگر مخاطب این سریال بوده‌اید و پیگیر خبرهایش باشید از دعواهایی که بین سازنده این سریال و پلتفرم نمایش‌دهنده‌اش پیش آمده باخبرید. هفته پیش حسن فتحی با انتشار پستی در فضای مجازی از این سریال کناره‌گیری کرد. او دخالت‌های غیرحرفه‌ای تهیه‌کننده و عدم‌پرداخت دستمزد بازیگران و عوامل را دلیل اصلی این کناره‌گیری عنوان کرد. این سریال از همان ابتدا و حتی پیش از آغاز پخشش هم با حاشیه‌هایی همراه بود، شیوه تبلیغات ترسناک و سناریویی که توسط یکی از بازیگران این سریال (بهرنگ علوی) شکل گرفت، همان موقع هم صدای اعتراض فتحی را در آورد و موجب شد تا اعلام کند از این ماجراهای تبلیغاتی باخبر نبوده و این شیوه نیز مورد تاییدش نیست. چند روز پیش مسئولان پلتفرم نمایش‌دهنده این سریال اعلام کردند با رایزنی‌هایی که سازندگان سریال از جمله خود فتحی داشتند مشکل حل شده اما تجربه نشان داده بعد از انتشار خبرهایی از این دست و در نهایت حتی اگر ادامه سریال ساخته شود که در مواردی حتی این اتفاق هم نمی‌افتد، نتیجه آنچنان که انتظار می‌رود نخواهد بود و شاید تنها برای خالی نبودن عریضه و آرام کردن فضای خبری و مخاطبان ماجرا به این سمت می‌رود. مخاطب نمایش خانگی یا همان پلتفرم‌هایی که حالا تعدادشان بیشتر و بیشتر می‌شود، سابقه ذهنی خوبی از انتشار این نوع خبرها ندارند.

«ازازیل» اولین سریالی نیست که خبر اختلاف سازندگانش یا عدم‌رضایت کارگردان و عوامل، از کیفیت کار باعث شده سرنوشت مبهمی پیدا کند و باعث نارضایتی یا شاید بهتر باشد بگوییم بی‌اعتمادی مخاطب می‌شود. تا به حال سریال‌های زیادی در پلتفرم‌ها ساخته شده‌اند که به دلایل مختلف یا قصه‌شان نیمه‌کاره رها شد یا برای اینکه انگ نصفه و نیمه بودن بهشان زده نشود با یک سرهم‌بندی غیرحرفه‌ای قصه‌شان را به پایان رساندند تا صدای اعتراض مخاطبان را درنیاورند که البته چندان موفق هم نبودند. در این گزارش به مرور چند سریال مطرح که به دلایل مختلف و البته رسانه‌ای شدن‌شان، نه دلایل واقعی و پشت پرده مثل ممیزی و سانسور پرداختیم.

نیمه‌کاره‌ای به کارگردانی مهران مدیری

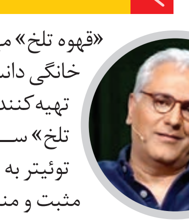
مهران مدیری

«قهوه تلخ» مهران مدیری را می‌توان اولین سریال شبکه نمایش خانگی دانست که به دلیل دعواها و اختلافات مالی و حقوقی بین تهیه‌کنندگانش ساخت آن نیمه‌کاره ماند. در آن سال‌هایی که «قهوه تلخ» ساخته و پخش شد، فضای مجازی و صفحات اینستاگرام و توئیتر به اندازه الان فراگیر نبود و مخاطبان نمی‌توانستند نظرات مثبت و منفی یا حتی اعتراض‌شان را به راحتی در صفحات مختلف به اشتراک بگذارند و نارضایتی‌شان را اعلام کنند؛ اما همان موقع هم مخاطبان خشم‌شان از نیمه‌کاره ماندن این سریال را اعلام کردند. بسیاری بر این باور بودند که وقت و پولی که برای تماشای این سریال صرف کرده‌اند بیهوده بوده است. به‌خصوص اینکه در آن زمان هنوز پلتفرم‌ها به شکل و شمایلی که حالا دارند فعالیت نمی‌کردند و مخاطبان برای تماشای قسمت‌های مختلف سریال، مجبور به صرف هزینه برای خرید دی‌وی‌دی‌هایی بودند که به صورت هفتگی منتشر می‌شد.

عالیجنابی که به ظاهر تمام شد اما...

سام قریبیان

«قهوه تلخ» مهران مدیری نه از اولین‌ها که آخرین سریال هم نبود که پخش‌اش سرنوشت نیمه‌کاره‌ای داشت. چند سال بعد، سام قریبیان سریالی با عنوان «عالیجناب» را برای شبکه نمایش خانگی ساخت که از حیث ژانر یکی از متفاوت‌ترین مجموعه‌ها برای این مدیوم تا آن روز بود. قصه سیاسی این سریال به دلایل مختلف چندان هم مورد استقبال قرار نگرفت. «عالیجناب» داستان رقابت دو کاندیدای ریاست‌جمهوری بود و بازیگران مطرحی هم داشت اما هیچ‌وقت نتوانست آنچنان که باید و شاید بین مخاطبان محبوب شود. در خبرهایی که قبل از آغاز پخش درباره این سریال منتشر شده بود، «عالیجناب» مجموعه‌ای ۱۳ قسمتی بود اما بعد از پخش ۶ قسمت ابتدایی به پایان رسید. درحالی که روایت قصه هنوز به پایان نرسیده بود اما هیچ‌وقت داستان ادامه پیدا نکرد. بعدها تهیه‌کننده این سریال اعلام کرد ادامه ساخت این مجموعه به بازخورد مثبت از سوی مخاطبان بستگی داشت و چون توقع‌ها آنطور که انتظار می‌رفت، برآورده نشد باقی قسمت‌ها ساخته نشد.

خداحافظ «قبله عالم»

حامد محمدی

«قبله عالم» حامد محمدی که داستان زندگی ناصرالدین‌شاه را در قالبی کمدی روایت می‌کرد هم سرنوشتی مشابه سریال‌های نام برده شد داشت. قسمت هفتم سریال به عنوان قسمت پایانی پخش شد و تعجب مخاطبان را در پی داشت. با این تفاوت که این‌بار پلتفرم نمایش‌دهنده سریال اعلام کرد، به احترام مخاطبان و هزینه‌ای که برای تماشای آن پرداخت می‌کنند، پخش آن ادامه نخواهد داشت.

این سریال از همان ابتدای ساخت با ممیزی‌های زیادی روبه‌رو شد. این ممیزی‌ها در زمان پخش هم یقه سازندگان را ول نکرد. چند بار به دلیل مشکلاتی از این دست، پخش با تأخیر و تعویق روبه‌رو شد؛ تا درنهایت پلتفرم پخش سریال «قبله عالم» به دلیل ممیزی‌های فراوان و به منظور احترام به مخاطبان را متوقف کرد. همان زمان روابط عمومی پلتفرم در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «سریال قبله عالم از روز نخستِ پخش تا به امروز در فرآیند تولید و ممیزی دچار چالش‌های فراوان شد، به گونه‌ای که پیوستگی خود را از دست داد و بخش عمده‌ای از هر قسمت سریال مورد حذف قرار گرفت. بنابراین تصمیم گرفته شد قسمت هفتم قبله عالم، قسمت پایانی آن باشد و پخش آن به طور کامل متوقف شود. لازم است تأکید کنیم هیچ سازمان، نهاد قضایی یا ارگان امنیتی حکم به توقیف این سریال نداده و پلتفرم درخصوص تحلیل‌ها، تفسیرها و حاشیه‌هایی که پیرامون کیفیت و یا محتوای این سریال در فضاهای مختلف –به درست یا غلط– ایجاد شده قضاوتی ندارد.»

به واقع اما باز هم مخاطبان نمایش خانگی با سریالی روبه‌رو شدند که علی‌رغم توضیح پلتفرم سازنده‌اش، نصفه و نیمه ماند و بار دیگر آنها را سرخورده و از دنبال کردن مجموعه‌ای که برایش وقت گذاشته بودند و برای خرید اشتراک تماشایش پول داده بودند، ناامید کرد.

سریالی که با نریشن تمامش کردند!

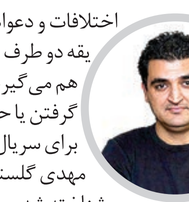
مهدی گلستانه

اختلافات و دعواهای مالکیتی و حقوقی یا حتی مالی، وقتی بالا می‌گیرند نه‌تنها یقه دو طرف ماجرا بلکه گریبان مخاطب که از طرفین اصلی قضیه هست را هم می‌گیرد و درنهایت هم نتیجه‌اش جز ضرر برای مخاطب نیست. نادیده گرفتن یا حتی توهین به مخاطب تنها روایتی است که می‌توان از اتفاقی که برای سریال‌های نیمه‌رها شده داشت. «رقص روی شیشه» به کارگردانی مهدی گلستانه هم از آن دست سریال‌هایی بود که علی‌رغم حضور بازیگران شناخته شده و مطرح مثل بهرام رادان و مهتاب کرامتی، اهمیتی به مخاطبش نداد و به دلیل اختلافاتی که ظاهرا بین بازیگران و تهیه‌کننده به وجود آمده بود، با یک پایان‌بندی عجیب به پایان رسید. تنها بعد از پخش چند قسمت از این سریال صدای مخاطبان از افت کیفی آن درآمد و کمی بعدتر هم حاشیه‌هایش با انتشار خبر شکایت بازیگران از کارگردان و تهیه‌کننده آن بالا گرفت. عجیب‌ترین اتفاق درباره این سریال که هنوز بعد از سال‌ها خیلی به خاطر دارند، قسمت پایانی آن بود که به بدترین شکل ممکن با خواندن نریشن به پایان رسید یا بهتر است بگوییم به پایان رساندند!

عشق تعطیل نیستی که خودش تعطیل شد!

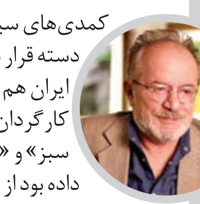
بیژن بیرنگ

کمدی‌های سیتکام که سریال پرطرفدار «فرندز» را هم می‌توان در همان دسته قرار داد، در آن سوی مرزها طرفداران زیادی دارد. این سریال در ایران هم طرفداران زیادی برای خودش دست و پا کرد. بیژن بیرنگ کارگردان شناخته شده تلویزیون که سریال‌های موفقی مثل «خانه سبز» و «همسران» را در کارنامه حرفه‌اش دارد و تجربه‌هایش نشان داده بود از سبک‌های جدید و نوآورانه استقبال می‌کند، با «عشق تعطیل نیست» سراغ ساخت مجموعه‌ای با بازیگران چهره رفت. این سریال برخلاف نمونه‌های خارجی‌اش درنیامد، اصلا درنیامد و مخاطبان اقبالی به آن نشان ندادند. نکته جالب اینکه در همان بحبوحه انتشار خبر متوقف شدن پخش این سریال، بیرنگ اعلام کرد مشغله بازیگران، او را از ساخت ادامه سریالش منصرف کرده است. مهناز افشار یکی از بازیگران «عشق تعطیل نیست» اما در یک پست اینستاگرامی علت ساخته نشدن سریال را آماده نبودن متن و رضایت نداشتن بازیگران از کیفیت کار بیان کرد. «عشق تعطیل نیست» دکور سنگینی داشت و طبیعتا هزینه زیادی هم برای ساخت آن صرف شده بود، سریال تا ۵ قسمت هم ساخته شده و هزینه‌های دیگری هم برای به ثمر رسیدن همان ۵ قسمت شده بود اما درنهایت بعد از پخش همان ۵ قسمت پرونده این سریال هم بسته شد تا نامش در لیست مجموعه‌هایی که در ساخت نیمه‌کاره ماندند، قرار بگیرد.

قدردان مخاطب‌تان باشید

کم نیستند سریال‌هایی که سرنوشت‌شان به مجموعه‌هایی که در این گزارش اشاره شده، دچار شده‌اند و درنهایت با یک اطلاعیه و بیانیه به مخاطبانی که هفته‌ها و ماه‌ها پای تماشای داستان سریال نشسته بودند، اعلام شده به دلایلی نمی‌توانند به ساخت سریال ادامه دهند. مخاطبی که علاوه بر هزینه، وقتش را برای تماشای داستانی که دوست دارد به درستی به سرانجام برسد گذاشته، قطعا سزاوار چنین برخوردی نیست. اخلاق و منش حرفه‌ای حکم می‌کند دعواها و اختلافاتی که به هر دلیل ممکن است پیش بیاید به نحوی حل شوند و نتیجه‌اش بی‌نتیجه ماندن یک سریال که هزینه‌های بسیاری صرف بودجه‌اش شده، نشود. مخاطب را بی‌اعتماد نکنیم.

نگاهی به اپرا در ایران؛ پیش از دهه پنجاه تاکنون

رویایی دور یا واقعیتی نزدیک؟

به بهانه حضور «دلنیا آرام» در کنسرت-نمایش «سی صد»

سما بابایی
هفت صبح

از آن زمان که کنسرت-نمایش «سی» برای نخستین‌بار با انبوه ستارگان و صدای ناب «همایون شجریان» روی صحنه رفت (تابستان ۱۳۹۶)، توجه‌ها به خواننده جوان و خوش‌صدایی جلب شد که حضوری بسیار تاثیرگذار داشت. صدای سوپرانو و بیان موسیقایی خاصش، میان صداهای پرقدرتِ آن اجرا، به سرعت شنیده شد و او را یک‌شبه ستاره کرد. این نخستین حضور «دلنیا آرام» روی صحنه کنسرت در ایران بود. خواننده‌ای تحصیل کرده، با تجربه آواز در خارج از کشور؛ اما نا آشنا با فضای رسمی اجرای موسیقی در ایران. سهراب پورناظری که به دنبال صدایی متفاوت برای روایت زنانه یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های اسطوره‌ای شاهنامه بود، دلنیا را به صحنه آورد و در واقع او را به مخاطب ایرانی معرفی کرد. تلفیق قدرت اجرایی و لطافت در صدای دلنیا، او را به انتخابی ایده‌آل برای این نقش بدل کرد. موفقیت او در «سی» موجب شد تا همایون شجریان نیز نسبت به این صدا واکنش مثبتی نشان دهد. دلنیا آرام در ادامه در چند قطعه از آلبوم پرفروش و تحسین شده «ایران من» حضور یافت و بار دیگر نشان داد که تنها صدایی موقت یا اتفاقی نیست، بلکه توانایی‌های تکنیکی و اجرایی‌اش می‌تواند در کنار بزرگان آواز معاصر ایران بدرخشد.

نقشی دشوار و مقتدرانه، آغاز دلنیا در ایران

این مسیر در سال‌های بعد با حضور دوباره او در پروژه عظیم «سی‌صد» ادامه پیدا کرد. دو کنسرت-نمایش که با مضامین تاریخی و ملی روی صحنه رفت و دلنیا این‌بار در نقش دختر چنگیزخان ظاهر شد. نقشی دشوار، با لحنی خاص، زبانی متفاوت و فضایی سرد و مقتدرانه که با صدایی لطیف و شرقی اجرا شده بود. او در این پروژه‌ها نه فقط خواند، بلکه به نوعی نقش‌آفرینی نیز کرد. ترکیب آواز و بازی، توانایی‌هایی فراتر از خوانندگی صرف می‌خواهد و دلنیا به خوبی از پسِ آن برآمد. دلنیا آرام اکنون در میان معدود خوانندگان زن ایران فعالیت می‌کند. آن‌چه صدای او را متمایز می‌کند، تلفیق آکادمیک بودن، رنگ شرقی و شجاعت در ایفای نقش‌هایی است که بیشتر از یک «خواندن» ساده‌اند. او نماینده پرشوری از هنری است که سال‌هاست در ایران به فراموشی سپرده شده است، هنری که روزگاری، چهره‌های شناخته شده‌ای در آن فعالیت می‌کردند. به همین حضور او در کنسرت-نمایش «سی‌صد» که هم‌اکنون در ایالات متحده آمریکا روی صحنه است، نگاهی به تاریخچه اپرا در ایران انداخته‌ایم.

روزگارِ اوج اپرا

اپرا پیشینه‌ای طولانی در ایران ندارد. نخستین جرقه‌های آن با اجرای آوازهای کلیسایی توسط ارمنیان مسیحی در ایران زده شد. پس از آن، با تاسیس هنرستان موسیقی توسط کلنل علینقی وزیری، آموزش آکادمیک موسیقی آغاز شد و توجه به فرم‌های علمی موسیقی، از جمله اپرا، افزایش یافت. پس از آن بود که بسیاری از هنرمندان ایرانی برای تحصیل در رشته آواز به اروپا سفر کردند و پس از بازگشت، هسته‌های اولیه اپرا را در ایران شکل دادند. از جمله نخستین خوانندگان اپرای ایران می‌توان به فاخره صبا، اِولین باغچه‌بان، منیر وکیلی، سودابه تاجبخش، حسین سرشار و احمد پارسی اشاره کرد که برخی از آنها در ایتالیا تحصیل کرده بودند. در این میان تعدادی از خوانندگان خارجی نیز در برخی تولیداتِ اپرایی مشارکت داشتند.

پیش از ساخت تالار رودکی (تالار وحدت کنونی)، اجراهای اپرا در سالن‌های دیگری مانند سالن فارابی در وزارت فرهنگ و هنر (واقع در خیابان بهارستان) و سالن فرهنگ (پشت تالار وحدت) برگزار می‌شد؛ اما با گسترش فعالیت‌های اپرایی، نیاز به یک سالن تخصصی احساس شد و نتیجه آن، تاسیس تالار رودکی در سال ۱۳۴۶ بود. اولین اپرایی که در این تالار به روی صحنه رفت، جشن دهقان با آهنگسازی احمد پژمان بود.

از اُپرا تا کُر

از جمله رهبران مطرح ارکستر اپرا می‌توان به حشمت سنجری و فرشاد سنجری اشاره کرد. همچنین جانینی، سوسنیتزا و آکرمن از رهبران گروه کر بودند. بعدها گرگن موسسیان به عنوان دستیار جانینی، رهبری کر دفتر موسیقی را برعهده گرفت. در واقع در آن زمان در کنار اپرا، گروه‌های کر متعددی فعالیت می‌کردند که از جمله آن می‌توان به سازمان کر ملی برای اجرای آثار فولکلوریک ایران و جهان، کر ارکستر سمفونیک تهران به رهبری فرهاد مشکات و کر رادیو و تلویزیون ملی ایران به سرپرستی گلنوش خالقی اشاره کرد. در همان سال‌ها، هنرستان آکادمی آواز به کوشش امیراشرف آریانپور و پری ثمر تاسیس، اما پس از انقلاب تعطیل شد. همچنین، خوانندگان اپرا ملزم به یادگیری زبان‌های اروپایی (مانند ایتالیایی و آلمانی) و تسلط بر ادبیات فارسی بودند.

اپرا، هنر مغفولِ پس از انقلاب

با تغییر رویکرد فرهنگی، بسیاری از اعضای گروه‌های کر یا به تدریس موسیقی روی آوردند یا از ایران مهاجرت کردند. برخی از اعضا در قالب گروه‌های کوچک‌تر به فعالیت‌های پراکنده پرداختند، اما ساختار رسمی و حمایت دولتی که پیش از انقلاب برای این هنرها وجود داشت، به کلی از میان رفت. با این حال، تلاش‌های فردی برخی از هنرمندان برای حفظ کیفیت هنری ادامه یافت. از جمله علل افول اپرا در ایران را می‌توان کمبود حمایت دولتی، عدم درک ضرورت هنرهای کلاسیک، پراکندگی هنرمندان و نبود نهادهای آموزشی پایدار و تبدیل گروه‌های کر به پروژه‌های موقت مربوط دانست، به طوری که امروزه فقدان یک کر ملی منسجم و سالن‌های تخصصی برای اجرای اپرا، خلأ بزرگی در عرصه موسیقی کلاسیک ایران ایجاد کرده است. احیای این هنر نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت، آموزش نسل جدید و حمایت نهادهای فرهنگی است. در دهه‌های بعد، برخی گروه‌های موسیقی کلاسیک و کر به صورت خصوصی یا زیر نظر نهادهای فرهنگی محدود دوباره شکل گرفتند، اما هیچ‌گاه نتوانستند جایگاه و ساختار منظمی مشابه دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی پیدا کنند.

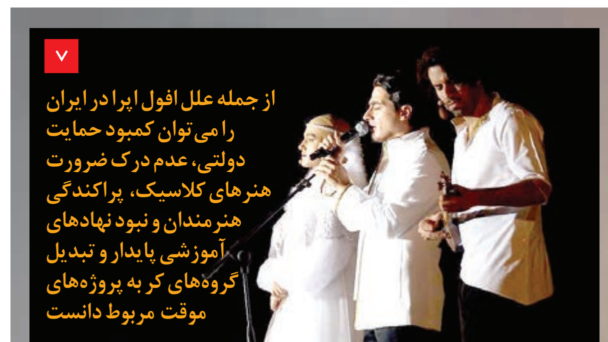

جان تازه در روح اپرا دمیده شد

لوریس چکناواریان، از چهره‌های باسابقه و تاثیرگذار موسیقی ایران در زمینه اپرا، در سال‌های پایانی دهه هفتاد، با اجرای بخش‌هایی از اپرای رستم و سهراب در تالار وحدت، جان تازه‌ای به این هنر در ایران بخشید؛ او معتقد است که در اپرا، زبان نقش تعیین‌کننده ندارد. مهم بیان موسیقایی است. ممکن است اتللو به انگلیسی صحبت کند، دزدمونا به ایتالیایی و دیاگو به فرانسوی. مهم درک کلی فضا و مفهوم است، نه فهم تک‌تک واژه‌ها؛ چون مخاطب می‌تواند داستان را از کتاب بخواند. وظیفه اپرا ایجاد تاثیر است، نه انتقال واژه به واژه محتوا.

چکناواریان که در سال‌های اخیر کمتر در ایران حضور دارد، همواره از نبودِ این هنر در ایران گله داشته و در اظهارنظری بیان کرده است: «ما خواننده خوب نداریم، بودجه نداریم و مهم‌تر از همه، هنرستان‌هایی برای آموزش خوانندگی اپرا وجود ندارد. یادگیری خوانندگی اپرا مثل برخی رشته‌های دیگر نیست که در چند سال به دست آید. این هنر به حداقل ده سال تمرین حرفه‌ای نیاز دارد. سالن خوبی مانند تالار وحدت را در اختیار داریم، اما ارکستر ویژه اپرا، گروه کُر تخصصی و ساختار اجرایی لازم برای اجرای یک اپرای کامل را نداریم.»

هنر گران، ضرورتی انکارناپذیر

او تاکید می‌کند که اپرا در سطح جهان یکی از جامع‌ترین و دشوارترین شاخه‌های هنری به‌شمار می‌آید: «اپرا ترکیبی از تمام هنرهاست. برخلاف سینما که می‌توان آن را ضبط و بازپخش کرد، اپرا هنری زنده است. اجرای آن به هنرمندان بسیار حرفه‌ای نیاز دارد و نمی‌توان از افراد آماتور بهره برد. یک خواننده حرفه‌ای اپرا باید از هفت‌سالگی آموزش ببیند تا در بیست‌سالگی بتواند بخواند و در سی‌سالگی شایستگی حضور روی صحنه را پیدا کند.»

چکناواریان که چندین اپرا نوشته، درباره آهنگسازان ایرانی فعال در این حوزه می‌گوید: «درست است که اپرا هنری گران است، اما برای فرهنگ و تمدن ما ضرورتی انکارناپذیر دارد. چینی‌ها از روسیه و ژاپنی‌ها از اروپا و آمریکا معلم آوردند تا ارکستر تشکیل دهند و حالا بعد از چهل سال، صاحب ارکسترهای قدرتمند هستند. موسیقی، دانشی است بی‌پایان، نه آغاز دارد و نه پایان؛ برای همین است که آن را زبان خداوند می‌نامند.»

هنری نیازمند توجهِ دولت‌ها

در سال‌های اخیر، به لطف افزایش علاقه نسل جوان به موسیقی کلاسیک و آواز آکادمیک، دوباره تلاش‌هایی برای احیای گروه‌های کر و اجرای اپرا صورت گرفته است. همچنین هنرمندانی همچون علی رهبری، نادر مشایخی و نصیر حیدریان نیز تلاش کردند تا در قالب اجراهای سمفونیک و پروژه‌های بزرگ، فضایی برای حضور آواز کلاسیک و کر حرفه‌ای فراهم کنند.

«نادر مشایخی»، آهنگساز و رهبر ارکستر سمفونیک تهران، درباره علت به فراموشی سپرده شدنِ این هنر در ایران می‌گوید: «اِپرا هنری پرهزینه است و برای دولت صرفه اقتصادی ندارد. هر نهادی، چه دولتی و چه خصوصی، برای اجرای اپرا باید به فکر تامین هزینه‌های آن از منابع دیگر باشد، برای مثال دولت اتریش برای تامین هزینه‌های این هنر که معمولا سودِ مالی زیادی ندارد، از درآمدهای صنعتِ گردشگری خود استفاده می‌کند.»

او به اپرای وین اشاره می‌کند که در طول سال با وجود برنامه‌های متعدد، نه تنها سود اقتصادی ندارد که ضرر ده هم هست، اما به دلیل حمایت‌های دولتی، نه تنها سرپا مانده است که سالن‌هایش همواره سرشار از تماشاگر است.

این آهنگساز و رهبر ارکستر می‌گوید: «ایران به اندازه‌ای کشور ثروتمندی هست که اگر اراده‌ای وجود داشته باشد، به راحتی می‌توان اپرا را در آن احیا کرد.»

صحنه

نگاهی به نمایش «منگی» به نویسندگی و کارگردانی محمدامین سعدی

پوست‌اندازی از نوع سوم

کیارش وفائی
هفت صبح

مفهوم انسان جزو کاربردی‌ترین عناصری است که در ادبیات از گذشته تا اکنون طرفداران زیادی را به خود اختصاص داده. انسان به دلیل آن که نقشی دراماتیک در پیش آوردن دارد همیشه توانسته ثمرات متفاوتی را برای خود و سایرین رقم بزند. این اهمیت از زاویه دید نویسندگان ادبیات هیچگاه دور نمانده و بالعکس نقطه عطفی است تا هر آنچه آنها می‌خواهند از جهان درون و بیرون شخصیت‌هایشان به خوانندگان خود منعکس کنند. حضوری که هم اوج شکوه را نشان می‌دهد و هم ورطه هبوط را به تصویر می‌کشد.

نمایش «منگی» جهانی دارد که در آن همه‌چیز دچار یک روتین حیات است و شخصیت اصلی با روزمرگی‌های مختلف خود بیشتر از هر وقت دیگری با آن روبه‌رو می‌شود. از این رو تاکید نویسنده و کارگردان بر این است که با اقتباسی مشخص با اثری از «ژوئل اِگلوف» به نام «منگی» جهان اثرش را از زاویه دیدی متفاوت با نگاه نویسنده اصلی پیش روی مخاطب به تصویر بکشد. لذا از این جهت جهان نمایش خط روایت خود را با شیوه مونولوگ نظم بخشیده تا بتواند برون‌ریزی شخصیت اصلی را به اوج رسانده و ارتباطش با مخاطب را کم کند تا در محدوده‌ای مشخص به شرح ماجرا بپردازد. البته اهمیت این اتفاق و تصمیم در ساختار کلی نیز اعم از طراحی صحنه، نور، گریم و لباس با چنین فاصله‌ای رعایت شده است.

در واقع جهان اثر در چمدانی بزرگ روایت می‌شود که هویت شخصیت اصلی و نیز بازتاب‌های فکری و رفتاری‌اش تحلیلی واضح را برای مخاطب که در مقام شاهد قرار گرفته تا ثبت وقایعی که همچون تکه‌های پازل کنار هم قرار می‌گیرند را با جریان روایت به یکدیگر متصل کند. شخصیت اصلی در این اثر به‌عنوان راوی نیز نقش‌آفرینی می‌کند، به طوری که همه‌چیز تنها از زاویه دید او بازگو می‌شود. شاید اهمیت این ترفند و طراحی آن باشد که روایت کنش‌مندی رخ بدهد تا مخاطب از همان ابتدا ترغیب به کشف شود. شخصیت اصلی با درامی درهم تنیده سعی دارد تا اوقاتی که بر او گذشته را با مرورشان از تن خود جدا کرده و به نقطه رهایی برسد. لذا استفاده از واکنش‌های جسمی این شخصیت به حتم تحت‌تاثیر گفته‌های اوست و از جایی که این اثر، نویسنده و کارگردانی واحد دارد میزانسن‌های طراحی شده شخصیت اصلی و خصوصیات او را بیشتر بیرونی جلوه می‌دهد.

از نگاه دیگر شخصیت اصلی نمایش «منگی» نماد آدم‌های آسیب‌دیده است که همواره تلاش می‌کنند با زنده ماندن، عنصر امید به زندگی را در خود بیدار نگاه دارند. البته این کنش تا اندازه‌ای با دیگر بازیگر اثر به عنوان راوی دوم، تصویرسازی‌ها، موسیقی، صدای محیط و محدود بودن موقعیت مکانی این اثر نیز ارتباطی نزدیک دارد. همچنین جهان متن نیز به نوعی گویای ناتورالیسم ذهن نیمه‌بیدار شخصیت اصلی است که تاثیراتی از محیط پیرامونش را همچون آهن‌ربا به خود جذب کرده است که ضرورت اغراق را برای استفاده از میزانسن‌های سیال براساس خاستگاه متن پدید آورد. درواقع شخصیت اصلی این اثر کسی است که هم قصد رفتن دارد و هم میل به ماندن دارد که این دوگانگی نقطه عطف هویت اوست.

حال از زاویه دیگر این اثر موقعیت‌محور به دلیل چنین خاصیتی مسیر معکوس شخصیت‌های خود را به دلیل میل به زندگی کردن از انتها به ابتدا طی می‌کند تا پوست‌اندازی شخصیت اصلی برای رسیدن به غایت خواسته‌هایش یعنی رهایی و پایان‌بندی قابل دفاع معنا بگیرد.

بنابراین باید گفت نمایش «منگی» با داشتن پیوستگی‌های عمدی در ساختار طراحی صحنه، متن، میزانسن‌ها، نور و بروز بازی‌های قابل درک بازیگران خود سعی بر آن داشته است جهانی متفاوت از هویت انسان را با فراز و فرودهایش در این جهان بیکران به تصویر درآورد و دیگر هیچ.

عکس: میلاد میرزاعلی

ایران در محاصره ۳۰۴ میلیون هکتار کانون گرد و غبار داخلی و خارجی

جنگ با غبار

- براساس آمار بیشتر حجم گرد و غبار واردشده به کشور از کانون‌های خارجی تامین می‌شود
- ایران تنها با همکاری منطقه‌ای و فشار بین‌المللی می‌تواند این بحران را کنترل کند

برآوردها نشان می‌دهد حدود ۲۷۰ میلیون هکتار کانون گرد و غبار خارجی و ۳۴ میلیون هکتار داخلی کشـــور را در بر گرفته و هر ســـال با کاهش بارندگی و شدت خشکسالی توفان‌های ریزگردی نقاط مختلف به‌ویژه غرب و جنوب غرب را درگیر می‌کند، حال سوال این است که کشور از کانون داخلی آسیب بیشتری می‌بیند یا خارجی، اما در هر صورت قطعا مقابله با این معضل نیازمند عزم منطقه‌ای و جهانی است.

گرد و غبار به عنـــوان پدیده‌ای نوظهور چند سالی است که کشور را درگیر کرده است، از طرفی ایران به عنوان کشوری خشک و نیمه خشک مستعد بروز چنین پدیده‌ای است.

حال که در ســـال‌های اخیر خشکسالی هم دامن کشور را گرفته و رها نمی‌کند، موجب تشدید این پدیده شده اســـت، در واقع گرد و غبار یکـــی از معضلات زیســـت محیطی و بهداشتی در ایران است که به ویژه در مناطق خشـــک و نیمه‌خشک کشـــور تاثیرات قابل توجهی دارد، این پدیده بـــه دلایل مختلف از جمله تغییـــرات اقلیمی، خشکســـالی، از بین رفتن پوشـــش گیاهـــی و فعالیت‌های انسانی مانند کشـــاورزی ناپایدار و ساخت و ساز بی‌رویه به وجود می‌آید.

تداوم بروز این پدیده بر بخش‌های مختلفی از جمله بهداشـــت، محیط زیست و اقتصاد کشـــور تاثیر منفی بر جای می‌گـــذارد، به عنوان مثال تنفس هوای آلوده به گرد و غبار می‌تواند باعث بروز مشکلات تنفسی، آلرژی و بیماری‌های قلبی و عروقی شود، یا اینکه گرد و غبار موجب کاهش کیفیت خاک، تخریب زیســـتگاه‌های طبیعی و ایجاد تغییرات در اکوسیستم‌های محلی شود، در بخش اقتصاد هم می‌توانـــد بر روی کشـــاورزی، صنعت و گردشگری اثر منفی بر جای بگذارد، به اعتقاد کارشناسان حل این بحران نیازمند همکاری میان دولت‌هـــا، ســـازمان‌های بین‌المللی و جوامـــع محلی بـــه منظور مدیریـــت منابع طبیعی و بهبود شرایط زیست‌محیطی است.

سهم پررنگ همسایه‌ها

از طرف دیگر کشـــورهای اطراف هم دست کمی از ایران ندارند و تمـــام آنها زمینه بروز این پدیده را حتی با شدت بیشتری نسبت به ایران دارا هستند به طوری که در کشورهای همســـایه ۲۷۰ میلیون هکتار کانون گرد و غبار شناسایی شـــده که ۱۲۲ میلیون هکتار آن به تنهایی در ۲ کشـــور عربستان و عراق واقع شده است.

در چند سال گذشته ایران اقدامات منطقه‌ای و بین‌المللی گسترده‌ای در راستای شناسایی کانون‌های خارجی انجـــام داده که موفق به شناســـایی ۸ کانون گرد و غبار در خاورمیانه شـــد که با وزش باد، گرد و غبار ناشی از این کانون‌ها به سمت ایران گسیل می‌شود، کانون اول در عربستان، کانون دوم در امارات، کانون سوم شمال عربســـتان، کانون چهارم جنوب عراق، کانون پنجم شـــمال عـــراق، کانون ۶ ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان و کانون ۷ و ۸ افغانســـتان و پاکستان و بخشی هم در ایران است که در این میان سهم عربستان و عراق از همه بیشتر است.

کانون‌های گرد و غباری ۲۷۰ میلیون هکتاری اطراف کشور از شـــمال شرق گرفته تا شرق، جنوب و جنوب غرب، کشـــورهای حاشـــیه خلیج فارس و آسیای میانه را شامل می‌شود، علاوه بر این ۳۴میلیون هکتار هم وســـعت کانون‌های داخلی اســـت اما سوال این است که بیشترین آسیب از کدام یک از کانون‌های داخلی یا خارجی متوجه ایران می‌شود؟ البته با مرور توفان‌های گـــرد و غباری که در چند سال گذشته کشـــور ما را فرا گرفت می‌توان دریافت کـــه کانون‌های خارجی بیشـــترین تاثیر را دارند.

به عنوان مثال پدیده گرد و غباری که هفته گذشـــته اســـتان‌های غربی و جنوب غربی کشور را درگیر و حتی به تعطیلی کشاند، از کشورهای عربستان و عراق وارد ایران شده بود، شواهد نشان می‌دهد که توفان‌های گرد و غباری با منشا خارجی همواره شدت بیشتری نسبت به توفان‌های گرد و غبار با منشا داخلی دارد کـــه زحمت زیادی برای کشـــور ایجاد می‌کند بر این اساس می‌طلبد که کشورهای دارای این کانون‌ها توجه بیشـــتری به مقوله مهار آنها داشته باشند.

نکته

بودجه ۳۵۰ میلیارد تومانی

دبیر ستاد ملی سیاستگذاری و هماهنگی مدیریت مقابله با پدیده گرد و غبار با اشاره به اینکه بودجه مقابله با گرد و غبار در سال ۱۴۰۳ حدود ۳۵۰ میلیارد تومان تعیین شده بود، گفت: در داخل کشور اقدامات خوبی برای مقابله با گرد و غبار انجام شده است اما به تنهایی کافی نیست باید کشورهای اطراف هم پای کار بیایند تا توان مقابله با این پدیده بالا برود. طهماسبی درباره بروز پدیده گرد و غبار هفته گذشته در غرب و جنوب غرب کشور توضیح داد: حجم توده بسیار غلیظ بود اما عمدتا درشت دانه بودند که در این شرایط این توده‌ها سریع‌تر ترسیب (ته‌نشین) می‌شوند.

همه چیز زیر سر این دو کشور است

البته ایران در چند ســـال گذشـــته اقدامات منطقـــه‌ای و بین‌المللی زیادی در راســـتای مقابله با گرد و غبار و همکاری با کشـــورهای منطقه انجام داده اســـت که دبیر ستاد ملی سیاستگذاری و هماهنگی مدیریت مقابله با پدیده گرد و غبار دراین باره بـــه ایرنا گفت: تاکنون نشست‌ها و کنفرانس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی متعددی برگزار شد، چند قطعنامه در مجمع عمومی سازمان ملل، یک قطعنامه در مجمع محیط زیست ســـازمان ملل، یک قطعنامه هم در اســـفندماه ســـال گذشته در اجلاس مقابله با بیابان‌زایی ملل متحد داشتیم، همه این کارها انجام شـــده امـــا واقعیت این است که شـــرایط تغییرات اقلیم، کم بارشی و نامناسب بودن پوشش گیاهی در صحاری که دور تا دور کشور ما را فرا گرفته، موضوع گرد و غبار را تشدید کرده است.

علی محمد طهماســـبی بیرگانی با اشاره به اینکه منشا توفان گرد و غبار هفته گذشته که غرب کشـــور را درگیر کرده بود از کشورهای عربســـتان و عراق بود، افزود: عربســـتان ۹۰ میلیون هکتار کانون گرد و غبـــار دارد البته این وسعت جزو بیابان‌های تاریخی این کشور است و همواره در تاریخ زمین‌شناسی غبارخیز بودند البته اکنون با توجه به نقش انســـان در تخریـــب طبیعت، تغییرات اقلیمـــی و از بین رفتن پوشش گیاهی، هم شـــدت و هم تکرار وقوع توفان‌های گرد و غبار در آنها شـــدت و افزایش یافته است.

وی با تاکید بر اینکـــه در بخش اجرایی امکان دخالت ما در کشـــورهای دیگر وجود ندارد، افزود: به طور مداوم کارها را پیگیری می‌کنیم، به عنوان مثال با مســـئولان کشـــور عراق که بســـیار هم از آن متاثر هســـتیم بارها و بارها جلسه گذاشتیم و شـــدت توفان‌ها را به آنها تاکید کردیم اما اینکه خودمان به آن کشورها برویم و نسبت به اجرای کارها اقدام کنیم قطعا امکانش وجود ندارد، البته خیلی تلاش کردیم این کارها در حد پایلوت انجام شود، در بخش برون مرزی فقط می‌توانیم مسائل را پیگیری کنیم تا کشور دارای کانون گرد و غبار نسبت به مهار آن اقدام کند.

وی ادامه داد: در عراق حدود ۳۲ میلیون هکتار مناطق غبارخیز با شـــدت خیلی زیاد وجود دارد، بسیاری از استان‌های عراق از مرز اردن گرفته تا مرز سوریه، نواحی شمال و جنوبی و در مجموع تمام عراق یک منطقه غبارخیز با شدت بسیار بالا است، اقدامات ما در حد رایزنی و پیگیری است، ســـطح به حدی وسیع است که این کشـــور را هم دچار مشکل کرده است از این رو در حد پایلوت‌های کوچک کارهایی را شروع کردند اما گستردگی و شرایط طوری است که آنها هم قادر به کنترل نیستند.

طهماسبی در پاســـخ به اینکه جریانات گرد و غباری آنقدری که کشور ما را درگیر می‌کند موجب اذیت آنها هم می‌شود یا نه گفت: زمانی که در عراق توفان‌های گرد و غبار رخ می‌دهد گاهی شدت به حدی است که منجر به فاجعه می‌شود، سال گذشته توفانی در عراق رخ داد که ۳ تا ۴ نفر جانشان را از دست دادند، شاید تا پیش از این برای آنهـــا چندان مهم نبود اما بعد از آن به خودشـــان آمدند و متوجه شدند که باید کاری انجام دهند، تا پیش از آن یعنی دهه‌هـــای ۸۰ و ۹۰ که موضـــوع را پیگیری می‌کردیم برای آنها اولویت نداشت، حالا که دولتشان تا حدودی تثبیت و مستقر شده به این موضوعات می‌پردازند.

دبیر ســـتاد ملی سیاســـتگذاری و هماهنگی مدیریت مقابله با پدیده گرد و غبار تاکید کرد: در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی به طور مداوم موضوع گرد و غبار را یادآوری می‌کنیم حتی بنا به پیشنهاد ایران یک روز (۲۱ تیر) به عنوان روز جهانی گرد و غبار به تصویب سازمان ملل رسید، تمام این فعالیت‌ها برون مرزی است اما اقدام اجرایی باید توسط همان کشور صورت بگیرد.

وی ادامه داد: علاوه بـــر کانون‌های خارجی، کانون‌های داخلی هم داریم اما بیشترین آسیب را از کانون‌های خارجی می‌بینیم، در کشورهای اطراف ما از شمال شرق گرفته تا شرق، جنوب و جنوب غرب، کشورهای حاشیه خلیج فارس و آســـیای میانه تقریبـــا ۲۷۰ میلیون هکتار کانون غبارخیز وجود دارد که براساس برآورد سال ۱۳۹۸ که البته اکنون در حال بازنگری آن هستیم، از این ۲۷۰ میلیون هکتار حدود ۱۴۶ میلیون تن رســـوب تولیـــد و به اطراف گسیل می‌شـــود که بخش عمده‌ای از آن وارد کشور ما می‌شود.

وی ادامـــه داد: همچنین نزدیـــک به ۵۵۰ کیلوگرم در هکتـــار ذرات زیر ۱۰ میکرون به اطراف گسیل می‌شـــود، این در حالیست که برای کشـــور ما این عدد ۱۲۲ کیلوگرم است و وســـعت کانون‌های داخلی گرد و غبار هم ۳۴ میلیون هکتار اســـت بنابراین، این اعداد نشان می‌دهد که گستره و غلظت توده و میزان ماندگاری از کانون‌های خارجی اســـت یعنی عمده مشـــکلات ما برون مرزی است، البته گاهی هم یک جریان محلی نیز مشکل ایجاد می‌کند اما آن چیزی که فراگیر می‌شود و تمام غرب و جنوب غرب، بخشی از جنوب و مرکز را درگیر می‌کند کانون‌های برون مرزی است.

بزرگترین توده غبار خیز جهان

طهماسبی درباره علت گردوغبار هفته گذشته گفت: تمام داستان گردوغبار هفته گذشته در جنوب و غرب کشور، برون مرزی بود به همین دلیل هم گستره‌اش زیاد بود هم غلظت شدیدی داشت، معمولا توده‌های گرد و غباری از جنوب عربستان در زمستان شکل می‌گیرد که امسال اتفاق نیفتاد، در هر صورت وقتی توده‌ای از عربستان حالا چه در جنوب یا شمال این کشور وارد می‌شود، بیشتر جنوب غرب کشور ما را درگیر می‌کند و غلظت بســـیار زیادی دارد، کانون ۹۰ میلیون هکتاری گرد و غبار عربستان از شمال تا جنوب آن کشیده شده که بزرگترین توده غبار خیز جهان بعد از شمال آفریقا است.

زیست بوم

فرونشست زمین در اصفهان به مرز بحران زیست‌محیطی نزدیک شده است

زیر پای نصف‌جهان خالی می‌شود

علی بیت‌اللهی
رئیس بخش زلزله‌شناسی مرکز تحقیقات وزارت راه

بیش از ســـه و نیم میلیون نفر در اصفهان و شعاع ۱۰۰ کیلومتری آن ســـکونت دارند. این میزان تراکم جمعیت فشـــار مضاعفی بر محیط زیست و منابع طبیعی وارد کرده و یکی از عوامل اصلی بروز فرونشست و بحران کم‌آبی در ایـــن منطقه به شـــمار می‌رود.ادامه تمرکز بالای جمعیتی در اصفهان ، با وجود فرونشست زمین و کاهش منابع آبی، این منطقه را به سمت یک فاجعه زیست‌محیطی سوق خواهد داد.

اگر چاره‌اندیشی کلان و به موقع برای توزیع جمعیت در کشور صورت نگیرد، حتی با بهره‌گیری از روش‌های متنـــوع انتقال آب نیز امکان عبور از مرز بحران زیست محیطی وجود نخواهد داشت.محیط زیست اصفهان توان تحمل این حجم از بار جمعیتی همراه با نیازهای گسترده غذایی، کشـــاورزی، صنعتی و آبی را ندارد و باید برای مدیریت پایدار جمعیت و منابع، برنامه‌ریزی اصولی انجام شـــود. مهاجرت و تمرکز جمعیت به دلیل مشکلات معیشتی صورت می‌گیرد و این مسئله به اقتصاد و در نهایت به سیاست وابســـته است، در حالی که قصد داریم اصفهان را به قطب گردشـــگری تبدیل کنیم، سیاست‌های اقتصادی مانع از گسترش این ظرفیت شده‌اند.

تنها مظلومی که صدایش شنیده نمی‌شود، زمین است؛ آثار فرونشست به صورت شکاف‌ها و فیشـــرها در ســـطح زمین ظاهر می‌شود و این نشانه‌ها بیانگر هشدار جدی برای آینده محیط زیست اصفهان هستند. در بالادست سد زاینده‌رود وسعت باغات نسبت به سال ۱۳۷۰، بیش از ۷ برابر شـــده و این باغات نیاز آبی شدیدی دارند که موجب کاهش آب ورودی به پایین دست، افت شدید سطح آبخوان‌ها و خشک شدن تالاب گاوخونی شده است.

راهکار اصلی، جریان یافتن حداقلی آب در زاینده‌رود و اجرای سیاست «نکشـــت» در حریم ۴۰۰ متری این رودخانه اســـت. بـــا حمایت از کشاورزان و تغییر الگوی اشتغال می‌توان امیدوار بود آبخوان اصفهان مجددا احیا شود، هرچند که تحقق آن نیازمند عزم ملی و تخصیص منابع مالی است.

بدترین اثر فرونشست، فشردگی لایه‌های بالایی بر آبخوان‌هاست که منجر به کاهش نفوذپذیری خاک و از بین رفتن قابلیت ذخیره‌سازی آب می‌شـــود، این وضعیت باعث می‌شـــود حتی در صورت افزایش بارش‌ها نیز دیگر امکان احیای این منابع وجود نداشـــته باشد.پدیده مرگ آبخوان در اصفهان در حال وقوع است و در صورت تداوم وضعیت موجود، پیش‌بینی می‌شود تا ۱۰ سال آینده منابع آب زیرزمینی این منطقه از دست برود.

نرخ فرونشست ســـالانه در اصفهان حدود ۱۵ ســـانتی‌متر است که در بازه‌ای ۲۰ ساله به ۳ متر می‌رســـد. این نشست به دلیل نامتقارن بودن، اثرات مخربی بر بناهای تاریخی می‌گذارد و در مواردی موجب شکاف در سازه‌ها می‌شـــود.در میدان نقش جهان، اختلاف نشست تنها نیم سانتی‌متری در نقاط مختلف، می‌تواند در گذر زمان به چند سانتی‌متر برسد که برای سازه‌های تاریخی فاقد اسکلت و پیوستگی بسیار خطرناک است.

ناهمگونی جنس خاک در نقاط مختلف اصفهان موجب نشست‌های غیرهمگون شـــده و به ویژه برای آثار بزرگ تاریخی می‌تواند بســـیار آسیب‌زا باشد.استان اصفهان از نظر تعداد شهرها، مساحت بافت‌های فرسوده و تمرکز جمعیت در پهنه فرونشستی در رتبه نخست کشور قرار دارد و این مسئله تهدیدی جدی برای آینده فرهنگی و تاریخی این استان به شمار می‌رود.

نوبت دوم

فراخوان (آگهی) مناقصه عمومی یک مرحله ای

نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰
نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۱/۳۱

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت و اسناد و املاک استان کرمانشاه

اداره کل ثبت اسناد املاک استان کرمانشاه (به عنوان مناقصه گزار و کارفرما)، در نظر دارد نسبت به واگذاری امور سرایداری چهارده واحد ثبتی استان کرمانشاه از مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ لغایت ۱۴۰۵/۰۱/۳۱ مطابق اسناد مناقصه (با توجه به فایل های پیوستی) به صورت حجمی از طریق درج در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به مدت دوازده ماه به شرکت های خدماتی دارای رتبه بندی و مورد تایید وزارت تعاون ،کار و رفاه اجتماعی با توجه به اسناد و پیوست های درج شده در سامانه ستاد به شماره مناقصه ۱۱۳/۱۰۵۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۷ را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای به شرکت های واجد شرایط (دارای گواهینامه صلاحیت و ظرفیت کاری مجاز آزاد) به شرح زیر واگذار نماید. علاقمندان می توانند از تاریخ درج آگهی نوبت اول تا ساعت ۱۹/۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۶ اسناد مناقصه را دریافت نمایند. تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (شرکت در مناقصه) به مبلغ ۳/۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سه میلیارد و یکصد و پنجاه میلیون ریال) با رعایت آیین نامه تضمین برای معاملات دولتی به صورت ضمانتنامه بانکی یا واریز وجه به حساب با شناسه ۹۰۸۱۰۸۵۰۰۲۰۱۹۴۰۵۶۰۱۳۲۰۷۵۹۵۳۳۹۰ و شبای IR۰۵۰۱۰۰۰۰۴۰۵۶۰۱۳۲۰۷۵۹۵۳۳۹ به نام تمرکز سپرده ثبت اسناد و املاک نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه و تسلیم گردد. آخرین مهلت تحویل پیشنهاد ها تا ساعت ۱۳/۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۶ و گشایش پیشنهادها در ساعت ۰۹/۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۱۷ می باشد . برآورد اولیه معادل ۶۲/۹۲۱/۹۶۶/۲۱۵ ریال(به حروف :شصت و دو میلیارد و نهصد و بیست و یک میلیون و نهصد و شصت و شش هزار و دویست و پانزده ریال) است .

محل دریافت اسناد مناقصه و تحویل اسناد و پیشنهادها و هرگونه اطلاع رسانی ، در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) می باشد و محل تحویل نسخه فیزیکی اصل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار و همچنین محل گشایش پیشنهادها ، اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه به نشانی : کرمانشاه – فرهنگیان فاز یک – بلوار شهید مطاعی –اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه با کد پستی ۶۷۱۴۷۱۵۷۵۳ است . بارگذاری تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار در سامانه ستاد و تحویل نسخه اصلی به صورت فیزیکی به دبیرخانه اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه الزامی است . بارگذاری هر گونه مدرک و مکاتبه توسط مناقصه گزار در سامانه ستاد به منزله اطلاع رسانی و تحویل به مناقصه گر محسوب می شود . مناقصه گر باید کلیه اسناد مناقصه (پاکت های ب و ج) را با استفاده از امضای الکترونیکی صاحبان حق امضای مجاز و مهر الکترونیکی خود ، امضا و مهر کرده و در سامانه ستاد بارگذاری نماید. پاکت های بارگذاری شده ب و ج که فاقد امضا و مهر الکترونیکی هستند پذیرفته نشده و مردود اعلام می گردند .مدت اعتبار پیشنهادها ۳ ماه ازتاریخ آخرین مهلت تحویل پیشنهادها است . آرایه تصویر تأیید به صلاحیت ایمنی از اداره کل تعاون ، کار و رفاه اجتماعی در هنگام عقد قرارداد الزامی است .

آدرس پستی : کرمانشاه – فرهنگیان فازیک – بلوار شهید مطاعی –اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه کد پستی : ۶۷۱۴۷۱۵۷۵۲
تلفن‌های تماس: ۳۸۲۲۶۵۴۴ – ۳۸۲۲۶۵۵۷ – ۳۸۲۲۶۵۵۳ – ۳۸۲۲۶۵۴۷ – ۳۸۲۲۶۵۴۶ – ۰۸۳ فاکس : ۳۸۲۲۶۵۶ – ۰۸۳
پست الکترونیکی: Kermanshah-sabt@ssaa.ir
آدرس اینترنتی اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه: http://ks.ssaa.ir

۴۷۰ / م الف

سجاد حسن پور – مدیر کل ثبت اسناد و املاک استان کرمانشاه

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره کل ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کبودرآهنگ
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۶۰۰۲۰۰۱۳۳۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کبودرآهنگ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی امیر علی مقیمی طماء فرزند اورجعلی به ش ملی ۳ صادره از کبودرآهنگ در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۱۰۰/۴۶متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۱۹۴ اصلی واقع در روستای حسن آباد خریداری از مالک رسمی اروجعلی والی اطهر و خانم قزبس محرز گردیده است لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدهی است در صورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

رئیس ثبت اسناد و املاک کبودرآهنگ – داود غفرانی دلاور

تاریخ انتشار اول ۱۴۰۴/۱/۳۱ تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۴/۲/۱۵
م الف ۱۴۰

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره کل ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کبودرآهنگ
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۰۲۰۰۰۶۶۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کبودرآهنگ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی احسان اله کرمی فرزند ذوقعلی به ش ش ۴۵۶ صادره از کبودرآهنگ در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۸۴۶۹۸/۳۴ متر مربع پلاک ۶۰۱ فرعی از ۲۴۴ اصلی واقع در روستای طاسران خریداری از مالک رسمی ذوقعلی کرمی شایگان محرز گردیده است لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدهی است در صورت انقضای مدت مذکوروعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

رئیس ثبت اسناد و املاک کبودرآهنگ – داود غفرانی دلاور

تاریخ انتشار اول ۱۴۰۴/۱/۳۱ تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۴/۲/۱۵
م الف۱۴۶

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم فاطمه مهرپور دارستانی با تسلیم تقاضا مثبوته به شماره ۱۱۱۸۱ مورخ ۱۴۰۳/۴/۱۰ منضم به دو ۲ برگ استشهادیه جهت دریافت سند مالکیت المثنی و مصدق شده طی شماره ۲۴۲۲۹۲ مورخ ۱۴۰۳/۴/۴ توسط دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۵۸۰ حوزه ثبتی تهران مدعی گردیده است
یکدانگ و نیم مشاع از ششدانگ یکدستگاه آپارتمان به پلاک ثبتی ۱۳۱۵۴ فرعی از ۶۹۷۴ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۲۲۴ فرعی از اصلی مذکور، قطعه ۴ واقع در طبقه دوم بخش دو تهران به مساحت ۷۱/۵۸ متر مربع با قدرالسهم از عرصه و سایر مشاعات ضمنا مورد ثبت حق استفاده از پارکینگ مشاعی برای پارک یکدستگاه اتومبیل سواری را دارد بنام خانم فاطمه مهرپوردارستانی در ذیل ثبت ۴۴۵۲۲۴ صفحه ۱۵۵ دفتر ۲۹۶۸ سند مالکیت بشماره چاپی ۳۱۳۴۳۸ ب ثبت صادر و تسلیم گردیده است.
که بعلت جابجایی لوازم منزل مفقود گردیده و درخواست صدور سند مالکیت المثنی پلاک موصوف را نموده است لذا مراتب در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت فقط در یک نوبت در یک روزنامه کثیرالانتشار (همین روزنامه) آگهی می شود تا چنانچه کسی ادعای انجام معامله نسبت به ملک مذکور و یا وجود اصل سند مالکیت نزد خود را داشته باشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مهلت ۱۰ روز اعتراض خود را به انضمام اصل سند مالکیت به این منطقه ارائه نماید تا مورد رسیدگی قرار گیرد بدیهی است اصل سند مالکیت پس از رویت و ملاحظه به ارائه دهنده اعاده خواهد شد لیکن به اعتراض بدون ارائه اصل سند مالکیت ترتیب اثر داده نمی شود. در صورت عدم وصول واخواهی ظرف مهلت مقرر قانونی المثنی سند مالکیت پلاک مرقوم صادر و به متقاضی تسلیم خواهد گردید.

۱۰۵۴۹ م الف — رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نارمک تهران – بهروز جشان

شناسه آگهی ۱۹۱۲۴۶۳

SMS Telegram WhatsApp
0920 200 17 07
شماره اختصاصی روزنامه هفت صبح برای دریافت پیام متنی ، تصویری و ویدئویی از طریق پیامک ، تلگرام و واتس‌اپ

خرده حادثه

بازگشت عاملان درگیری و قدرت‌نمایی خیابان بهشتی به محل شرارت

عاملان قدرت‌نمایی و نزاع در خیابان بهشتی تهران پس از شناسایی و دستگیری، روز شنبه به محل وقوع جرم خود منتقل شدند تا با بازسازی صحنه جرم در مقابل چشمان مردم، درس عبرتی برای دیگر اشرار باشند. پلیس پایتخت اعلام کرد در عملیات دستگیری این افراد چند نفر از اراذل و اوباش به‌خاطر مقاومت و درگیری با پلیس یا فرار، مورد هدف گلوله پلیس قرار گرفته و زمین‌گیر شدند.این متهمان چندی قبل اقدام به قدرت‌نمایی، نزاع، درگیری و تخریب در خیابان شهید بهشتی (عباس‌آباد) تهران کرده بودند ولی در کمترین زمان ممکن توسط ماموران پلیس اطلاعات تهران بزرگ شناسایی و دستگیر شدند. ماجرا از این قرار بود که ۲ گروه از اراذل محله نظام‌آباد چهارشنبه هفته گذشته در خیابان شهید بهشتی با هم درگیر شدند و هشت نفر با حمله به سه نفر دیگر با قمه و چاقو اقدام به زخمی کردن آنها کردند.همچنین به یک خودروی ۴۰۵ هم از سوی این هشت شرور خسارت زیادی وارد و تخریب شد.رئیس مرکز عملیات پلیس اطلاعات تهران بزرگ روز شنبه در حاشیه بازسازی صحنه جرم به خبرنگاران گفت: ساعت ۱۱ شب چهارشنبه هفته گذشته گروهی از اراذل و اوباش که سابقه‌دار بوده و مواد مصرف کرده بودند از نظام‌آباد به عباس‌آباد می‌آیند و با سه نفر درگیر می‌شوند و آنها را با قمه و چاقو زخمی می‌کنند.سرهنگ راستی افزود: این اشرار هشت نفر بودند که ۶ نفر دستگیر شدند و ۲ نفر هم متواری هستند که پلیس با جدیت در تعقیب آنها است. به گفته او، سه نفر از این اشرار به هنگام دستگیری به‌خاطر مقاومت برابر پلیس، با قانون به‌کارگیری اسلحه از سوی ماموران هدف قرار گرفته و تسلیم قانون شدند و اکنون توان ایستادن روی پای خود ندارند و با ویلچر به محل آورده شده‌اند. سرهنگ راستی ادامه داد: این ۶ نفر در ۶ عملیات همزمان شناسایی و دستگیر شدند، همگی سابقه‌دار هم هستند؛ سابقه این افراد مربوط به مواد مخدر و شرارت است. سرهنگ راستی به اراذل و اوباش تهران هشدار داد: برابر دستور فرمانده فراجا امسال سال متفاوتی برای گردنکشان و افرادی است که اقدام به شرارت می‌کنند و پلیس در برخورد با این افراد در هر کجای کشور مماشات نخواهد کرد.

دستگیری قاتل ۲۳ ساله در کوه‌چنار

فرمانده انتظامی کوه‌چنار گفت: فردی که با ضربات چاقو جوانی را به قتل رسانده بود دستگیر و روانه دادسرا شد. سرهنگ حسینعلی شیروانی بیان داشت: در شب بیست و ششم فروردین ماه سال جاری یک فقره درگیری منجر به قتل به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام و بررسی موضوع در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت. سرهنگ شیروانی افزود: ماموران انتظامی در بررسی‌های اولیه و تحقیقات تکمیلی مطلع شدند که قاتل به دلیل اختلافات قبلی و مشکلات شخصی با سلاح سرد جوانی ۲۷ ساله را به قتل رسانده و خود نیز در درگیری متقابل مجروح شده است. فرمانده انتظامی کوه‌چنار ادامه داد: ماموران پلیس تحقیقات خود را آغاز و با اقدامات فنی موفق شدند قاتل ۲۳ ساله که برای مداوا به یکی از بیمارستان‌ها مراجعه کرده بود را دستگیر کنند. سرهنگ شیروانی با اشاره به اینکه قاتل برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد، گفت: برخورد با مخلان نظم و امنیت به صورت ویژه در دستور کار این فرماندهی است.

مرد میانسال با خرید اسلحه نقشه قتل را طراحی و دامادش اجرا کرد

شلیک مرگبار داماد جوان به مزاحم مادرزن

مرد جوان با رای قضات دادگاه به قصاص محکوم شد

فاطمه شیخ‌علیزاده
دبیر سرویس حوادث

۲۴ تیر ماه سال ۱۴۰۳ مرد جوانی به پلیس شهریار مراجعه کرده و اعلام کرد که برادر ۳۰ساله‌اش به نام فرزین به طرز مرموزی ناپدید شده است. این مرد در طرح گزارش مفقودی برادرش گفت:«فرزین مغازه موبایل فروشی داشت و شب‌ها در ساعت مشخصی مغازه را می‌بست و به خانه می‌آمد. اما شب قبل بدون اطلاع قبلی و در حالی که در آخرین تماس گفت در مسیر خانه است ناگهان غیبش زد.» برادر فرزین در ادامه سرنخ مهمی به دست ماموران داد و گفت:«برادرم از مدتی قبل با زن حدودا ۴۸ ساله‌ای به نام الهه دوست شده بود.اما از مدتی قبل شوهر الهه در جریان ارتباط همسرش با فرزین قرار گرفته بود و بارها با برادرم تماس گرفته و او را تهدید کرده بود. حتی شوهر الهه یک بار با خود من هم تماس گرفت و گفت حق برادرت را کف دستش می‌گذارم.» برادر فرزین در مورد آخرین تماس خود با شوهر الهه گفت:«من بعد از اینکه با تماس‌های بی‌پاسخ با تلفن همراه برادرم مواجه شدم، به الهه زنگ زدم اما شوهرش موبایل او را پاسخ داد.وقتی در مورد برادرم از او سوال پرسیدم حرف‌های ضد و نقیضی می‌زد.گمان می‌کنم گم شدن برادرم زیر سر این خانواده است.»

دستگیری زن میانسال

با اطلاعاتی که برادر فرزین در اختیار ماموران پلیس قرار داد، الهه تحت تحقیقات قرار گرفت و در حالی که در ابتدا سعی می‌کرد از بیان حقیقت طفره برود اما بالاخره لب به اعتراف گشود و پرده از راز جنایت هولناک برداشت. او در اولین اعتراف خود گفت:«چند وقت قبل بود که برای تعمیر موبایلم به مغازه فرزین مراجعه کردم. او با اصرار شماره من را گرفت و گفت دوست دارد با من در ارتباط باشد. من هم قبول کردم و مدتی با او حرف می‌زدم اما بالاخره به او گفتم که دیگر نباید با من تماس بگیرد چون برای زندگی‌ام مشکل ایجاد می‌شود. با این حال فرزین دست بردار نبود و هر چند روز یک بار سر راه من سبز می‌شد و حتی چند بار با هم درگیر شده بودیم و من را به باد کتک گرفته بود.» الهه در ادامه گفت:«تا اینکه یک ماه قبل از حادثه دختر من ازدواج کرد و با توجه به اینکه من در درد و دل‌هایم از آزار و اذیت فرزین با او حرف زده بودم او هم موضوع را با شوهرش در میان گذاشت.یک روز دامادم به من گفت فردی را می‌شناسد که می‌تواند فرزین را از سر راهمان بردارد. دامادم قبلا به اتهام حمل و نگهداری مواد مخدر حبس کشیده بود و می‌گفت یکی از هم‌بندی‌هایش در زندان می‌تواند فرزین را گوشمالی دهد. من هم قبول کردم که با دوست دامادم قرار گذاشته و موضوع را با او در میان بگذارم. این فرد از ما خواست ۴۰۰ میلیون تومان به او پول بدهیم تا فرزین را بکشد. من اینقدر مستاصل شده بودم که قبول کردم اما گفتم نمی‌خواهم بمیرد، فقط طوری گوشمالی‌اش بده که بترسد و از این محل برود. با این حال در ادامه صحبت‌هایمان دوست دامادم از انجام کمک به ما پشیمان شد.»

خرید اسلحه

متهم ادامه داد:«هیچ راه چاره‌ای به ذهنم نمی‌رسید تا اینکه در همین میان شوهرم هم متوجه موضوع شد و خیلی خشمگین بود. او من را به یکی از استان‌های غربی برد و یک اسلحه کلت کمری خرید و به من داد. گفت همانطور که این بازی را شروع کردی خودت تمامش کن!» الهه در مورد روز حادثه گفت:«روز حادثه باز هم فرزین سر راه من سبز شد.به او گفتم دست از سرم بردارد اما گوشش بدهکار نبود.من هم با دامادم تماس گرفتم و او با ماشین به کمک من آمد. از فرزین خواست سوار شود تا با هم صحبت کنیم. دامادم به فرزین می‌گفت که شوهر الهه موضوع را فهمیده و باید دست از سر الهه برداری.اما فرزین حرف خودش را می‌زد و درگیری بین آنها بالا گرفت.همان موقع دامادم با اسلحه‌ای که از قبل تهیه کرده بودیم به سر مقتول شلیک کرد و او را از پا در آورد. بعد من و همسرم و دامادم جسد فرزین را در حاشیه شهر دفن کردیم.» با اطلاعاتی که الهه در اختیار ماموران پلیس قرار داد جسد فرزین کشف شد. دو متهم دیگر نیز دستگیر شده و به شرکت در جنایت اعتراف کردند. به این ترتیب متهمان بعد از طی روال قانونی در پرونده در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه رفتند.

در دادگاه

در ابتدای جلسه رسیدگی، پدر و مادر فرزین به عنوان اولیای دم او تقاضای قصاص را مطرح کردند.سپس داماد الهه به اتهام مباشرت در قتل عمدی و مشارکت در دفن جسد از خود دفاع کرد و گفت:«اتهامم را قبول دارم.من روز حادثه قصد کشتن متهم را نداشتم و فقط می‌خواستم او را با اسلحه‌ای که پدر و مادر همسرم تهیه کرده بودند بترسانم اما نمی‌دانم چه شد که شلیک کردم.»دو متهم دیگر نیز با تکرار اعترافات قبلی خود، اتهامشان را پذیرفته و اظهار ندامت و پشیمانی کردند. قضات دادگاه بعد از مشورت داماد الهه را به قصاص و به خاطر دفن جسد به یک سال حبس محکوم کردند. الهه به اتهام معاونت در قتل و دفن جسد به ۹ سال حبس و به اتهام خرید و حمل اسلحه به ۵ سال حبس محکوم شد. همسر الهه نیز به اتهام معاونت در قتل و دفن جسد به ۸ سال حبس و به اتهام خرید اسلحه به ۵ سال حبس محکوم شد.

مرگ ولی دم در پرونده کباب کردن جسد بعد از برادرکشی

قضات دیوانعالی کشور رای قصاص مرد برادرکش را نقض کردند

اواخر آذرماه سال ۱۴۰۱ زن جوانی به پلیس آگاهی رفت و از ناپدید شدن همسرش به نام حمید که پزشکی سرشناس بود خبر داد.با این شکایت تحقیقات پلیسی آغاز شد و ماموران به اختلاف دنباله‌دار حمید با برادرش که او نیز یک پزشک سرشناس به نام صابر است پی بردند. در تحقیقات مشخص شد صابر به تازگی ساختمان سه طبقه‌ای در خیابان فرشته را به‌عنوان مطب اجاره کرده بود اما هنوز فعالیتش را شروع نکرده است. ماموران در مسیر تحقیقات به بازجویی از منشی مطب که مرد جوانی به نام کامران بود پرداختند و او اعتراف کرد به دستور صابر و با کمک او، در جنایتی تکان دهنده حمید را کشته، جسد را تکه‌تکه و کباب کرده‌اند و به حیوانات داده‌اند.کامران ۲۵ ساله که دانشجوی یکی از رشته‌های علوم پزشکی است در تشریح ماجرا گفت: صابر می‌خواست از برادرش امضا بگیرد. برای همین ۳ روز در مطب حمید را نگه داشتیم. حدود ۱۰۰ امضا و چک و مبایعه‌نامه از او گرفت. بعد از ۳ روز گفت که دیگر باید او را به قتل برسانیم.خودش یک رگ دست برادرش را زد و من رگ دست دیگرش را زدم. وقتی مطمئن شدیم که دیگر نفس نمی‌کشد مطابق نقشه قبلی جسد را تکه‌تکه و سپس با چرخ گوشت بزرگی که در مطب بود آن را چرخ کردیم.بخش‌هایی را کباب کرده و به عنوان غذای حیوانات در سطح شهر پخش کردیم.»با اعترافات این مرد پلیس به ردیابی صابر پرداخت و او را در حالی که قصد خروج از کشور را داشت در جزیره کیش دستگیر کرد. پزشک سرشناس در اعترافاتش گفت: مدتی قبل تصمیم داشتم در انتخابات مجلس کاندیدا شوم. برادرم به‌عنوان اسپانسر مبلغی به من قرض داد اما چون ردصلاحیت شدم در بازپرداخت بدهی‌ام با برادرم اختلاف پیدا کردم برای همین او را به آن مطب کشاندم تا با هم حرف بزنیم. من به منشی نگفته بودم به برادرم آمپول بیهوشی تزریق کند. روز سوم او گفت هر دو رگ دست برادرم را قطع کرده تا از من اخاذی کند. او خودش برادرم را کشت و نقشه سر به نیست کردن جسد را کشید.» با اعترافات تکان دهنده صابر و منشی مطبش برای هر دو آنها به اتهام مشارکت در قتل، اخذ سند به اجبار، جنایت بر میت و سرقت مقرون به آزار کیفرخواست صادر و پرونده آنها به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.اما متهمان گناه را گردن یکدیگر انداختند. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده صابر را به قصاص، به خاطر آدم ربایی به ۵سال زندان، به خاطر اخذ سند به عنف به ۲سال زندان و ۷۴ضربه شلاق و به جرم جنایت بر میت به پرداخت یک دهم دیه کامل محکوم کردند. قضات دادگاه کامران را از اتهام مشارکت در جنایت تبرئه و به خاطر معاونت در قتل به ۱۵سال زندان، به خاطر آدم ربایی به ۲سال زندان، به خاطر سرقت به ۲سال زندان، به خاطر اخذ سند به عنف به ۶ماه حبس و ۳۰ ضربه شلاق محکوم کردند.او همچنین به خاطر مشارکت در جنایت بر میت نیز به پرداخت یک دهم دیه کامل محکوم شد. اما رای صادر شده در دیوانعالی کشور نقض شد و در حالی که متهمان باید بار دیگر پای میز محاکمه بروند پدر مقتول فوت کرد. به این ترتیب ورثه او اولیای دم پرونده خواهند بود.اما در این میان ادعایی عجیب مطرح شده مبنی بر اینکه مقتول فرزند واقعی خانواده فعلی‌اش نبوده و در صورت اثبات این موضوع باید پدر و مادر حقیقی او به عنوان اولیای دم پیدا شوند.

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

پاسخ‌های شماره قبل

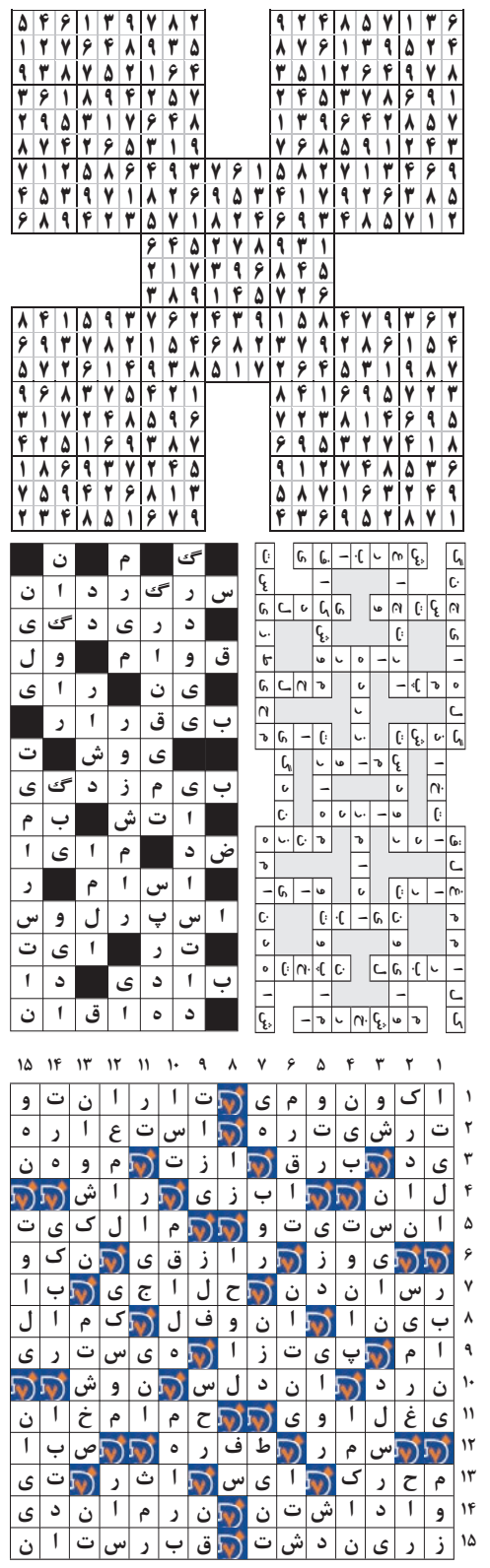

لغت‌یابی

توضیح
کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴حرفی: باره، بافق، کوفی، گروه، واله، هویج، یارد، یاسی

۵حرفی: اباشه، اواخر، برچسب، تاکسی، چاپگر، دکلمه، دورنگ، فارسی، کاربن، کنایه، محمدی، مویرگ، نرگسی، وجاهت، ابوظبی، بیگاری، دوشنبه، قندهار

۶حرفی: بداخلاق، گریت بیر، جوهر لیمو، رنگ آمیزی، غبار روبی، گل به خودی

۷حرفی: ۸حرفی:

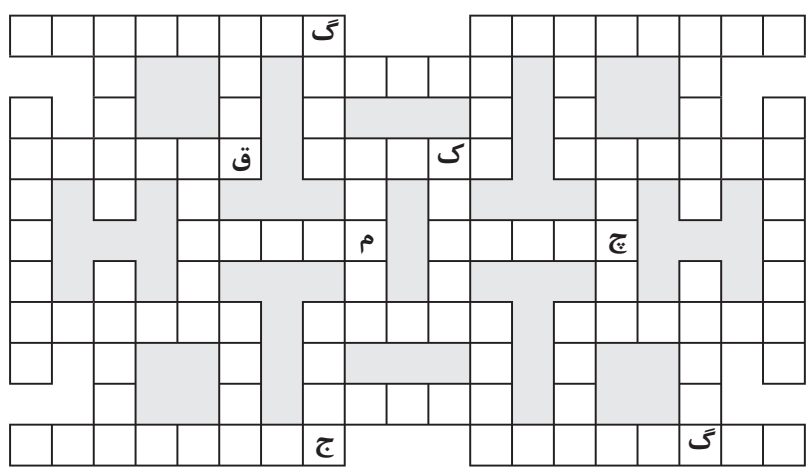

جدول شرح در متن

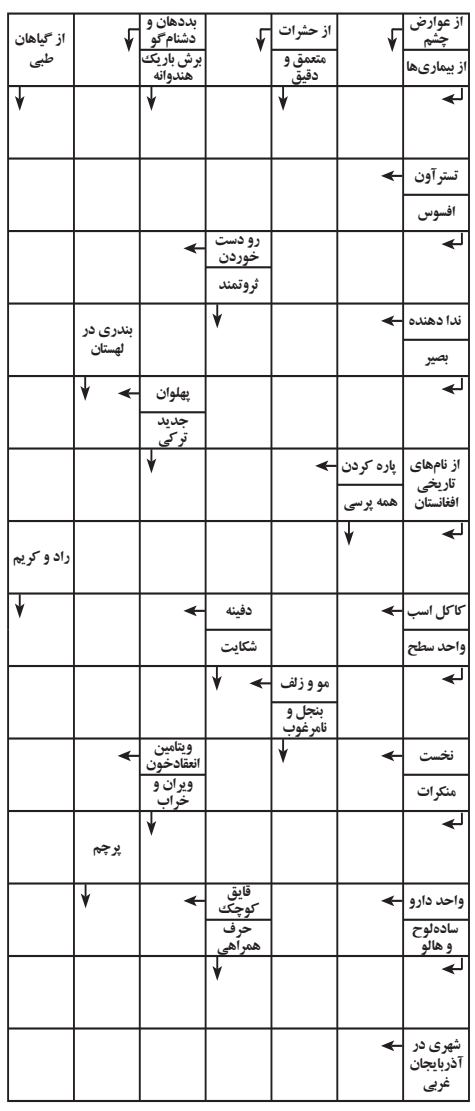

سودوکو

- سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است
- در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.
- هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.
- برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.
- قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

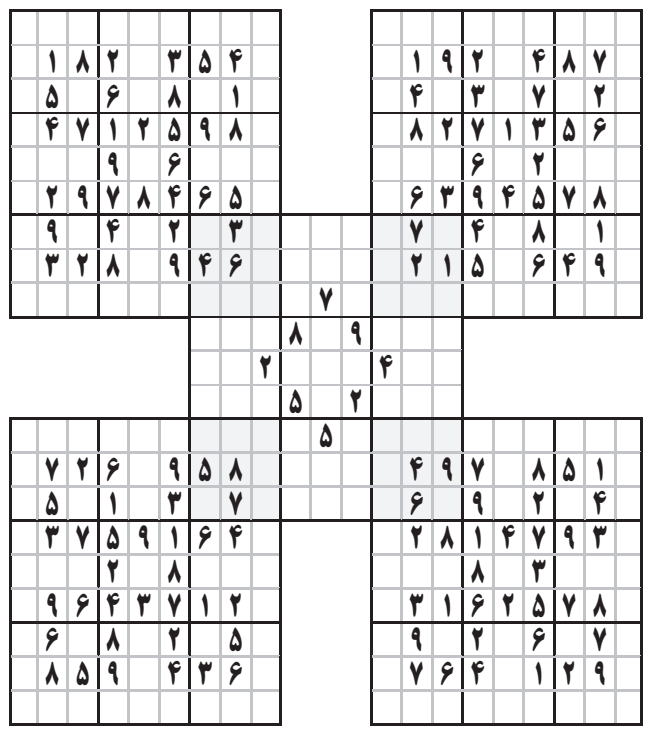

جدول کلمات متقاطع

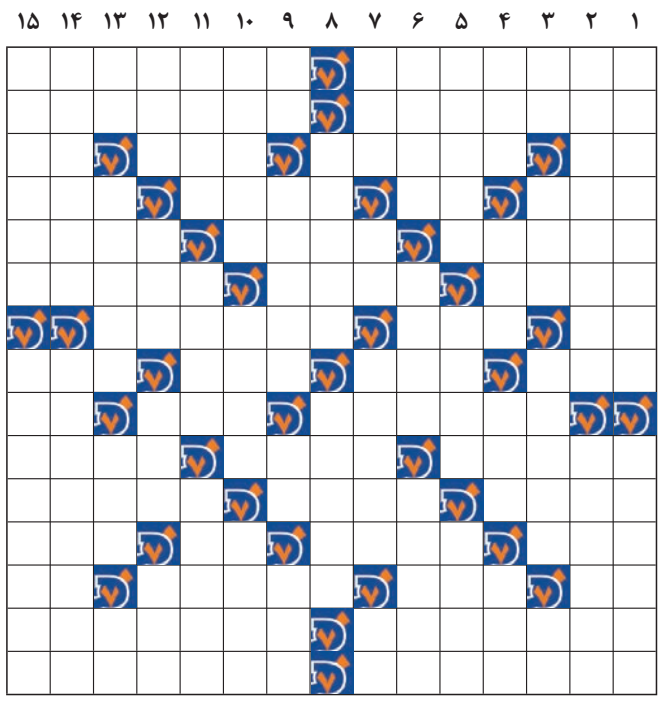

افقی
۱- روز ششم هفته- از گیاهان دارویی
۲- کشوری در اقیانوسیه- وحشت انگیز
۳- مانع آب - حد نصاب ورزشی- اندازه و پیمانه- حرف همراهی
۴- کلاه پادشاهی- اشاره به دور- پول زیرمیزی- آداب و رسوم
۵- حدس و گمان- مانع و حجاب میان دو چیز- دودل
۶- سمت چپ- نوعی اشعه- به رهن گرفته شده
۷- عریان- برس اسب- مدد رسانی
۸- از مصالح ساختمانی- جد رستم در شاهنامه- پارچه معیوب- از جنس فلز بادیه
۹- سهیم بودن- خجسته و مبارک- از مهره‌های شطرنج
۱۰- زینت دادن و آراستن- آواز دهنده- فال نیک
۱۱- مرکز استان مرکزی- سنگ زینتی- کنترل و بازدید دوباره
۱۲- وسیله احتیاطی اضافی- آتشفشانی در ایتالیا- ابرزمینی- وسیله‌ای در حمام
۱۳- گشوده- پاداش و اجرت- مانندها- مغز
۱۴- از ذرات بنیادی- تفحص و جستجو
۱۵- بعد از مرگ سهراب چه سود؟- قوی

عمودی
۱- دباغ- چین ملی
۲- نامعلوم و مجهول- از میوه‌ها
۳- موجود نامرئی- سوا- قایق مسابقه‌ای- مرتجع لاستیکی
۴- طعم نمک- رقیق تر- خوش پوش- روش و شیوه
۵- صدمه دیده- چیزی را با آب پاک ساختن- اعضای هیئت‌دولت
۶- از مصالح ساختمانی- طولانی‌ترین رود فرانسه- اجیر
۷- خورشید عالمتاب- زنده- زیبا رو- جدید و تازه
۸- طول و امتداد- نخ بافتنی
۹- میوه خوب!- شهر سعدی و حافظ- خیس- پیچ و تاب
۱۰- پهلوان قدرتمند یونان قدیم- صف و رسته- بنا شده
۱۱- بی آن فطیر است- داروی مالیدنی- پهلوان
۱۲- تبار و نژاد- مخترع تلگراف- پراکنده کردن- نسبت دو زن با یک شوهر
۱۳- قلم انگلیسی- کاپیتان و رهبر گروه- رهن- زیاد نیست
۱۴- عاقبت جوینده- آراستگی
۱۵- قطره قطره ریختن- از غذاهای شیرازی

زنگ خطر برای امنیت غذایی و صادرات غیرنفتی

پسته؛ قربانی بعدی ناترازی

بحران ناترازی برق و آب در مناطق خشک و نیمه‌خشک کشور، تولید محصول استراتژیک پسته را در آستانه فروپاشی قرار داده است

مهدی خاکی فیروز
هفت صبح

گسترش بحران انرژی در کشور، از ناترازی برق و آب تا ابهام در آینده سرمایه‌گذاری، نشان می‌دهد همچنان راهکاری برای رفع معضل فزاینده ناترازی انرژی به مرحله اجرا نرسیده است. سید مهدی طبیب‌زاده، رئیس اتاق بازرگانی کرمان، با نگاهی کارشناسانه نسبت به ابعاد این چالش هشدار می‌دهد و معتقد است فقدان راهبرد مشخص، تعهدات ناپایدار دولت در قبال بخش خصوصی و همچنین تصمیمات خلق‌الساعه، شرایطی را رقم می‌زند که اقتصاد ملی را در معرض ریسک‌های جدی قرار خواهد داد.

» جناب طبیب‌زاده، شنیده می‌شود بحران ناترازی انرژی در کشور هر روز ابعاد تازه‌تری پیدا کرده است. شما چه تحلیلی از این وضعیت دارید؟

این موضوع در سطوح مختلف دست‌اندرکاران اقتصادی دیده شده است. بحث ناترازی انرژی و به‌ویژه برق، بارها اعلام شده و هر بار مجموعه‌ای از نگرانی‌ها را به دنبال داشته است. در اظهار نظر اواخر سال گذشته وزیر نیرو، عدد ۲۵ هزار مگاوات کسری در پیک مصرف امسال اعلام شد. این میزان ناترازی اصلا محدود به یک حوزه نیست. بسیاری از فعالیت‌ها، اعم از خانگی و صنعتی، به شکلی به برق گره خورده‌اند. اگر برنامه‌ای جدی و مؤثر برای حل این ناترازی وجود نداشته باشد، خاموشی‌ها موجی از بحران اجتماعی و امنیتی به همراه خواهد داشت. در کنار آن، ناترازی آب هم واقعیتی آشکار است. در استان‌های خشک و نیمه‌خشک، آثار این کمبود به شکل مستقیم در زندگی مردم مشاهده می‌شود. در حوزه فعالیت‌های اقتصادی نیز همین فشار حس شده و بارها فعالان بخش کشاورزی، صنعتی و خدماتی نسبت به پیامدهای این وضعیت هشدار داده‌اند.

» چه عواملی در تشدید ناترازی انرژی مؤثر بوده است؟

معتقدم ریشه این معضل در خود دولت جست‌وجو می‌شود. هرچند گاهی دنبال راه‌حل بیرون از بدنه دولتی می‌گردند اما نقطه آغاز آشفتگی درون ساختارهای دولتی است. بخش خصوصی به استناد مجوزهای قانونی در تولید برق وارد میدان شد و نیروگاه‌های مدرنی با راندمان بالا ساخت. امروز هم ۶۰ درصد برق کشور در همین نیروگاه‌های خصوصی تولید می‌شود. مقایسه میان واحدهای دولتی قدیمی نظیر رامین اهواز، شهید رجایی یا طرشت با واحدهای بخش خصوصی، نشان از برتری راندمانی در بخش خصوصی دارد. این نشانه یک حرکت صحیح محسوب می‌شود، ولی همکاری در حوزه سرمایه‌گذاری مدت زیادی دوام نیاورد.

بخش خصوصی به منابع ارزی برای احداث نیروگاه دسترسی داشت. صندوق توسعه ملی هم برای این کار تسهیلاتی اعطا کرد. این وام‌ها ماهیت ارزی دارند و قرار بود تسویه آنها با ارز صورت بگیرد. برخی مجوزها صادر شد تا برق تولیدی در صورت امکان صادر شود یا بخش خصوصی به نرخ مصوب امکان خرید ارز دولتی داشته باشد اما سیاست‌های قیمت دستوری در حوزه برق همه محاسبات را برهم زد. بخش خصوصی ناچار شد برق را با نرخ پایین به دولت بفروشد، در حالی که هزینه تولید و استهلاک نیروگاه‌ها تحت تأثیر قیمت‌های جهانی قرار گرفته بود. تاخیر در پرداخت مطالبات از سوی وزارت نیرو یا شرکت‌های تابعه آن هم وضعیت سرمایه‌گذاران را وخیم‌تر کرد.

» بازنشستگی نیروگاه‌های بسیار قدیمی با راندمان پایین چطور ارزیابی می‌شود؟

برخی نیروگاه‌های دولتی از جمله رامین اهواز و شهید رجایی از نسل‌های قبلی هستند و راندمان‌شان گاهی زیر ۲۰ درصد است. در بسیاری مواقع، بخشی از این واحدها با کمبود گاز روبه‌رو هستند و سوخت مایع هم راندمان محدودی دارد. بازنشستگی این واحدها یا جایگزینی آنها با تکنولوژی جدید، ضروری به‌نظر می‌رسد. اما سؤال اساسی اینجاست: چه نهادی باید سرمایه لازم را تامین کند؟ بدنه دولتی شرایط مالی و تکنولوژیک مهیا در اختیار ندارد. شرکت‌های توانمند خارجی هم معمولا دست به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های پرریسک نمی‌زنند و انتقال فناوری هم با پیچیدگی روبه‌روست.

بخش خصوصی داخلی هم که با نیروگاه‌های موجودش دچار چالش بدهی و تامین مالی است، وارد پروژه‌های جدید نمی‌شود. انگیزه‌ای وجود ندارد، چون اگر نیروگاه تازه‌ای بسازد، همان داستان سرکوب قیمت و عدم پرداخت مطالبات تکرار خواهد شد. به این

» این تاخیر در پرداخت و تداوم سرکوب قیمت برق چه عواقبی برای نیروگاه‌های خصوصی داشته است؟

واحدهای خصوصی گرفتار بدهی‌های ارزی به صندوق توسعه ملی هستند. درآمد ریالی با قیمت دستوری هم کفاف بازپرداخت این بدهی ارزی را نمی‌دهد. طبق مصوبه سال ۹۷، قرار بود بانک مرکزی ارز با نرخ رسمی در اختیار سرمایه‌گذاران نیروگاهی قرار دهد تا اقساط را بپردازند. این مصوبه هم عملی نشد. حالا نیروگاه‌ها هم با سرکوب قیمت مواجه‌اند و هم مبالغی که از دولت طلب دارند، به‌موقع پرداخت نمی‌شود. درنتیجه، تسویه بدهی ارزی به شکل آزاد باید انجام شود و نرخ ارز نیمایی یا آزاد برای آنها سنگین است.

در چنین شرایطی بانک‌ها هم طلب خود را می‌خواهند، صندوق توسعه ملی انتظار بازگشت ارزی دارد، مالیات و بیمه هم در کار است و نیروگاهی که روزی قرار بود بخشی از نیاز کشور را رفع کند، با خطر ورشکستگی روبه‌روست. بعضی مدیران عامل دچار ممنوع‌الخروجی شدند، برخی واحدها در مرحله توقیف وثایق بانکی قرار گرفتند. اینها آثار عینی پشت کردن دولت به سرمایه‌گذاران است. بسیاری از نیروگاه‌ها برنامه توسعه داشتند اما در این وضعیت حاضر به ریسک سرمایه‌گذاری جدید نیستند.

» این روزها بحث انرژی خورشیدی داغ است. آیا با برق آفتابی می‌توان ظرف مدت کوتاهی کسری برق را تأمین کرد؟

در سطوح رسمی، طرح توسعه ۱۰ هزار مگاواتی برق خورشیدی برای آینده نزدیک مطرح شده است. با مرور ظرفیت نصب شده انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور، عددی بیش از هزار مگاوات در طول سالیان گذشته ثبت نشده است. حالا چطور قرار است در چند هفته تا تابستان، ظرفیت ده‌ها هزار مگاواتی به شبکه اضافه شود؟ این برنامه چندان واقعی به نظر نمی‌رسد. انرژی خورشیدی و دیگر تجدیدپذیرها در دنیا روند منطقی و زمانبر دارد، زیرساخت می‌خواهد و سرمایه‌گذاری مناسب می‌طلبد.

اقدامات شتابزده منجر به هدررفت منابع ارزی و ریالی خواهد شد. از طرفی، مشکل اصلی ما در تابستان حفظ ظرفیت موجود است، چراکه اورهال و نگهداری نیروگاه‌ها به‌موقع انجام نشده است. تکیه بر اعداد بزرگ و غیردقیق، آرامش کاذب ایجاد می‌کند و موجی از خوش‌بینی شکل می‌گیرد، در حالی که واحدهای تولید برق دست‌اندازهایی دارند.

» صنایع نیز در پی اصرار وزارت نیرو به احداث نیروگاه‌های مقیاس کوچک و CHP وارد حوزه‌ای شدند که تخصصی در آن نداشتند. آیا این رویکرد کمکی به شبکه برق کرد؟

توسعه نیروگاه‌های کوچک، گرچه در ظاهر ایده جذابی بود تا صنایع به صورت محلی برق خود را داشته باشند، اما مشکلاتی را رقم زد. هر صنعتی که در تولید کالایی تخصص دارد، الزاما در حوزه تولید انرژی موفق نخواهد بود. تأمین تجهیزات مناسب، نصب و نگهداری اصولی این واحدها و دسترسی به دانش فنی از عهده همه صنایع خارج است. از سوی دیگر، تلفات انرژی یا هزینه‌های سنگین سرمایه‌گذاری در مقیاس کوچک، مانع صرفه اقتصادی شد.

تعارض دیگر هم در زمان پیک مصرف رخ می‌دهد. از این صنایع خواسته می‌شود برق تولید شده را روانه شبکه کنند، در حالی که واحد صنعتی هم به برق برای تداوم تولید نیاز دارد. از این رو، بخشی از کارخانجات وارد مسیری شدند که تخصص و توجیه اقتصادی قطعی نداشت. این شکل از دستورات دولتی باعث پراکندگی منابع سرمایه‌ای شد، چون واحدهای قدیمی بزرگ همچنان از اورهال و سرمایه‌گذاری‌های ضروری محروم مانده‌اند.

ترتیب، بازنشسته کردن واحدهای کهنه هم روی کاغذ باقی می‌ماند.

» چالش ناترازی تنها به برق محدود نمی‌شود و ناترازی آب نیز خطرساز است. پیامد این موضوع برای بخش کشاورزی و صنایع مرتبط چیست؟

مسئله آب در استان‌های کم‌آبی مثل کرمان و یزد و خراسان جنوبی همیشه نگران‌کننده بوده است. خشکسالی‌های پیاپی، برداشت بی‌رویه از منابع زیرزمینی و عدم اجرای طرح‌های مدیریت مصرف، وضعی ایجاد کرده که بسیاری از باغداران و کشاورزان با تلخی پیامدهایش روبه‌رو شده‌اند. خاموشی‌های برنامه‌ریزی‌شده در فصل پیک مصرف برق، اثر مستقیم بر پمپاژ چاه‌های کشاورزی دارد و باعث افت تولید محصولات راهبردی می‌شود.

پسته در کرمان مثالی گویا به حساب می‌آید. سال گذشته برآورد شده ۵۰ درصد باغ‌ها با قطعی برق مواجه شدند و حدود ۲۰ درصد محصول از دست رفت. اگر فرض شود عددی نزدیک به ۵۰۰ هزار تن پسته در سطح ملی تولید می‌شد، حدود ۱۰۰ هزار تن از این مقدار به دلیل اختلال در آبیاری از دست رفت. با در نظر گرفتن ارزش صادراتی این محصول، زیانی نزدیک به چندین میلیون دلار بر اقتصاد کشور تحمیل شد. مدیران بخش کشاورزی در این استان‌ها از قبل هشدار داده بودند که خاموشی‌ها چه اثر فاجعه‌باری بر تولید دارد. اما تصمیمات بدون کار کارشناسی، بخشی از باغداران را با ناامیدی روبه‌رو کرد.

» شما در اتاق، چه پیشنهادی برای عبور از این مرحله دارید؟

اتاق بازرگانی به صورت بالقوه جایگاه گفت‌وگو دارد. تخصص‌های مختلف در این نهاد حضور دارند و فعالان اقتصادی مشکلات را از نزدیک لمس می‌کنند. بارها گفته شده نشست مشترک با وزارت نیرو یا شرکت‌های برق حرارتی، فضای همفکری را شکل می‌دهد. برنامه‌های ناهماهنگ زمانی اصلاح خواهد شد که اطلاعات کف بنگاه‌ها بررسی شود.

درحال حاضر تصمیم‌هایی از جانب مدیران دولتی اعلام می‌شود و در جلساتی پشت درهای بسته، نکات کارشناسان بخش خصوصی کمتر شنیده می‌شود. اتاق بازرگانی راهی باز می‌کند تا دو طرف، واقعیات را با شفافیت ارائه دهند. واحدهایی که ناچار به تعطیلی یا کاهش تولید هستند، گزارش‌شان را به صورت مستند اعلام کنند. نیروگاه‌هایی که نیاز به اورهال فوری دارند، فهرست تجهیزاتی که خواستار ارز و منابع ریالی است را معرفی کنند. آنچه شرایط کنونی را پیچیده‌تر کرده، خوش‌خیالی واهی در مورد برطرف شدن بحران بدون تزریق سرمایه است.

» به نظر می‌رسد اینجا موضوعی به نام راهبرد بلندمدت مطرح است، ولی عجله برای رفع بحران تابستان، اولویت بیشتری پیدا کرده است. این شرایط چگونه سامان خواهد گرفت؟

اگر راهبرد میان‌مدت و بلندمدتی طراحی نشود، بحران هرسال شکل پیچیده‌تری پیدا خواهد کرد. در کوتاه‌مدت باید تمرکز بر ایجاد اطمینان از حفظ وضع موجود باشد. برخی نیروگاه‌ها وضعیت نامناسبی دارند. اگر ارز در اختیارشان قرار نگیرد، بخشی از ظرفیت فعلی دچار افت می‌شود. تعمیرات اساسی نیازمند قطعات وارداتی و پرداخت ارزی است. بخش خصوصی در این حوزه ناتوان شده و دولت به وظایف خود عمل نکرده است.

در سطح بعدی، برنامه‌های توسعه انرژی تجدیدپذیر که در پیش اعلام می‌شود، روندی زمانبر خواهد داشت. هیچ فرمول جادویی برای نصب ده‌ها هزار مگاوات پنل خورشیدی تا چند هفته آینده وجود ندارد. دستیابی به دانش، واردکردن تجهیزات، هماهنگی با مدیریت شبکه و دریافت سرمایه‌گذاری با ثبات، لایه‌هایی دارد که در یک پروسه چندساله تحقق می‌یابد.

» آیا این مباحث در سطح عالی کشور و در حضور رئیس‌جمهور هم مطرح شده است؟

بله. در یکی از جلسات حضوری با رئیس‌جمهور و مسئولان ارشد، گفته شد اقداماتی که ساختار اداری برای رفع ناترازی توصیه می‌کند، شرایط را تغییر نخواهد داد. روی کاغذ اعداد و ارقامی اعلام می‌شود که در عمل به آن نخواهیم رسید. اگر ظرفیت واقعی نیروگاه‌های خصوصی در دسترس قرار گیرد و اگر دولت مطالبات‌شان را بپردازد، بخشی از فشار کاهشی رفع خواهد شد. اما سیاست فشار بر صنایع و کشاورزان برای احداث واحدهای تولید برق کوچک نیز نتایج مؤثری ایجاد نکرده است.

مشکل، کنار زدن تحلیل‌های کارشناسی و اتکا به آرزوهای غیرواقعی است. همه ادعا می‌کنند مدیریت مصرف و ساخت نیروگاه‌های خورشیدی، مسئله را در هفته‌های آتی حل خواهد کرد، در حالی که بخش خصوصی و کارشناسان انرژی معتقدند بدون اصلاحات مالی و فنی، میزان تولید فعلی هم به خطر می‌افتد.

نکته

مشکل، کنار زدن تحلیل‌های کارشناسی و اتکا به آرزوهای غیرواقعی است. همه ادعا می‌کنند مدیریت مصرف و ساخت نیروگاه‌های خورشیدی، مسئله را در هفته‌های آتی حل خواهد کرد، در حالی که بخش خصوصی و کارشناسان انرژی معتقدند بدون اصلاحات مالی و فنی، میزان تولید فعلی هم به خطر می‌افتد

» جمع‌بندی جنابعالی از وضعیت فعلی و مسیری که باید در پیش گرفته شود چیست؟

موضوع ناترازی انرژی و آب، خطر مشترک برای جامعه و اقتصاد به حساب می‌آید. اگر دولت سامان‌یافته‌تر عمل کند، بخشی از مشکلات همین تابستان قابل مهار است. اولویت نخست آن است که با برنامه زمان‌بندی معین، اورهال نیروگاه‌های در معرض ریسک انجام شود و مطالبات بخش خصوصی پرداخت شود تا انگیزه‌ها از میان نرود. در قدم بعدی، مدیریت هوشمند مصرف و برخورد واقع‌بینانه با مسائل کشاورزی و صنعتی اهمیت دارد. آزادسازی تدریجی قیمت و اصلاح تعرفه‌ها، هرچند ممکن است هزینه اجتماعی بالایی داشته باشد، اما سرکوب دستوری باعث هرج‌ومرجی عمیق‌تر شده است.

در سطح کلان، نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی یا ورود فناوری‌های راندمان بالا احساس می‌شود. بخش خصوصی داخلی در صورت اطمینان از بازگشت سرمایه، آماده ورود به این حوزه خواهد بود. دولت باید به‌گونه‌ای رفتار کند که فعال اقتصادی برای اقدام احساس امنیت داشته باشد. اتاق بازرگانی همچنان پیشنهاد داده نشست مشترکی میان همه ذی‌نفعان برگزار شود.

تا وقتی برنامه‌ها به شکل پراکنده تصویب و رها شوند، تابستان هر سال خبر بدتری از قطعی برق و کاهش تولید منتشر خواهد شد. وضعیت آب هم در بخش‌هایی از کشور بحرانی است و خاموشی‌ها تامین منابع آبی را دشوار می‌کند. از این رو، هدف‌گذاری شفاف، رعایت اصول کارشناسی در تصمیم‌گیری و تسهیل سرمایه‌گذاری، سه ضلع نجات‌بخش صنعت برق خواهد بود.

خبر

۱۷ میلیون ایرانی در صف حذف یارانه

طبق قانون بودجه ۱۴۰۴، ۱۷ میلیون نفر از دریافت یارانه‌ها حذف خواهند شد. این تصمیم که به‌تازگی اعلام شده، بر اساس آیین‌نامه‌ای که توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تدوین شده، اجرایی خواهد شد. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی هدف اصلی این اقدام را هدفمند کردن یارانه‌ها و توزیع عادلانه‌تر منابع دانسته است. با حذف این گروه از یارانه‌بگیران، دولت قصد دارد منابع مالی را به سمت افرادی که نیاز بیشتری به حمایت‌های دولتی دارند، هدایت کند.

این تصمیم که در چارچوب سیاست‌های اقتصادی دولت برای بهبود وضعیت معیشتی اقشار کم‌درآمد اتخاذ شده، ممکن است واکنش‌های مختلفی را در پی داشته باشد. برخی از کارشناسان معتقدند این اقدام به توزیع بهینه‌تر یارانه‌ها و کمک به اقشار نیازمند منجر می‌شود، در حالی که عده‌ای دیگر از احتمال بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی برای گروه‌هایی که از دریافت یارانه حذف می‌شوند، ابراز نگرانی کرده‌اند.

به گفته احمد میدری وزیر کار، حذف یارانه ۱۷ میلیون نفر بر اساس شفافیت و بررسی دقیق وضعیت اقتصادی افراد صورت خواهد گرفت و هیچ‌گونه شتاب‌زدگی در این فرآیند وجود نخواهد داشت. به‌علاوه، قرار است در این روند از ابزارهای مختلف از جمله پایگاه‌های داده و اطلاعات مالی استفاده شود تا اطمینان حاصل شود که فقط افراد نیازمند یارانه دریافت می‌کنند.

اجرای این تصمیم در حالی انجام می‌شود که دولت تلاش دارد تا با این سیاست، اصلاحات اقتصادی و مالی را در راستای کاهش فشارهای اقتصادی به نتیجه برساند.

بازار

از ویترین شمال تا پاساژ مرکز شهر

چرا برندها، فقرا را هم نشانه گرفته‌اند؟

حمید بهشتی
روزنامه‌نگار

برندهای لوکس که روزگاری فقط برای اشراف طراحی می‌شدند، حالا در قلب خیابان‌های متوسط و پایین شهر ریشه دوانده‌اند؛ اقتصاد آرزوها، مصرف لوکس را به سمت دست‌های خالی آورده است.

در دنیایی که شکاف طبقاتی هر روز عمیق‌تر می‌شود، شاید تصور کنیم صنعت مد همچنان در طبقه مرفه و ویترین‌های طلایی محصور مانده اما کافی‌ست نگاهی به کوچه‌ها، پاساژهای متوسط و حتی فروشگاه‌های حاشیه شهر بیندازیم؛ لوگوها، برندها و نام‌های بزرگ، در دل زندگی‌های کوچک جا خوش کرده‌اند.

برندهای لوکس امروز دیگر فقط برای اشراف‌زادگان طراحی نمی‌کنند؛ آنها رؤیای زیبایی، تعلق و اعتبار را به کوچه و بازار آورده‌اند. و این، خود داستانی دارد که با اعداد و سود و استراتژی‌های جدید اقتصادی نوشته شده است.

رؤیا به قیمت قسط

دهه‌های پیش، مد لوکس، قلمرویی محدود و حفاظت‌شده بود. جایی که تنها نام‌های بزرگ و جیب‌های سنگین اجازه ورود داشتند اما امروز، در گوشه‌ای از شهر که اجاره‌ها ماه به ماه عقب می‌افتد، می‌توان دختری را دید که با کیف برنددار ـ ولو نسخه اقتصادی یا حتی تقلبی آن ـ از کنار دیوارهای ترک‌خورده عبور می‌کند.

برندها فهمیده‌اند که اقتصاد معاصر فقط اقتصاد خرید نیست؛ اقتصاد آرزوهاست. آنها به ما رؤیا می‌فروشند و ما بی‌آنکه توانش را داشته باشیم، برای تصاحب ذره‌ای از آن، دست به جیب می‌شویم.

از فرش قرمز تا پاساژ محلی

مد سریع (Fast Fashion) معادله را به‌هم ریخته است. برندهایی که مدل‌های روز را با سرعت نور کپی می‌کنند و با قیمت‌های اندک روانه بازار می‌کنند، باعث شده‌اند لباس‌های شبیه آنچه سلبریتی‌ها بر تن دارند، در عرض چند هفته وارد کمد جوانان طبقه کارگر شود.

در ایران هم نشانه‌های این الگو به روشنی دیده می‌شود. برندهایی مانند چرم مشهد و نوین چرم ـ که از برندهای لوکس حوزه چرم محسوب می‌شوند حالا صرفا در مراکز خرید بالاشهر حضور ندارند؛ بلکه تمرکز بیشتری بر مناطق مرکزی شهر و حتی خیابان‌های رو به پایین یافته‌اند. به‌ویژه در برخی مناطق پرتردد مرکز تهران، می‌توان فروشگاه‌های رسمی این برندها را دید که در میان مغازه‌های معمولی خودنمایی می‌کنند.

همچنین، برندهای غذایی لوکس که روزگاری مختص فروشگاه‌های شمال شهر بودند، امروز در سوپرمارکت‌های بزرگ مرکز و حتی جنوب شهر حضور فعالی دارند. برندهایی که قهوه‌های گران‌قیمت، شکلات‌های دست‌ساز و مواد غذایی وارداتی می‌فروشند، امروز مخاطبان خود را در طیف وسیع‌تری از جامعه جست‌وجو می‌کنند.

این گسترش علاوه بر آنکه از منطق سود پیروی می‌کند، به دنبال تسخیر ذهن طبقات متوسط و پایین‌تر نیز هست؛ طبقاتی که شاید توان خرید مکرر این کالاها را ندارند، اما بارها وسوسه می‌شوند «برای یک بار هم که شده» تجربه‌ای از مصرف لوکس را لمس کنند.

اقتصاد ظاهر؛ فقر پنهان

در جهانی که ظاهر، بیش از هر زمان دیگری ارزش اجتماعی تولید می‌کند، مد تنها درباره لباس پوشیدن نیست؛ درباره «بودن» است. درباره نمایش تعلق به طبقه‌ای که شاید هرگز به آن تعلق نداشته باشیم.

برندها این میل برای دیده شدن را به‌دقت مطالعه کرده‌اند. فروش یک کفش یا کیف دستی، تنها فروش یک کالا نیست؛ فروش امید، هویت و شاید اندکی پذیرش اجتماعی است. و وقتی هویت فردی به لوگویی دوخته شود، دیگر قیمت چندان مهم نیست؛ حتی اگر مجبور شویم قسطی بخریم، قرض کنیم یا حقوق یک یا چند ماه را فدای یک عینک، ساعت یا کفش کنیم.

فقر لوکس؛ تناقض زمانه ما

ما در عصر «فقر لوکس» زندگی می‌کنیم؛ زمانی که حتی کسانی که زیر خط فقر قرار دارند، ترجیح می‌دهند نشانه‌هایی از مصرف لوکس را به نمایش بگذارند.

این اقتصاد بر شکاف طبقاتی مرهمی مصنوعی می‌زند و آرزوی تعلق را به ابزار سودآوری تبدیل می‌کند. اما این بازی چقدر دوام خواهد داشت؟ در دورانی که بحران‌های اقتصادی، تخریب محیط زیست و فرسایش روانی جوامع شدت می‌گیرد، اقتصاد مد نیز ناگزیر است پاسخ دهد: آیا این چرخه مصرف بی‌پایان، پایانی دارد؟ یا قرار است همچنان با دوختن رؤیا بر تن فقر، اقتصاد بحران را زیباتر جلوه دهیم؟

نگاهی به شهرهای ایران که بدون امکانات فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و فضاهای عمومی ساخته می‌شوند

به خوابگاه‌های صدهزارنفری خوش آمدید

● توسعه شهری را به ساختن چهاردیواری تقلیل دادیم در حالی که شهرسازی فقط مسئله اسکان نیست

راضیه زرگری
هفت صبح

تا سال ۱۴۰۰، تعداد شهرهای جدید در ایران به حدود ۳۰ شهر رسیده است. شهرهایی که با هدف کنترل رشد بی‌رویه کلانشهرها و تامین مسکن برای جمعیت مهاجر ایجاد شده‌اند. بر اساس آمارهای موجود، تا پایان سال ۱۳۹۹، جمعیت شهرهای جدید ایران به بیش از ۱.۱ میلیون نفر رسیده است. از میان این شهرها، هفت شهر جمعیتی بیش از ۱۰۰ هزار نفر دارند، که شامل پرند، اندیشه، صدرا، پردیس، بهارستان و چند شهر دیگر می‌شوند. شهرهای جدید ایران با چالش‌های متعددی مواجه هستند؛ از نبود هویت شهری مشخص و کمبود زیرساخت‌های خدماتی تا وابستگی به کلانشهرهای مجاور و توسعه کالبدی بدون مشارکت اجتماعی. شهرهای جدید فاقد تاریخچه، فرهنگ و ساختار اجتماعی منسجم هستند که همین باعث ایجاد احساس بی‌هویتی در میان ساکنان این شهرها شده است. ساکنان شهرهای جدید افرادی با خاستگاه‌های اجتماعی، باورها و ارزش‌های فرهنگی متفاوت هستند که هر کدام از یک جایی آمده‌اند و به دلایلی شهرهای جدید را به عنوان خانه انتخاب کردند. این گردهمایی اما به معنای شکل گیری یک اجتماع یا یک محله با هویت و اصالت نیست. آنها احساس تعلقی به جایی که در آن زندگی می‌کنند، ندارند و نمی‌توان در جایی که در آن احساس غریبگی می‌کنند، انتظار مشارکت اجتماعی از آنها داشت. نبود ساختار هویتی منسجم مهمترین چالش اجتماعی شهرهای جدید است. در کنار آن، نارسایی در ارائه خدمات عمومی مانند آموزش، بهداشت، حمل‌ونقل و امکانات فرهنگی، کیفیت زندگی در این شهرها را در سطح پایین نگه داشته به طوری که ساکنان این شهرها به شدت به خدمات شهرهای بزرگ اطراف وابسته هستند.

◄ تقلیل توسعه شهری به ساختن چهاردیواری

«مشکل شهرهای جدید مسئله راه و دسترسی است. اگر پروژه شهرهای جدید شکست خورد و موفق نشدند بحث جمعیت پذیری که برای این شهرها پیش‌بینی شده بود، محقق کنند، به نظر می‌رسد مهمترین موضوع، مسئله دسترسی است. مشکلی که الان هم وجود دارد.» حسین ایمانی جاجرمی، جامعه شناس شهری این توضیحات را به هفت صبح می‌دهد و می‌گوید: «ما مسئله توسعه شهری را به ساختن چهاردیواری تقلیل دادیم در حالی که دقت نمی‌کنیم که شهرسازی فقط مسئله اسکان نیست؛ راه، دسترسی به امکانات و زیرساخت می‌خواهد. اگر جایی شهر شده یک دوره طولانی را طی کرده است. تهران را در نظر بگیریم که ۴۵۰ سال قدمت دارد. یک زمین خالی یک شبه شهر نمی‌شود.»

این جامعه‌شناس و استاد علوم اجتماعی معتقد است بخشی از مشکل به بلندپروازی و ندیدن واقعیت و بی‌توجهی به منابع و امکانات و زیرساخت‌های مورد نیاز برمی‌گردد؛ شرکت‌های عمرانی پیمانکار شهرهای جدید به دولت گفتند ما پول نمی‌خواهیم، به ما زمین بدهید و ما ساخت شهرهای جدید را کلید می‌زنیم. دولت هم زمین‌هایی که ارزشی نداشتند به سازندگان داد. البته «صدرا» و «پردیس» استثنا هستند ولی عموما شهرهای جدید در جاهای دور از شهر و بدون امکانات مکان‌یابی شدند و با توجه به کمبود منابعی که داریم، معلوم است سال‌ها طول می‌کشد تا این شهرها بتوانند رنگ عمران و آبادی را ببینند.»

◄ توسعه شهرهای جدید پاره پاره است

ایمانی جاجرمی درباره مسئله اجتماعی این شهرها به هفت صبح می‌گوید: «اصولا درباره زیرساخت‌های اجتماعی به عنوان یک ضرورت توسعه شهری فکری نشده است؛ مثلا شهر همان طور که پیاده رو می‌خواهد، پارک، زمین بازی کودک و سرای محله هم می‌خواهد. با این حال توسعه شهرهای جدید پاره پاره است؛ هر قسمت از شهر با قسمت دیگر چند کیلومتر فاصله دارد و همین باعث ایجاد یک انزوای عجیب بین ساکنان این شهرها شده است به خصوص برای زنان و عموما در ابتدای شکل گیری این شهرها. زنان شهرهای جدید چون دسترسی به مراکز خرید و فرصت‌های اقتصادی از آنها گرفته شده بود و در همسایگی هم کسی را نمی‌شناختند، طبیعی است احساس غربت و انزوا کنند.»

◄ تله جمعیتی در شهرهای جدید

این جامعه‌شناس شهری با بیان اینکه هدف گذاری برای شهرها عموما باید به عنوان تله جمعیتی عمل می‌کرد، تاکید می‌کند: «تله جمعیتی یعنی جریان مهاجری که به سمت تهران، مشهد یا تبریز را که شهرهای جدید در اطرافشان ساخته شده، در حاشیه شهرها سکونت دهد. منتها در این مسیر دقت نکردند به اینکه اصلی‌ترین مسئله مهاجرت به شهرهای بزرگ، دسترسی به خدمات و اشتغال است. در حالی که برای شهرهای جدید زیرساختی برای اشتغال تعریف نشده بود. البته در دهه اخیر به‌واسطه مشکلات اقتصادی و گرانی مسکن، بخشی از جمعیت شهرهای بزرگ هم مجبور شدند به شهرهای جدید بروند که نوعی مهاجرت اجباری و ناگزیر تلقی می‌شود. به طور کلی باید توجه داشت که در ابتدای راه هدف گذاری بد نبود؛ پردیس قرار بود شهری دانشگاهی با کیفیت خانه‌های ویلایی برای متخصصین و دانشگاهیان باشد اما در دولت احمدی نژاد، مسکن مهر را هم به شهرهای جدید تحمیل کردند و سازندگان شهرهای جدید با فشارهای سیاسی مجبور شدند بپذیرند و بافتی شکل گرفت که پیش‌بینی نشده بود.»

به گفته این استاد علوم اجتماعی، یک بررسی نشان داد شکل گیری شهرهای جدید، باعث تشدید مهاجرت روستایی به شهری شده است. یعنی مسکنی که قرار بود در اختیار شهرنشینان که دچار معضل مسکن هستند قرار بگیرد، نصیب روستاییانی شد که دنبال مهاجرت و مسکن ارزان بودند. همین باعث شد گروه‌های اجتماعی متفاوتی در این شهرها ساکن شوند و درباره ادغام اجتماعی این‌ها فکری نشده است.

◄ خوشبختانه اینجا ایران است و تفاوت‌های فرهنگی باعث تنش‌های قومی نمی‌شود

با این حال ایمانی جاجرمی به این تنوع فرهنگی بد بین نیست: «خوشبختانه اینجا ایران است و تنش‌های قومی نداریم ولی مثلا اگر بحث شوراهای شهر مطرح باشد و یک گروه قومی شورای شهر را بگیرد، منافع را به نفع خود مصادره می‌کند و ممکن است مشکل‌ساز شود و باید برای ادغام و همبستگی اجتماعی شهرهای جدید فکری جدی شود. وی خاطرنشان می‌کند: «متاسفانه چند سالی است که در امر اجتماعی شهرهای جدید و حتی شهرهای قدیمی هم غفلت شده؛ با اینکه در شرکت عمرانی توسعه شهرهای جدید، دفتر توسعه اجتماعی تاسیس شده ولی در حال حاضر سیاستی در امر توسعه شهری دیده نمی‌شود. اقدامات بیشتر واکنشی است. اگر اعتراضی صورت بگیرد، کاری هم انجام می‌شود. اما به طور کلی برنامه مشخصی در توسعه شهری نداریم. وقتی در گفتارها آشفتگی وجود دارد یعنی سند بالادستی وجود ندارد یا اینکه خوب تدوین نشده است و به آن توجهی نمی‌شود. این مشکل نه تنها برای شهرهای جدید بلکه برای مسئله اسکان در کل پهنه کشور هم وجود دارد.» به گفته ایمانی جاجرمی، موفقیت شهرهای جدید، به اقدامات اجتماعی برای ایجاد همبستگی و اشتراکات فرهنگی نیاز دارد. همچنین فرصت‌های شغلی واقعی باید در شهرهای جدید ایجاد شود تا بتوان این شهرها را به مکان‌های زندگی پایدار نزدیک کرد.

یک فرضیه جالب

«حسین حاتمی‌نژاد» استاد گروه جغرافیای انسانی دانشگاه تهران معتقد است مکان‌یابی شهرهای جدید به صورت علمی صورت نگرفته و به علاوه نبود فرصت‌های شغلی در این شهرها، عملا شهرهای جدید را تبدیل به خوابگاه برای مردمی کرده که کارشان همچنان در کلانشهرها است. به گفته این استاد جغرافیای انسانی، مطالعات در این حوزه این نکته را یادآوری می‌کند که برای ساخت شهر جدید باید کل یک پهنه جغرافیایی را مدنظر قرار دهیم که شامل انواع آبادی‌ها، از یک دهک تا کلانشهرها و مادرشهرها است و باید دورنمایی از رشد و ارتقای کیفیت زندگی را در آنها متصور شویم و در کنارش امتیازات و جاذبه‌هایی را در این شهرهای جدید ایجاد کنیم تا موجب جذب جمعیت به سمت آن‌ها شود؛ «اگر به من گفته شود که در مکان‌های جدید شهرهای جدید بسازم، این کار را انجام نمی‌دهم، بلکه مناطقی را انتخاب می‌کنم که طی صدها و حتی شاید چند هزار سال قبل، دارای پتانسیل‌های طبیعی مناسب بوده‌اند و منبع آب کافی دارند، دارای شیب مناسب هستند و آب و هوای خوبی دارند و دور از گسل‌های زلزله قرار دارند. باید همان کاری را که اجدادمان انجام می‌دادند، انجام دهیم و با استفاده از مطالعات جامع، این مناطق را شناسایی کنیم و آبادی‌هایی با تاریخچه و ریشه در تاریخ را آباد کنیم که مقتضیات آنها نیز اجازه این کار را دهد.» با این حال ایمانی جاجرمی معتقد است این نظر واقع‌بینانه نیست: «بدون مطالعه نمی‌توان در مکان‌هایی که در دهه‌های پیش مستعد برای شهرسازی بوده، بارگذاری جمعیتی و زیرساختی انجام داد. ممکن است مناطق روستایی و شهرهای خاصی داشته باشیم که جمعیت خود را به واسطه مهاجرت از دست داده باشند ولی نمی‌توانند به عنوان شهرهای جدید دوباره آباد شوند؛ شهرهای جدید به نوعی مکمل کلانشهرها هستند، شهرهایی که نزدیک کلانشهرها ساخته می‌شوند که مسائل جمعیتی آنها را حل کنند.»

از پرندِ مهرطلب تا هشتگردِ خوش خیال

کتاب تهران و شهرهای جدیدش، یکی از سلسله خوانش‌های شهرهای جدید ایران بر اساس مطالعات جامعه‌شناسی شهری است که سال ۹۹ منتشر شده است؛ کتاب به تحلیل و واکاوی سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و پیامدهای احداث شهرهای جدید پیرامون تهران(مثل پردیس، پرند، اندیشه و هشتگرد) می‌پردازد. در این کتاب به نبود هویت شهری در این شهرها اشاره شده و توضیح داده که این شهرها فاقد گذشته و تجربه اجتماعی‌اند و هویت اجتماعی در آنها شکل نگرفته. به همین نسبت جای امکانات فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و فضاهای عمومی هم در این شهرها به شدت خالی است. گروه نویسندگان این کتاب معتقدند شهرهای جدید تهران عملا خوابگاه‌هایی برای شاغلان در تهران هستند. نمادهای جالبی برای شهرهای جدید حاشیه پایتخت انتخاب شده است که پردیس را کودک زرنگی شناخته که خود را به تهران نزدیک می‌کند. پرند، مهرطلب و وابسته به تصمیمات پایتخت است و هشتگرد را کودک خوش‌خیال منتظر توجه مادرشهر. در این میان اندیشه، کنجکاو و مقلد است که سعی می‌کند جای پای تهران بگذارد.

◄ هشدار درباره سرمایه اجتماعی محدودکننده در شهرهای جدید

کتاب در نگاه اجتماعی مبتنی بر هویت شهری شهرهای جدید، بر لزوم ایجاد و تقویت زیرساخت‌های اجتماعی مثل فضاهای عمومی، مدارس محلی، سراهای محله و شبکه‌های ارتباطی که هویت و حس تعلق را ایجاد کنند، تاکید کرده و همچنین نسبت به «سرمایه اجتماعی محدودکننده» و ضرورت پرورش حس همبستگی و مشارکت محله‌ای هشدار داده است. در توضیح ساده‌تر وقتی می‌گوییم سرمایه اجتماعی «محدودکننده»، منظور این است که آدم‌ها فقط با گروه خاص خودشان (مثلاً فقط هم‌زبان‌ها، هم‌قومی‌ها یا هم‌محله‌ای‌های خودشان) رابطه دارند و نسبت به بقیه جامعه بی‌اعتمادند یا ارتباطی با دیگر گروه‌های جامعه نمی‌گیرند. این دقیقا اتفاقی است که در شهرهای جدید افتاده است؛ مردم از جاهای مختلف برای سکونت به این شهرها آمدند و شبکه اجتماعی ثابتی ندارند و همین باعث می‌شود که حس «غریبگی» و «بی تعلقی» در آنها تقویت شود. بر همین اساس مفهوم سرمایه اجتماعی در شهرهای جدید در گروه‌های بسته و کوچک تعریف می‌شود و محدود کننده به حساب می‌آید. کتاب در نهایت به راهکارهایی هم اشاره می‌کند که تصمیم گیرندگان در حوزه توسعه شهرهای جدید باید به آن توجه کنند؛ از بازاندیشی در سیاست‌های توسعه شهری تا توجه به مشارکت مردم در توسعه طراحی شهرها نه فقط از نظر کالبدی، بلکه از نظر اجتماعی و فرهنگی.

نکته

شناسه آگهی: ۱۹۱۰۹۷۷ نوبت دوم

شرکت گاز استان گلستان (سهامی خاص)

تجدید آگهی مناقصه – یک مرحله‌ای با ارزیابی ساده

موضوع مناقصه: یک مرحله ای با ارزیابی ساده تجدید مناقصه تعمیر و پرو ۱۴۱۶۰ عدد کنتور دیافراگمی در سطح استان گلستان

۱- (شماره مناقصه – N-۰۳۱۲۱۹) کد فراخوان در پایگاه ملی مناقصات ۵۳۱۸۷۷۱۳ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

۲- **نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار :** شرکت گاز استان گلستان به آدرس : گرگان – میدان بسیج – سایت ادارات - کد پستی ۳۶۹۴۸ – ۴۹۱۸۹

۳- **زمان دریافت اسناد :** کلیه اسناد مناقصه پس از چاپ آگهی دوم و حتی الامکان در تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۳ در سامانه ستاد بارگذاری و به مدت ۶ روز تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۹ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.SetadIRAN.ir قابل دریافت (دانلود) میباشد .

۴- **نحوه دریافت اسناد مناقصه و مهلت ارائه مدارک:** پیمانکاران و داوطلبان شرکت در مناقصه و واجد شرایط (گواهی صلاحیت شرکت ملی گاز ایران ، دارای توانایی مالی ، ظرفیت آزاد کاری، تخصص و سابقه کاری مرتبط و گواهینامه صلاحیت ایمنی) میبایست ضمن ثبت نام در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.Setadiran.ir و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی (در صورت عدم عضویت قبلی) جهت شرکت در مناقصه از طریق سامانه ستاد اقدام نمایند . ضمنا لازم است مناقصه‌گران کلیه مدارک خواسته شده براساس دعوتنامه ارسالی که در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) WWW.Setadiran.ir ، پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات http://iets.mporg.ir درج گردیده پس از تهیه و تکمیل مستندات و حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ از طریق سامانه ستاد بارگذاری نمایند .

(در این مرحله مناقصه گران علاوه بر بارگذاری مستندات ارزیابی کیفی ، **همزمان با آن ملزم به ارسال نسخه کاغذی اسناد ارزیابی ساده وپاکت ضمانت نامه شرکت در فرآیند ارجاع کار** به آدرس شرکت گاز استان گلستان امور قراردادها می باشند. بدیهی است کلیه مناقصه گران در صورت بارگذاری اسناد و تکمیل مستندات در موعد تعیین شده ، قابلیت مشارکت در فرآیند مناقصه را خواهد داشت . همچنین شرکتهایی که دارای عضو هیئت مدیره مشترک میباشند مجاز به شرکت همزمان در مناقصه و ارائه پیشنهاد قیمت بصورت توامان نخواهند بود و در هر مرحله از مناقصه که این موضوع ثابت شود مناقصه گذار نسبت به حذف مناقصه گران مربوطه از روند مناقصه اقدام خواهد نمود .

۵- **نوع و میزان تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:** مطابق با بند الف ماده ۶ آئین نامه تضمین معاملات دولتی جهت مناقصه به مبلغ ۱/۷۲۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یک میلیارد و هفتصد و بیست و پنج میلیون ریال) میباشد . ضمناً مبالغ اعلامی تقریبی بوده و میزان نهایی تضامین براساس برآورد اولیه در اسناد مناقصه قید می گردد.

۶- **مبلغ برآورد اولیه : مناقصه :** ۳۴/۴۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (سی و چهار میلیاردو چهارصد و نود میلیون ریال) میباشد . ضمناً مبالغ اعلامی تقریبی بوده و برآورد اولیه دقیق در اسناد مناقصه قید می‌گردد .

۷- **کمیسیون مناقصات(بازگشایی پاکات):** روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۱

شماره مرکز تلفن : کد شهری (۰۱۷) ۵ – ۳۲۴۸۰۳۷۲ داخلی ۲۰۵۷

کارشناس مربوطه : خانم نعمتی فاکس : ۳۲۴۸۰۲۹۸ (۰۱۷)

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۱/۲۷ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۴/۰۱/۳۱

۳۷

شرکت گاز استان گلستان

شناسه آگهی : ۱۹۱۳۲۲۱

IMIDRO
IRANIAN MINES AND MINING INDUSTRIES DEVELOPMENT AND RENOVATION ORGANIZATION
سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران

آگهی فراخوان

مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه)

" انجام خدمات درمانی و اورژانس پیش بیمارستانی در طرح ایجاد مناطق ویژه استقرار صنایع انرژی بر در سواحل جنوبی کشور (پارسیان) "–نوبت دوم– شماره مناقصه در سامانه ستاد ایران : ۲۰۰۴۰۰۳۰۰۷۰۰۰۰۰۳

سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران - طرح ایجاد مناطق ویژه استقرار صنایع انرژی بر در سواحل جنوبی کشور، در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه) انجام خدمات درمانی و اورژانس پیش بیمارستانی در طرح ایجاد مناطق ویژه استقرار صنایع انرژی بر در سواحل جنوبی کشور (پارسیان) – نوبت دوم را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. لذا از واجدین شرایط دارای گواهی نامه معتبر (تأیید صلاحیت ایمنی یا مجوز موقت معتبر صادره از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مجوز فعالیت در امور پزشکی و درمانی از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا دانشگاه های علوم پزشکی) دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت اسناد به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir به شماره مناقصه ۲۰۰۴۰۰۳۰۰۷۰۰۰۰۰۳ مراجعه نمایند.

۱- کارفرما (مناقصه گزار): سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران ـ طرح ایجاد مناطق ویژه استقرار صنایع انرژی بر در سواحل جنوبی کشور (پارسیان)

آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ولیعصر، روبروی سینما استقلال، ساختمان شرکت ملی فولاد ایران، دفتر طرح ایجاد صنایع انرژی بر در سواحل جنوبی کشور، طبقه همکف، تلفن ۸۸۹۰۶۱۳۳-۰۲۱

۲- موضوع مناقصه: انجام خدمات درمانی و اورژانس پیش بیمارستانی در طرح ایجاد مناطق ویژه استقرار صنایع انرژی بر در سواحل جنوبی کشور (پارسیان)

۳- برآورد هزینه اجرای کار: ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (یک صد میلیارد) ریال

۴- نوع و مبلغ تضمین: یک فقره ضمانت نامه بانکی به مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (پنج میلیارد) ریال بصورت ضمانتنامه بانکی که توسط یکی از بانک‌های مجاز صادر و امضاء شده باشد و برای مدت سه ماه از تاریخ پایان پیشنهادات اعتبار داشته و قابل تمدید باشد. (ضمانت نامه باید دارای شماره سپام بوده و هیچگونه شرطی از سوی بانک نباید در ضمانت نامه درج گردد).

۵- محل و مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه: اسناد مناقصه از ساعت ۸ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۱ لغایت ساعت ۱۶ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۰۷ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به www.setadiran.ir در دسترس خواهد بود.

۶- محل و مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: پایان وقت اداری (ساعت ۱۶) روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۲/۲۲ از طریق بارگذاری در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستادایران) به آدرس www.setadiran.ir . پس از بارگذاری اسناد مناقصه در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت، فقط فیزیک پاکت الف به آدرس مناقصه گزار (مندرج در بند ۱) قابل تحویل است. بقیه مدارک شامل پاکت ارزیابی کیفی ب و ج نیازی به ارسال فیزیکی اسناد نداشته و فقط در سامانه مذکور بارگذاری گردد.

۷- محل و زمان بازگشایی پاکت مناقصه: روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۲/۲۳ به آدرس: مندرج در بند ۱

۸- مدت اعتبار پیشنهادها: ۶ ماه (۱۸۰ روز) از تاریخ آخرین مهلت ارائه پیشنهادها

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

لازم است متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

م الف ۱۹۱

سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران
طرح ایجاد مناطق ویژه استقرار صنایع انرژی بر در سواحل جنوبی کشور

شناسه آگهی : ۱۹۱۴۷۸۹

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمان

آگهی ابلاغ رأی هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دانشگاه علوم پزشکی کرمان

براساس قانون رسیدگی به تخلفات اداری و آئین نامه های مربوطه به آن و در اجرای ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی، نظر به اینکه آقای سامان خواجه سلیمی، کارشناس رادیولوژی فرزند حمید دارای شماره ملی ۲۹۸۰۶۰۰۸۵۷ صادره ازکرمان متولد ۱۳۷۲ به موجب رأی قابل پژوهش شماره ۳۰۱۱ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۰۵ هیات محترم بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دانشگاه علوم پزشکی کرمان به مجازات اخراج از دستگاه متبوع محکوم گردیده است؛ لذا نامبرده بایستی از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت یکماه (۳۰ روز) به نشانی کرمان- بلوار جمهوری اسلامی، چهارراه شفا، معاونت بهداشتی دانشگاه، سالن سلامت، طبقه اول، هیات بدوی رسیدگی به تخلفات اداری مراجعه و نسبت به رؤیت رأی اقدام نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور اقدام قانونی بعمل خواهد آمد.

۵۰

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی وخدمات بهداشتی درمانی استان کرمان

۲۰ سالگی یوتیوب: امپراتوری تصاویر متحرک

از یک کلیپ ساده در باغ‌وحش تا پلتفرمی جهانی با نزدیک به ۳ میلیارد کاربر فعال

رامتین لطیفی
هفت صبح

در فوریه ۲۰۰۵، جاوید کریم، یکی از سه بنیانگذار یوتیوب، مقابل قفس فیل‌ها در باغ‌وحش سن‌دیگو ایستاد و ویدئویی ۱۹ ثانیه‌ای ضبط کرد. ویدئویی با عنوان «من در باغ‌وحش» نه‌تنها آغازگر یوتیوب بود، بلکه جرقه‌ای برای انقلابی در دنیای دیجیتال شد. کریم، بی‌هیچ تکلفی، درباره فیل‌ها سخن گفت. این سادگی که در آن روزگار غریب به نظر می‌آمد، بذری بود که مقبول نظر مردم افتاد و چندی بعد یوتیوب را به بزرگ‌ترین صحنه اشتراک‌گذاری ویدئو در جهان بدل کرد. از آن ماه‌های ابتدایی که این پلتفرم تازه‌وارد توانسته بود حدود ۲ میلیون کاربر برای خود دست و پا کند، دور شده‌ایم و امروز یوتیوب به غولی با ۲.۷ میلیارد کاربر فعال ماهانه در سال ۲۰۲۵ رسیده است. هند با ۴۹۱ میلیون و آمریکا با ۲۳۸ میلیون کاربر، پیشتاز این موج‌اند. جالب است بدانید در هر دقیقه، بیش از ۵۰۰ ساعت محتوای تازه به یوتیوب افزوده می‌شود و کاربران این پلتفرم روزانه ۱ میلیارد ساعت ویدئو تماشا می‌کنند، یعنی هر فرد به‌طور متوسط ۱۹ دقیقه از روزش را در این پلتفرم می‌گذراند. امروز با قطعیت می‌توان گفت، یوتیوب دیگر صرفا سرگرمی نیست؛ از آموزش و بازاریابی تا تصمیم‌گیری‌های روزمره را می‌توان بی‌هیچ واسطه‌ای از اساتید و اهالی فن در این پلتفرم آموخت و اینگونه یوتیوب در تاروپود زندگی مدرن تنیده شده است. درآمد یوتیوب، داستانی از موفقیت بی‌مانند است. در سال ۲۰۲۴، این پلتفرم ۳۶.۱ میلیارد دلار درآمد کسب کرد که ۸.۹۲ میلیارد دلار آن تنها از تبلیغات در سه‌ماهه سوم به دست آمد. سرویس یوتیوب پریمیوم، با ۱۰۰ میلیون مشترک جهانی، جریان درآمدی دیگری را رقم زده است که کاربران برای تجربه‌ای بدون تبلیغ و دسترسی به محتوای اختصاصی هزینه می‌کنند. اما نکته اصلی که بر جذابیت این پلتفرم افزوده، شریک کردن تولیدکنندگان محتوا در درآمد حاصله است. امروز در هر کجای جهان، یوتیوب به معدنی طلا برای تولیدکنندگان محتوا بدل شده است. برای نمونه، جیمی دونالدسون، معروف به مستر بیست، در ۲۰۲۴ حدود ۵۴ میلیون دلار از ویدئوهای پرمخاطبش به جیب زد. یوتیوبرها به‌طور متوسط به ازای هر هزار بازدید بین ۷ تا ۳۲ دلار درآمد دارند اما این رقم برای کانال‌های پرطرفدار می‌تواند سر به فلک بکشد. گزارش‌ها نشان می‌دهد کانال‌هایی با درآمد سالانه شش رقمی در سال‌های اخیر بیش از ۴۰ درصد رشد کرده‌اند و این نشانه‌ای از تبدیل یوتیوب به یک حرفه تمام‌عیار برای خالقان محتوا است. به بهانه بیستمین سالگرد یوتیوب، نگاهی می‌اندازیم به برخی از ماندگارترین ویدئوهای این پلتفرم که هر یک، آینه‌ای از فرهنگ و روح زمانه خود بودند. در سال ۲۰۰۷، ویدئوی «چارلی انگشتمو گاز گرفت» با ۸۸۴ میلیون بازدید، سادگی و شادی خالص یک لحظه خانوادگی را به جهان نشان داد. این کلیپ یک دقیقه‌ای که کودکی انگشت برادرش را گاز می‌گیرد و او با احساساتی درهم واکنش نشان می‌دهد، در روزگاری که یوتیوب هنوز نوپا بود، قدرت ساخت و نفوذ محتوای انسانی و بی‌تکلف را به رخ کشید و به بشر نشان داد که برش‌هایی از زندگی روزمره و واقعی انسان‌ها مهم است و برای اشتراک با دیگران، واجد ارزش است. پنج سال بعد، در سال ۲۰۱۲، موزیک‌ویدئوی «گانگنام استایل» طوفانی به پا کرد. این موزیک‌ویدئو با ملودی گیرا و رقص مضحکش، اولین ویدئویی بود که یک میلیارد بازدید را پشت سر گذاشت و تا امروز ۵.۵ میلیارد بار دیده شده است. این شاهکار کی‌پاپ نه‌تنها موسیقی کره‌ای را جهانی کرد، بلکه نشان داد یوتیوب می‌تواند مرزهای فرهنگ پاپ را جابه‌جا کند. در ۲۰۱۶، «کارائوکه ماشینی ادل» در برنامه جیمز کوردن، با ۲۵۰ میلیون بازدید، اوج محبوبیت ستارگان موسیقی را به نمایش گذاشت. ادل، در اوج شهرت، آهنگ‌هایش را در خودرویی ساده که در خیابان‌های لندن پیچ و تاب می‌خورد، بازخوانی کرد و این فرمت صمیمی، یوتیوب را به صحنه‌ای برای پیوند مستقیم و بی‌واسطه هنرمندان با مخاطبان بدل کرد. دو سال بعد، در سال ۲۰۱۸، ویدئوی «به دخترمان» از کایلی جنر نیز با ۵۳۸ میلیون بازدید، تب سلبریتی‌ها را نمایاند. این کلیپ احساسی از دوران بارداری جنر، نشان داد چگونه یوتیوب اخبار زرد را به روایتی پرمخاطب تبدیل می‌کند. سرانجام، سرود «بیبی شارک» که سرودی برای کودکان است، در سال ۲۰۲۰ با ۱۵.۷ میلیارد بازدید، تاج پربازدیدترین ویدئوی یوتیوب را ربود و تا کنون نیز نزد خود نگه داشته است. این آهنگ کودکانه که در دوران قرنطینه پاندمی پناهگاه والدین برای سرگرمی کودکان شد، قدرت یوتیوب و نفوذ این پلتفرم در محتوای خانوادگی و تأثیرش بر نسل نو را به نمایش گذاشت. این ویدئوها، از شادی‌های ساده و موسیقی جهانی گرفته تا اخبار سلبریتی‌ها و سرگرمی‌های کودکانه، روایتگر تنوع و تأثیر یوتیوب‌اند. ۲۰ سال پس از آن کلیپ باغ‌وحش، یوتیوب دیگر تنها یک پلتفرم نیست؛ فرهنگی است که با ویدئوهای کوتاه، استریم‌های زنده و محتوای بی‌پایان، سرگرمی و ارتباطات جهانی را بازتعریف کرده است. زندگی بدون یوتیوب، برای میلیاردها نفر، دیگر قابل تصور نیست.

چهره روز

شان بین، بازیگر آمریکایی که بیش از هر چیزی او را با ایفای نقش «ند استارک» در سریال محبوب و پربیننده «بازی تاج و تخت» می‌شناسیم، روز گذشته ۶۶ ساله شد. به این بهانه، مرور کارنامه او توسط کاربران فضای مجازی بسیار داغ و پر بحث و جدل شد، چراکه شان بین در ۲۳ اثر سینمایی، تلویزیونی و بازی ویدئویی که حضور داشته، کشته شده است. به عبارت دیگر، مرگ سرنوشت او در ۶۳ درصد از آثار کارنامه‌اش بوده است. به همین دلیل کاربران فضای مجازی به او لقب «بمیرترین بازیگر تاریخ سینما» را اعطا کردند.

عکس روز

ربات‌ها در پکن می‌دوند!

ربات‌های انسان‌نما در نیم‌ماراتن پکن با انسان‌ها رقابت کردند

روز شنبه، در نیم‌ماراتن ییژوانگ پکن، ۲۱ ربات انسان‌نما برای اولین‌بار در کنار هزاران دونده انسانی در مسافت ۲۱ کیلومتری (۱۳ مایل) به رقابت پرداختند. این رویداد بی‌سابقه، گامی نو در نمایش قابلیت‌های رباتیک بود. به گزارش گاردین، این ربات‌ها، ساخته شرکت‌های چینی مانند درویدوی‌پی (DroidVP) و نوئتیکس رباتیک (Noetix Robotics)، در اندازه‌ها و اشکال متنوعی بودند؛ از قد ۱۲۰ سانتی‌متری تا ۱۸۰ سانتی‌متری. یکی از شرکت‌ها مدعی شد رباتش ویژگی‌های زنانه دارد و می‌توان از آن به عنوان یک ربات انسان‌نمای زن یاد کرد. برخی شرکت‌ها برای اطمینان از عملکرد ربات‌هایشان، آنها را هفته‌ها پیش از مسابقه آزمایش کرده بودند. مقامات پکن این رویداد را به مسابقات اتومبیلرانی تشبیه کردند، زیرا نیازمند تیم‌های مهندسی و ناوبری بود.

هه سی‌شو، تماشاگری فعال در حوزه هوش مصنوعی، گفت: «ربات‌ها بسیار پایدار و روان می‌دوند... انگار شاهد تکامل ربات‌ها و هوش مصنوعی هستیم.» هر ربات با مربی انسانی همراه بود که گاه مجبور به حمایت فیزیکی از آن می‌شد. برخی ربات‌ها کفش دویدن به پا داشتند؛ یکی دستکش بوکس پوشیده بود و دیگری پیشانی‌بندی قرمز با عبارت «محکوم به پیروزی» به زبان چینی داشت. در این نیم‌ماراتن، ربات زنانه تیان‌گونگ اولترا (Tiangong Ultra) از مرکز نوآوری رباتیک انسانی پکن با زمان ۲ ساعت و ۴۰ دقیقه برنده شد، در حالی که برنده انسانی مردان زمان ۱ ساعت و ۲ دقیقه را ثبت کرد. ۴۳ درصد این مرکز متعلق به دو شرکت دولتی است و باقی سهام آن به‌طور مساوی در اختیار بازوی رباتیک شرکت شیائومی (Xiaomi) و یوبی‌تک (UBTech)، شرکت‌های پیشرو در رباتیک انسان‌نما، قرار دارد. تانگ جیان، مدیر فناوری مرکز رباتیک، اظهار کرد که پاهای بلند و الگوریتم شبیه‌سازی دویدن انسان، کلید موفقیت تیان‌گونگ اولترا بود. او افزود: «نمی‌خواهم مبالغه کنم اما بعید می‌دانم شرکت‌های رباتیک غربی به دستاوردهای ورزشی تیان‌گونگ رسیده باشند.» این ربات در طول مسابقه تنها سه‌بار باتری عوض کرد. با وجود موفقیت برخی ربات‌ها مانند تیان‌گونگ اولترا، بعضی دیگر با چالش‌هایی مواجه شدند. یکی از ربات‌ها در خط شروع زمین خورد و چند دقیقه طول کشید تا دوباره حرکت کند. ربات دیگری پس از چند متر به نرده برخورد کرد و اپراتور انسانی‌اش را به زمین انداخت. اگرچه ربات‌های انسان‌نما در سال گذشته در ماراتن‌های چین حضور داشتند، این اولین‌بار بود که آنها به طور مستقیم با انسان‌ها رقابت کردند. چین امیدوار است سرمایه‌گذاری در صنایع پیشرفته مانند رباتیک، موتورهای جدیدی برای رشد اقتصادی ایجاد کند. با این حال، برخی تحلیلگران معتقدند حضور ربات‌ها در ماراتن لزوما نشان‌دهنده پتانسیل صنعتی آن‌ها نیست. چین در سال‌های اخیر با سرمایه‌گذاری کلان در هوش مصنوعی و فناوری‌های نوین، به پیشگام حوزه رباتیک انسان‌نما تبدیل شده است. شرکت‌هایی مانند یوبی‌تک و شیائومی با توسعه ربات‌هایی با قابلیت‌های پیشرفته، از جمله تعامل اجتماعی و حرکات پیچیده، جایگاه این کشور را در بازار جهانی رباتیک تقویت کرده‌اند. این دستاوردها که در رویدادهایی مانند ماراتن پکن و کاربردهای صنعتی و خدماتی نمود یافته، نویدبخش آینده‌ای نوآورانه برای چین است.

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل

ینگه دنیا

سلبریتی‌ها در جیب کامالا هریس

اسناد مالی کمپین کامالا هریس، پرداخت‌های کلان به سلبریتی‌ها برای حمایت انتخاباتی از او را فاش کرد

جهان سیاست آمریکا بار دیگر با یک افشاگری جنجالی به لرزه درآمد. اسناد مالی کمپین انتخاباتی کامالا هریس، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده، نشان می‌دهد که این کمپین مبالغ هنگفتی به شرکت‌های مرتبط با ستارگان نام‌آشنایی چون لبرون جیمز، بیانسه، کاردی بی و حتی اپرا وینفری پرداخت کرده است. این پرداخت‌ها که در نگاه اول برای تولید محتوا یا حضور در رویدادهای انتخاباتی بوده، پرسش‌های جدی درباره شفافیت مالی و نقش شهرت در سیاست مدرن به وجود آورده است. لبرون جیمز، غول بسکتبال این کشور که لقب «پادشاه» را یدک می‌کشد و یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های فرهنگی آمریکا، در مرکز این ماجرا قرار دارد. شرکت تولیدی او، اسپرینگ‌هیل اینترتینمنت، ۵۰ هزار دلار برای تولید آگهی انتخاباتی با عنوان «نفرت ما را عقب می‌برد» دریافت کرده است. این آگهی پس از آن ساخته شد که جیمز با ۲۰۰ میلیون دنبال‌کننده در شبکه‌های اجتماعی، حمایت پرشورش را از هریس اعلام کرد و حتی ویدئویی منتشر کرد که دونالد ترامپ را به نژادپرستی متهم می‌کرد. اما نکته جالب اینجاست: این پرداخت در ۲۸ ژانویه ۲۰۲۵، چند روز پس از تحلیف ترامپ، انجام و ماه‌ها بعد افشا شد. بیانسه، ملکه موسیقی پاپ، نیز از این قافله عقب نماند. کمپین هریس ۱۶۵ هزار دلار به تیم او برای یک سخنرانی چهار دقیقه‌ای در یک گردهمایی انتخاباتی در هیوستون پرداخت کرد. البته بیانسه مجوز استفاده از آهنگ «آزادی» خود در کمپین هریس و ممنوعیت استفاده از آثارش در کمپین ترامپ را نیز صادر کرد. کاردی بی، رپر جنجالی هم بیش از ۵۸ هزار دلار برای «تولید رویدادهای انتخاباتی» دریافت کرد، هرچند او پیش‌تر در شبکه‌های اجتماعی ادعا کرده بود هیچ پولی نگرفته و حتی هزینه‌های سفر و آرایشش برای حضور در صحنه‌های گرهمایی‌های انتخاباتی را خودش پرداخت کرده است. این تناقض، موجی از انتقادات را در فضای مجازی به راه انداخت. اما این پایان ماجرا نیست. کمپین هریس بیش از ۱۳۲ هزار دلار نیز به شرکت لیدی گاگا، همین مقدار پول را به شرکت گریسی آبرامز و ۹۸ هزار دلار به شرکت خالد، خواننده آراندبی، پرداخت کرد. بزرگ‌ترین شگفتی اما پرداخت یک میلیون دلاری به شرکت تولیدی اپرا وینفری، مجری سیاه‌پوست، سرشناس و محبوب آمریکایی بود که همواره ادعا کرده حمایتش از باراک اوباما در رقابت‌های انتخاباتی در پیروزی او و غلبه بر رقبای جمهوری‌خواهش بسیار تاثیرگذار بوده است. این مبلغ هنگفت، گمانه‌زنی‌ها درباره تأثیرگذاری اپرا در هدایت افکار عمومی به نفع هریس را تقویت کرد. همچنین، کمپین کامالا هریس، ۵۰۰ هزار دلار به سازمان غیرانتفاعی ال شارپتون، مجری شبکه ام‌اس‌ان‌بی‌سی و ۱۰۰ هزار دلار به شرکتی مرتبط با باراک اوباما برای حضور در رویدادهای انتخاباتی پرداخت شد. آدرین الرود، سخنگوی ارشد کمپین هریس، در نوامبر گذشته به مجله ددلاین گفته بود: «ما هرگز به هیچ هنرمند یا اجراکننده‌ای پول پرداخت نکرده‌ایم و همه بر حسب وظیفه ملی و انتخاب شخصی خودشان تصمیم گرفتند به میدان بیایند و نگذارند ترامپ دوباره به کاخ سفید بازگردد.» اما اسناد مالی، داستانی دیگر روایت می‌کنند. این تناقض، اعتبار کمپین هریس را زیر سؤال برده و بحث‌هایی درباره اخلاقیات استفاده از شهرت سلبریتی‌ها در سیاست را به راه انداخته است. این افشاگری‌ها در حالی رخ می‌دهد که رقابت‌های سیاسی در آمریکا بیش از پیش به پول و رسانه وابسته شده است. پرداخت به سلبریتی‌ها، اگرچه در ظاهر برای تولید محتوا یا حضور در رویدادها بوده، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا حمایت‌های پرزرق‌وبرق ستارگان، خریداری شده‌اند؟ این ماجرا نه‌تنها هریس و تیمش را در تنگنا قرار داده، بلکه می‌تواند به بحث‌های گسترده‌تری درباره نقش پول، شهرت و قدرت در دموکراسی آمریکا دامن بزند. آیا این پرداخت‌ها، هزینه‌های معمول کمپین بودند یا بخشی از استراتژی آنها برای جلب آرای عمومی؟ پاسخ این پرسش شاید در آینده روشن شود، اما در حال حاضر، این جنجال سیاسی همچنان در صدر اخبار است و باید بگوییم برای هریس گران تمام شده چراکه با نزدیک شدن به پایان دوره فرمانداری گوین نیوسام، فرماندار فعلی و محبوب کالیفرنیا، زمزمه‌هایی درباره نامزدی کامالا هریس برای رقابت فرمانداری این ایالت به گوش رسید اما مردم این ایالت مهم، تاثیرگذار و دموکرات آمریکا به پذیرش هریس در ساختمان فرمانداری ایالت‌شان تمایلی ندارند.

کیوسک

> لوموند فرانسه، تیتر یک خود را به عدم حمایت و خالی کردن پشت اروپا توسط دونالد ترامپ و دولتش اختصاص داد و نوشت : «غرب در حال از دست دادن جهان است.»

> ایندیپندنت، تیتر اصلی خود را به تهدید ترامپ مبنی بر خروج از مذاکرات توافق صلح اوکراین در صورت عدم دستیابی به دستاورد خاصی طی روزهای آتی اختصاص داد.

بلوزون

دنباله «روزی روزگاری هالیوود» و حضور گرانقیمت دی‌کاپریو

لئوناردو دی‌کاپریو برای بازگشت به نقش «ریک دالتون» در دنباله فیلم «روزی روزگاری در هالیوود» (Once Upon A Time in Hollywood) به کارگردانی دیوید فینچر، تردید دارد و پیشنهاد ۳ میلیون دلاری نتفلیکس برای یک روز فیلمبرداری را ناکافی می‌داند. این فیلم قرار است ژوئیه ۲۰۲۵ کلید بخورد. بر اساس گزارش پادکست «هات‌مایک»، دی‌کاپریو برای این نقش کوتاه که شاید تنها چند دیالوگ باشد، مبلغ بیشتری طلب کرده است. او که اخیرا در «نبردی از پس نبردی دیگر» (One Battle After Another) با پل توماس اندرسون و «قاتلان ماه کامل گل» (Killers of the Flower Moon) به کارگردانی مارتین اسکورسیزی بازی کرده، به طور معمول برای هر فیلم حدود ۲۰ تا ۲۵ میلیون دلار دریافت می‌کند. گفته می‌شود کوئنتین تارانتینو فیلمنامه این دنباله را نوشته اما کارگردانی را به فینچر سپرده است. همچنین احتمال بازگشت مارگو رابی در نقش «شارون تیت» و حضور برد پیت، برنده اسکار نقش مکمل برای فیلم اصلی، مطرح شده است. «روزی روزگاری در هالیوود» در اکران اولیه خود با فروش ۴۱ میلیون دلاری، پرفروش‌ترین فیلم تارانتینو در افتتاحیه شد. داستان فیلم درباره بازیگری (دی‌کاپریو) است که با کمک بدلکارش (پیت) به دنبال موفقیت در هالیوود است.

نکته بازی

آینده مبهم فرستاپن در فرمول ۱

مرخصی یک‌ساله برای تولد فرزند

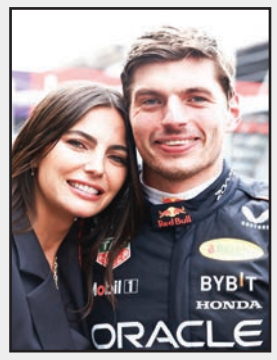

مکس فرستاپن ممکن اســت برای مراقبت از فرزند جدیدش که تاریخ تولد آن ۶ مه است، یک سال از فرمول ۱ مرخصی بگیرد. قهرمان فعلی جهان در دسامبر گذشته اعلام کرد به همراه همسرش که دختر قهرمان سه‌بار جهان، نلسون پیکه اســت، قرار است صاحب فرزند شوند. تاریخ تولد این کودک پس از گرندپری میامی اســت، بنابراین فرستاپن قرار نیست هیچ مسابقه‌ای را از دست بدهد و یک فرصت کوتاه برای مراقبت از فرزندش خواهد داشت پیش از اینکه دوباره در مسابقات امولا که از ۱۶ تا ۱۸ مه برگزار می‌شود، شرکت کند.

با این حال، آینده فرستاپن برای سال آینده همچنان موضوع گمانه‌زنی است و هلموت مارکو، مشاور تیم ردبول، هفته گذشته با اظهار نگرانی از احتمال ترک تیم توسط فرستاپن، این شایعات را داغ‌تر کرد. در همین حال، یکی از رانندگان ناشــناس فرمول ۱ گفت او معتقد است مسیر محتمل فرستاپن این است که یک سال مرخصی بگیرد. سال آینده به‌نظر می‌رسد وضعیت بسیار غیرقابل پیش‌بینی باشد، زیرا تغییرات عمده‌ای در مقررات ســال ۲۰۲۶ اعمال خواهد شد و احتمالا تیم‌ها و رانندگان برتر تغییر خواهند کرد.

دو «آلکاراز» در یک جام

حمایت قهرمان از برادر کوچک‌تر

نام «آلکاراز» دو برابر بیشــتر در مســابقات اپن بارســلونا ۲۰۲۵ به چشم می‌خورد. کارلوس آلکاراز مدال‌آور نقره المپیــک، رده اول را در تورنمنت ATP۵۰۰ تنیس به خود اختصاص داده اســت، جایی که او روز جمعه با پیروزی ۷-۵، ۶-۳ در برابر الکس دی مینائور، تنیســور شماره ۷ جهان، به نیمه‌نهایی رسید. اما «کارلیتوس» تنها آلکاراز نبود که در بعدازظهر خنک در پایتخت کاتالونیا جشن پیروزی گرفت. کارلوس در اوایل روز شاهد پیروزی برادر کوچکترش، هایم، در تورنمنت پســران زیر ۱۴ سال بود. کارلوس در کنفرانس خبری پس از مسابقه‌اش وقتی از پیروزی برادر کوچکترش پرسیده شد، پاسخ داد: «بهترین.» او افزود: «سطح بازی‌اش واقعا من را شگفت‌زده کرد.» و با یک لبخند ادامه داد. هایم آلکاراز که تحت نظر برادر چهار بار قهرمان گرند اسلم خود بازی می‌کند، در مرحله یک‌چهارم نهایی نیز در ست‌های مستقیم برابر تنیسور جوان اسپانیایی دیگر، تیم فرانکو پیروز شد.

آلکاراز گفت: «او واقعا من را هیجان‌زده می‌کند و دوست دارم هر وقت که بتوانم، او را ببینم.»

برادر بزرگ‌تر آلکاراز به دنبال سومین عنوان خود در بارسلونا است، جایی که او در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ جام تروفئو کوندِ دِ گودو را کسب کرده و سال گذشته به دلیل آسیب‌دیدگی از شرکت در رقابت‌ها بازماند.

بعد از ۱۰ سال صدرنشینی در فوتبال ایران

سقوط امپراتوری پرسپولیس

پرسپولیس در روزی که می‌توانست همه‌چیز را به سود خودش تغییر بدهد، همه‌چیز! را از دست داد.

آخرین جام باقی‌مانده نیز در برابر چشم هزاران هوادارشان در تهران پرید

تسلیم محض

تصویر ســروش رفیعی، با چهره‌ای زخمی و کبود و سری باندپیچی‌شده بهترین تصویر از تیمی بود که جمعه شــب در برابر چشم هواداران خانم حاضر در ورزشگاه آزادی به میدان رفت. سروش که نقش قلب پرســپولیس را بازی می‌کند، در این بازی ضعیف و ناتوان بود؛ مثل دیگر ستاره‌هایی که به قول علی پروین یک تریلی اسم‌شــان را نمی‌کشید اما توی زمین «هیچ» بودند.

کدام ستاره‌ها ضعیف‌تر بودند؟

کارشناسان کار ســختی خواهند داشت اگر بخواهند بدترین بازیکن پرسپولیس را انتخاب کنند و شــاید در این بین نام‌هایی باشند که کســی دلش نخواهــد نامی از آنهــا بیاورد؛ وحید امیری نمایشی فاجعه‌بار داشت اما آیا پورعلی‌گنجی بهتر بود؟! گلی که گولسیانی به ثمر رســاند درواقع نمایش ضعیف او را در هفته‌هــای اخیر کامل کــرد. او البته یکی از کسانی بود که در میکسدزون حرف‌هایی زد و حرف‌هایش مورد رمزگشایی قرار گرفت: «یک گل به‌خودی زدن هم احساس افتضاحی دارد. مشکلات ما از امروز شــروع نشده و از خیلی قبل‌تر شروع شده اســت. ما داشتیم تلاش می‌کردیم که این مشــکلات را حل کنیم. به این معنی نیســت که ما داریم کار خوبی به نمایش می‌گذاریم. من یک گل به خودی زدم ولی به این معنا نیست که در این بازی یا بازی قبل یا قبل‌تر خوب بودیــم. ما به اندازه کافی خوب نبودیم.»

فاجعه با آرکاداش

پرسپولیس چرا خوان کارلوس گاریدو را آورد؟ چرا او را برکنار کرد؟ و چرا اسماعیل کارتال را آورد؟ تحلیل درستی نمی‌توان در این رابطه به‌دست آورد جز اینکه مدیریت مستاصل تنها برای پرکردن این صندلی به یک نام خارجی که بتواند ســکوها را آرام کند نیاز داشت. اما برای جذب یک مربی بزرگ توان و ولخرجی لازم را نداشت و در نهایت یک مربی اسپانیایی را اخراج و یک مربی ترکیــه‌ای را به خدمت گرفت. یک ریســک بزرگ روی کارتال که تا قبل از حضور در پرسپولیس تجربه مربیگری حرفه‌ای در خارج از کشورش را نداشت.

اما نکته اینجاست که مدیریت پرسپولیس به نظر قصد دارد این ســرمربی ترکیه‌ای را یک فصل دیگر نگه دارد و تیم را براساس خواست او ببندد به‌طوری که از هم اکنون لیســتی از بازیکنان ترک بالای ۳۰ سال که اغلب سابقه بازی در فنرباغچه را دارند در میان گزینه‌های مورد نظر باشگاه پرســپولیس در سایت‌های مختلف به چشم می‌خورد: «باید تیمی جدید بسازیم. با مدیرعامل، رضا درویش و اعضای هیات‌مدیره بارها جلســه داشته‌ایم. واقعیت این است که تیم نیاز به تقویت دارد. در برخی پست‌ها بازیکن تخصصی نداریم و در برخی دیگر فقط بازیکنان ذخیره داریم. هیچ تیمی هر سال نمی‌تواند قهرمان شود.

پرســپولیس از ســال گذشــته روند نزولی داشــته. من فقط واقعیــت را می‌گویم. تیم بهتریــن بازیکنان خود را بــه تیم‌های دیگر داده. اگر می‌خواهیم دوباره به اوج برگردیم، باید بازیکنــان باکیفیت جــذب کنیم.» او اما گویا علاقه‌مند به ماندن اســت چون در پاســخ به ســوال خبرنگاران بعد از شکست مفتضحانه گفت: «ســوالی پرســیدید که انگار نمی‌خواهید بمانم! تصمیم‌گیری با باشگاه است و به تصمیم آنها احترام می‌گذارم. من شخصیتی صریح دارم و به اخــلاق حرفــه‌ای پایبندم. اگر می‌خواهید مرا بشناسید، بازی‌های تیمم در لیگ اروپا با فنرباغچه را ببینید. در پرسپولیس هم تمام تلاشم را می‌کنم.»

اما در حالی پرســپولیس بــا ایــن ســرمربی ترک میانگیــن امتیازی ۱،۴۶ امتیــاز در هر بازی را کســب کرد که با گاریدو با وجود بازی‌های ســنگین در لیــگ نخبگان توانســت آمار ۱،۶ را کسب کند. گاریدو البته در روزهایی که کارتال با پرسپولیس نتوانست نتایج خوبی بگیرد، در الاتحاد لیبی نتایج خوبی به‌دست آورد.

هر بازی چقدر؟

در حالی که پرســپولیس ســتاره‌های مهمی را از دست نداد و در نقل و انتقالات هم نتوانســت مهره قابــل توجهــی را به‌خصوص در بخــش تهاجمــی بــه خدمــت بگیرد، اوســتون اورونوف ستاره‌ای بود که با تمدید قراردادش مدیریت باشگاه توانســت تــا حــدودی فضا را به سمت خودش تغییر بدهد؛ هرچند شــاید از نظــر فنی و فوتبالی این یک اشتباه تمام‌عیار بــود. اورونوف در فصــل جاری در ۱۰۵۱ دقیقه در لیگ‌برتر بــازی کرده و هر ۵۲۶ دقیقه یک گل برای پرســپولیس زده اســت. او ۲۲۶ دقیقه در لیگ نخبگان و یک ۹۰ دقیقه هم در سوپرجام برای پرسپولیس بازی کرده که با توجه به قرارداد ۲،۲۰۰،۰۰۰ هزار دلاری این بازیکــن او هر دقیقه ۱۶۰۰ دلار برای این باشگاه هزینه داشته است. البته که هیچگاه باشگاه از پیشنهادات رسمی این بازیکن پرده برنداشــت اما چــرا اورونوف در زمســتان با یک قرارداد خوب منتقل و یک بازیکن کــه بتواند به تیــم کمک کند جذب نشــد؟ اورونوف در بازی‌هایی هم که در این فصل به زمین رفت هیچ نشانی از یک ستاره گران‌قیمــت و تاثیرگذار نداشــت. در رفتار و بازی او نوعــی بی‌توجهی بــه کارتیمی و بی‌اعتمادی محض بــه بازیکنان کناری موج می‌زند به‌طوری که هربار توپ را در هرکجای زمین می‌گیــرد اقدام به دریبــل و تک‌روی می‌کند. ســبکی از بازی که دهه‌ها است در فوتبال جهــان دیده نمی‌شــود. این بازیکن ۲۴ ســاله ازبکســتانی از زمان حضورش در پرسپولیس ۱۷ مسابقه و حدود ۱۳۰ روز را از دست داده است.

نتیجه

در نهایت، آنچه در پرســپولیس امروز دیده می‌شود، نه‌تنها شکست در یک مسابقه یا از دست رفتن یک جام، بلکه شکاف عمیق‌تری است که از دل بی‌برنامگی، تصمیمات مقطعی و بی‌اعتمادی به داشــته‌های داخلی شــکل گرفته است.

پرســپولیسِ دهه گذشــته با تکیه بر ثبات، همدلــی و مدیریــت هدفمند، بــه یکی از پرافتخارترین دوره‌های تاریخ خود رسید اما حالا بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازنگری در ساختار و فلسفه‌اش است؛ نه فقط در زمین، بلکه در اتاق‌های تصمیم‌گیری.

امپراطوری فقط با قهرمانی ساخته نمی‌شود؛ باصداقت، شجاعت در تصمیم‌گیری و دوری از شعارسازی‌های بی‌پشتوانه هم باید همراه باشــد. این شــاید پایان یک دوران باشد اما می‌تواند آغازی تازه هم باشد؛ اگر واقعیت‌ها را ببینند و صدای هشدارها را بشنوند.

یادداشت

قبل از قربانی کردن ستاره‌ها

آغاز انقلاب با خروج درویش و کارتال

امید ذاکری‌نیا
روزنامه‌نگار

حتی فلورنتینو پــرس هم در چنین شــرایطی کنار می‌رفت. مشــکل پرسپولیس فقط نتایج ضعیف این فصل نیست، بلکه چشم‌انداز تاریک و بدون روزنه امیدی‌ست که وضعیت را بغرنج‌تر کرده. عملکرد رضا درویش طی دو فصل اخیر، یکی از بهترین تیم‌های تاریخ باشگاه را به سراشیبی سقوط کشانده است.

پرســپولیس بیش از هر چیز، نیازمند یک تحول اساســی در ســاختار مدیریتی‌اش است.

درست اســت که درویش در برخی مقاطع، برخی کارها را به جلو برد اما توانایی او برای حفظ یا بازگرداندن تیم به اوج کافی نبوده است. تیمی که دوبار فینال لیگ قهرمانان آسیا را تجربه کرده، باید برای قهرمانی بجنگد اما پرسپولیس مسیر معکوس را طی کرده است.

این روزها تنها چیزی که از باشگاه بیرون می‌آید، «برنامه‌ای تازه» است که با وجود تمام انرژی‌ای که اسماعیل کارتال در کنفرانس خبری‌اش صرف آن کرد، قانع‌کننده به‌نظر نمی‌رســد. کارتال طی مدت حضورش نه در نتیجه‌گیری، نه در سبک بازی و نه حتی در ارتباط با بازیکنان، نمره قبولی نمی‌گیرد. او بازیکنانی مثل یاسین سلمانی و سعید صادقی را که انتظار می‌رفت پس از رفتن گاریدو بدرخشند، عملا کنار گذاشت و از همان روز اول با جمله «چاره‌ای نیســت جز ادامه با همین بازیکنان»، نشان داد که حامی رختکنش نیست.

برخلاف گاریــدو که همــواره از بازیکنانش حمایت می‌کــرد — هرچند تمرینات ســخت بدنی و فنی‌اش باب میل بازیکنان پا به ســن گذاشته نبود — کارتال حتی در مصاحبه‌هایش هم نتوانست حس اتحاد را منتقل کند. همین حالا هم وعده ســاختن تیمی جدید را داده و طبق گزارش ترانســفرمارکت، نام چند بازیکن بالای ۳۰ ســال ترکیه‌ای در فهرست احتمالی پرسپولیس دیده می‌شود.

به‌نظر می‌رسد پس از قربانی شدن گاریدو، حالا نوبت ستاره‌های باتجربه تیم است تا کنار گذاشته شوند. این تغییر نسل با کارتال، بیشتر بهانه‌ای برای ادامه حضور اوســت، در حالی که همین بازیکنان، تیم را فصل قبل قهرمان کردند و طی چند ماه، آنقدر هم پیر نشــده‌اند که چنین نمایشی برابر سپاهان توجیه‌پذیر باشد.

واقعیت این است که پیش از هر تغییر در ترکیب بازیکنان، باید درویش و کارتال از باشگاه بروند؛ تا وقتی فرصت هست، بازسازی از بالا آغاز شود. پرسپولیس نیاز به یک سرمربی بزرگ از کشوری صاحب‌فوتبال و مدیری دارد که به علم روز و سازوکار حرفه‌ای فوتبال تسلط داشته باشد. با حفظ وضعیت فعلی، نه‌تنها بازگشتی در کار نیست، بلکه خطر نابودی سرمایه سال‌ها موفقیت این باشگاه را هم نباید دست‌کم گرفت.

ویژه

همه شرایط برای فراری آماده است

بازگشت غول بزرگ به پیست موفقیت

فرید فاسور، رئیس تیم فراری، گفت تیم تمام عوامل لازم برای موفقیت در مســابقات قهرمانی جهانی فرمول ۱ را دارد و تنها نیــاز به آرامش و پایبندی به برنامه‌ها پس از شروعی کند در فصل دارد. این تیم ایتالیایی که تشنه قهرمانی است و از ســال ۲۰۰۸ هیچ قهرمانی به دست نیاورده، تاکنون نتوانسته به سکوهای مسابقات دست یابد و در چهار مسابقه اخیر با رانندگانش شارل لکلر و لوئیس همیلتون، قهرمان جهان هفت‌باره که به تازگی به تیم پیوسته، در میان برندگان قرار نگرفته است. مسابقه جایزه بزرگ بحرین که هفته گذشته با پیروزی اسکار پیستری از تیم مک‌لارن به پایان رسید، بهترین عملکرد گروهی تیم فراری تاکنون بود. در این مسابقه لکلر به مقام چهارم و همیلتون به مقام پنجم دســت یافتند. در مسابقه چین، همیلتون برنده مسابقه سرعت شــد اما نتیجه او و لکلر در مسابقه اصلی به دلایل فنی لغو شد.

فاسور در حاشیه مسابقه جایزه بزرگ عربستان سعودی در پیست کورنیش جده گفت: «تمام اجزاء در دســترس هســتند اما این مثل آماده‌سازی غذاست تا به حال، و باید اجزا را در زمان مناسب کنار هم بگذاریم. راستش را بخواهید، احســاس نمی‌کنم کــه بهترین عملکرد خود را از ماشــین گرفته‌ایم، یا شاید در بعضی مواقع، در بعضی دورها.»

او تأکید کرد: «از نگاه بیرونی به نظر می‌رسد این یک درام است. ما بیشتر روی عملکرد متمرکز هستیم...»

آخرین باری که فراری، در سال ۲۰۲۴ در جایگاه دوم قهرمانی تیم‌ها پس از مک‌لارن قرار گرفت، توانست قهرمانی رانندگان را با کیمی رایکونن در سال ۲۰۰۷ به‌دست آورد و قهرمانی تیم‌ها را در سال ۲۰۰۸ کسب کرد. مک‌لارن تاکنون سه پیروزی از چهار مسابقه را به دست آورده، سه بار از خط اول مسابقه شروع کرده و سه بار سریع‌ترین دور را ثبت کرده است. راننده این تیم، لاندو نوریس، سه امتیاز بیشتر از هم‌تیمی خود، پیستری دارد. لکلــر در رده پنجم جدول با ۳۲ امتیاز قــرار دارد و همیلتون با ۲۵ امتیاز در رده هفتم است. لکلر این هفته گفت: «فکر می‌کنم ما حدودا بین دو دهم تا سه دهم ثانیه از مک‌لارن عقب هستیم. شبیه مرسدس، شاید مرسدس کمی برتری داشته باشد.»

گزارش

تیاگو سیلوا؛ پایان یک افسانه

باید حق این پیراهن را ادا کنم

تیاگو ســیلوا، اســطوره تیم ملی برزیل و باشــگاه فلومیننزه، برای رقم زدن پایانی باشــکوه در دوران بازیگری‌اش، چشم به درخشش در جام‌جهانی باشگاه‌های فیفا ۲۰۲۵ دوخته اســت؛ رقابتی که می‌تواند آخرین فصل فوتبال حرفه‌ای او باشد.

بازگشــت به خانه برای پایان افســانه‌ای سیلوا که حالا ۴۰ سال دارد، پس از سال‌ها حضور در سطح اول فوتبال اروپا با تیم‌هایی چون میلان، پاری‌ســن‌ژرمن و چلسی، به تیم محبوب دوران نوجوانی‌اش، فلومیننزه، بازگشته. او که در لارانجیراس رشد کرده، حالا می‌خواهد در جام جهانی باشگاه‌ها — که در آمریکا برگزار خواهد شد — افتخاری تازه برای فوتبال ریو رقم بزند.

او در گفت‌وگو با فیفا گفت: «همیشه سعی می‌کنم از ته دل صحبت کنم. هرگز حتی در رویاهایم هم تصــور نمی‌کردم یک روز دوباره این پیراهن را بپوشــم، بعد از همه آن موفقیت‌هایی که در اروپا داشــتم. این مسئولیت بزرگی اســت. آچه حالا بیشتر از هرچیز می‌خواهم، کســب یــک جام با این پیراهن اســت. امیدوارم خداوند ما را در این ســال ویژه که احتمالا آخرین سال بازیگری‌ام خواهد بود، بــا یک جام بزرگ همراه کند.»

تجربه‌ای بی‌قیمت

تیاگو ســیلوا با ســابقه حضــور در چهار جام‌جهانی با تیم ملــی برزیل و همچنین قهرمانی در جام‌جهانی باشگاه‌ها با چلسی در سال ۲۰۲۱، حالا ســرمایه‌ای از تجربه با خود بــه فلومیننزه آورده کــه می‌تواند به تیم در این مســیر کمک کند. سیلوا که هم‌سن لبرون جیمز، ستاره NBA است، از او به‌عنوان الگوی ورزشی خود یاد می‌کند: «تیم من لبرون جیمزه، فرقی نمی‌کنه کجا بازی کنه. وقتی بازی داره و می‌تونم تماشا کنم، همیشه طرفدارش هستم. اینکه هنوز در این سن در اوج باشــی، خیلی خاصه.»

او همچنین به یاد مــی‌آورد که در کمتر از ۱۰ سالگی قهرمانی برزیل در جام‌جهانی ۱۹۹۴ در آمریکا را تماشا کرده: «اون لحظه برای من خیلی خاص بود، همان موقع بود که رویای فوتبالیست شدن در ذهنم شکل گرفت. عاشق دیدن روماریو و ببتو بودم. در کودکی دوست داشتم مهاجم باشم، ولی در نهایت مدافع شدم!»

پایان یک افسانه؟

حالا تیاگو سیلوا، یکی از بهترین مدافعان تاریخ فوتبال برزیل، آماده است تا با پیراهن فلومیننزه در کشوری که برزیل چهارمین جام جهانی‌اش را برد، یک پایان افسانه‌ای برای داســتان خود بنویســد؛ بازگشتی باشــکوه به خانه، با چمدانی پر از افتخار و خاطراتی که هیچ قیمتی نمی‌توان بر آن گذاشت.

حاشیه

لیونل مسی تنش‌ها را تکذیب کرد

آرژانتین جنگی با مکزیک ندارد

لیونل مسی، کاپیتان تیم ملی آرژانتین قهرمان جام‌جهانی ۲۰۲۲ فوتبال، رقابت‌های شدید بین تیم کشورش و مکزیک را رد کرد و گفت تنش‌های مطرح‌شــده بیــن دو تیم اصلا وجود نــدارد. در ویدئویی از یک حادثــه در داخل رختکن تیم ملی آرژانتین حین جشــن پیروزی مقابل مکزیک در مرحله گروهی جام‌جهانی ۲۰۲۲ قطر، مسی دیده می‌شود که پیراهن کاپیتان مکزیک، آندرس گواداردو را با پای خود به طرفی می‌راند، که این موضــوع باعث ایجاد جنجال‌های رسانه‌ای شــد. مســی در مصاحبه‌ای گفت: «آن‌ها خود را در موقعیت رقابتی با مــا قرار دادند کــه در واقعیت وجود ندارد. هیچ مقایســه‌ای بین آرژانتین و مکزیک وجود ندارد و نمی‌دانم این مقایسه از کجا آمده است.» مسی تأکید کرد که رابطه او با مکزیک همیشــه مثبت بوده اســت. او گفت: «همیشه از طرف مردم مکزیک محبت زیادی حس کرده‌ام و هیچ وقت به کسی بی‌احترامی نکرده‌ام.» این بازیکن برنده هشت بار توپ طلای بهترین بازیکن جهان، گل سرنوشت‌ساز خود مقابل مکزیک در قطر را به یاد آورد و آن را به‌عنوان یک آرامش بزرگ توصیف کرد که مســیر تیم ملی کشورش را در روزی که تماشــاگران مکزیک بر سکوها تسلط داشتند، تجدید کرد. مسی که از سال ۲۰۰۶ تاکنون چهار گل مقابل مکزیک زده و در شش مسابقه مقابل این تیم شکست نخورده است، افزود: «گلی که در قطر بیشتر از همه از آن لذت بردم، گل من به مکزیک بود. نه به خاطر تماشاگران، بلکه برعکس. این گل منبع راحتی بزرگی بود و به مــا این امکان را داد تا دوباره ســطح خود را پیدا کنیم و در مسیر پیروزی در جام جهانی پیش برویم.»

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سردبیر: افشین امیرشاهی
مدیر هنری: وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی‌فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذریور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا
دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: زینب کاظم خواه، دبیر سیاسی: بابک نبی
دبیر بین‌الملل: رامتین لطیفی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کلیلی

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۶۵۳۵۱-۱۵۶۶۷
شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم

اذان صبح: ۰۳:۵۵ | طلوع آفتاب: ۰۵:۲۵ | اذان ظهر: ۱۲:۰۳ | غروب آفتاب: ۱۸:۴۱ | اذان مغرب: ۱۹:۰۰

کریستیز در آستانه یک حراج تاریخی برای هنر خاورمیانه

نقش‌هایی از دل شرق

برای اولین بار آثاری در حراج کریستیز به نمایش گذاشته می‌شود که پیش‌تر هرگز در هیچ نمایشگاه یا حراجی ارائه نشده‌اند

علی مجتهدزاده
مترجم

حراج آنلاین کریستیز دبی، پنجشنبه چهارم اردیبهشت شماری از آثار تجسمی هنرمندان مدرن و معاصر خاورمیانه را زیر چکش خواهد برد و از جمله میزبان حضور حسین زنده‌رودی هنرمند بزرگ فقید ایرانی است. درگاه اینترنتی این حراج از روز پنجشنبه گذشته به روی علاقه‌مندان و خریداران باز شده و در پیشانی این درگاه اثری از سامیه حلبی قرار دارد. تابلویی که در سال ۲۰۱۳ در یکی از مجموعه‌های این هنرمند فلسطینی ساکن آمریکا بوده و از نظر زمانی یکی از آثار جدیدتر اوست. در این اثر او استفاده از خطوط تیز و تند و شکل‌های هندسی را کنار گذاشته و به فرم‌های شاعرانه و ملهم از طبیعت رو آورده و البته از هندسه طبیعی هم غافل نبوده. این اثر با پایه قیمت ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار دلار در پایگاه آمده و البته تنها اثر هنرمندان زن خاورمیانه نیست.

حراج «عین عین» زنده رودی

سوای حلبی شماری از بانوان هنرمند این عرصه در حراجی آنلاین امسال کریستیز دبی حضور دارند و به گزارش این پایگاه چیزی بیش از یک سوم تمامی آثار را در بر می‌گیرند. هنرمندانی چون ایتیل عدنان، هلن کهال، اوغین الخوری و تغرید درغوث که سهم حضور زنان را در این حراجی سنگین کرده‌اند.
البته در این میانه زنده‌رودی تنها ایرانی حاضر در این حراجی نخواهد بود و در پایگاه آن نامی هم از بانوی نقاش ایرانی طلا مدنی آمده که با عنوان یکی از زنان پیشرو خاورمیانه در عرصه هنرهای تجسمی از او یاد شده است. مدنی ۴۳ سال دارد و ساکن آمریکا و در کارهای خود از عناصر فیگوراتیو و روایی استفاده فراوانی برده است.

درخشش سعودی ها در کریستیز

به نوشته پایگاه کریستیز در سالیان گذشته با فزونی حضور هنرمندان عربستان سعودی روبه‌رو بوده‌ایم که رفته رفته نام و رد آنها در بازارها و نمایشگاه‌ها بیش از پیش به چشم می‌آید. یکی از نهادهای نمایشگاه‌گردان سعودی دوازده اثر از هنرمندان این کشور را به این حراج رسانده و از محمد السلیم استاد هنرمند مدرن این کشور تا احمد مطر در این عرصه چکش خواهند خورد.
ولی این حراج تنها زیر سیطره هنرمندان آسیایی نمانده و برپایه نیاز و میل روزافزون جامعه جهانی به هنر شمال آفریقا آثاری هم از مراکش و تونس به حراج آنلاین کریستیز دبی راه یافته‌اند. از محمد الملیحی و محجوب بن بلا تا خالد بن سلیمان و ملیکه اکزنای که این دسته از هنرمندان همگی از پیشگامان و چهره‌های برجسته مکتب هنری کازابلانکا به شمار می‌آیند. در میان این‌ها محمد الملیحی که در سال ۲۰۲۰ درگذشته با یاری از هنرهای سنتی بربر و مغربی شیوه انتزاعی خود را در استفاده از رنگ و نقش‌مایه‌ها به حراجی آورده است.
ولی همان‌گونه که در خود این پایگاه آمده برجسته‌ترین و نامدارترین هنرمند حاضر حسین (شارل) زنده‌رودی است که اثر مشهور و آشنای «عین+عین» از او انگار مهم‌ترین کاری است که در این حراج آنلاین عرضه خواهد شد. این اثر نخستین بار در نمایشگاه بسیار مهم هنر معاصر ایران در سال ۲۰۰۱ در مرکز هنر باربیکن لندن به جهان هنر عرضه شد و از آن تاریخ انگار بارها رنگ حراج‌های مختلف را به خود دیده است. زنده‌رودی هنرمند ایرانی بی‌نیاز از تمجید در سال ۱۳۱۶ در تهران زاده شده و در کنار پرویز تناولی یکی از برجسته‌ترین هنرمندان مکتب سقاخانه است. او در سال ۱۳۸۷ در حراج کریستیز دبی توانست با فروش یک میلیون و ششصدهزار دلاری اثر نقاشی خط «چهارباغ» خود رکورد گران‌ترین تابلوی نقاشی تاریخ ایران را به نام خود ثبت کند. زنده‌رودی را یکی از ده هنرمند زنده معاصر می‌شمارند که با استفاده از نمادهای هنر سنتی و همچنین خوشنویسی روشی تازه در هنرهای تجسمی ایران به وجود آورده.

حراج و نمایش دیده نشده

سوای این‌ها حراجی آنلاین کریستیز دبی قرار است برای نخستین بار آثاری را در برنامه خود عرضه کند که تاکنون رنگ نمایش و حراج ندیده‌اند. شاید مهم‌ترین این آثار نقاشی بانوی هنرمند مصری انجی حسن افلاطون باشد که از هنرمندان مدرن این کشور بوده و یکی از برجسته‌ترین هنرمندان گروه «هنر و آزادی» به شمار می‌آید. جنبشی هنری و پیشرو که در سالیان جنگ جهانی دوم در قاهره شکل گرفت و اگرچه بیشتر نقاشان حاضر در آن سوررئالیست بودند اما دربند این مکتب نماند و در گذر این سالیان دراز پهنه‌های گوناگون هنر مصر را در نوردید.
نبیل عنانی و کریم ابوشکرا هم دیگر هنرمندان حاضر در این حراجی خواهند بود که از هنرمندان فلسطین هستند و دو اثر نقاشی به این برنامه فرستاده‌اند.
پایگاه اطلاع‌رسانی کریستیز هم‌اکنون تمامی این آثار را برای بازدید روی اینترنت گذاشته و روند حراج دو هفته به طول انجامیده و در روز پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت به پایان می‌رسد.

اثر «عین عین» - حسین زنده رودی

یادداشت

قصه‌هایی که زخم می‌شود

سید عبدالجواد موسوی
شاعر و روزنامه‌نگار

واقعه غریبی است. ممانعت از روی صحنه رفتن وحید تاج را عرض می‌کنم. آن هم در حضور مهمان خارجی و بدتر از آن به بهانه‌ای که اصلا نمی‌شود فهمش کرد. با خودت می‌گویی هیچ شکل دیگری نمی‌شد این ماجرا را برگزار کرد؟ یعنی باید همین قدر زمخت و سیخکی و بی‌سلیقه اجرا می‌شد تا هرکس که شنید روی درهم کشد و حالش از هرچه ممنوع‌الکاری و توقیف و ممانعت و الفاظی از این دست بهم بخورد؟ اصلا این چه قانونی است که فقط برای بعضی‌ها کار می‌کند؟
یکی چون به فرمایش حضرات برای هرگونه مناسبت‌خوانی‌ای تن می‌دهد مصونیت آهنین دارد و حتی اگر در شبکه‌های اپوزیسیون بدنام حضور پیدا کند همچنان می‌تواند نورچشمی باشد و این یکی چون نجیب است و تن به هر مناسبتی نمی‌دهد باید بابت هم‌خوانی با زنان آن هم در خارج از کشور این چنین تنبیه شود؟ اصلا سرپیچی از قوانین جمهوری اسلامی در خارج از کشور جرم است؟
شوخی نمی‌کنم واقعا سوال دارم. فرض هم که این‌چنین باشد کم نبوده‌اند خوانندگانی که به هم‌خوانی با زنان در خارج از کشور پرداخته‌اند. اگر نفس شنیدن صدای زنان مشکل‌ساز است، حالا چه فرقی می‌کند این زن خارجی باشد یا داخلی؟ بحث فقهی نمی‌کنم و اصلا صلاحیتی هم در این زمینه ندارم، فقط می‌خواهم بگویم آنچه درباره وحید تاج انجام گرفته ربطی به شرع و غیرت دینی و این حرف‌ها ندارد. کاملا روشن است که یک‌جور تسویه‌حساب است. یک‌جور تنبیه برای هنرمندی که هیچ جرمی ندارد الا اینکه فقط می‌خواهد کار خودش را بکند و بار خودش را ببرد و ظاهرا چنین چیزی از نظر بعضی‌ها کم گناهی نیست. حافظه ما پُر است از چنین حوادثی. حوادثی که بسیاری از آن‌ها بعدها مورد شماتت رسمی مسئولان هم واقع شده اما باز هم در شکل و شمایلی دیگر تکرار شده‌اند. مدام هم گفته‌ایم قانون مشکل دارد، قانون صراحت ندارد، قانون روشن نیست اما ظاهرا مشکل فقط به قانون و قانون‌گذار و مجری قانون برنمی‌گردد.
مشکل از کسانی است که هیچ‌وقت و تحت هیچ شرایطی بابت رفتار و گفتارشان پاسخگو نیستند. گیرم مسئله وحید تاج همین روزها حل شود که انشاءالله حل خواهد شد اما بعدش چه؟ اصلا می‌فهمیم اصل ماجرا چه بوده؟ فرض که فهمیدیم آیا متوجه می‌شویم این آبروریزی زیر سر چه شخصی بوده؟ این را هم برفرض بفهمیم آیا شخص مورد نظر بابت دسته گلی که به آب داده، بازخواست خواهد شد؟ یا این قصه پُر غصه هم تلنبار می‌شود روی بقیه قصه‌ها؟ قصه‌هایی که زخم می‌شود و به قول هدایت مثل خوره روح را آهسته در انزوا می‌خورد و می‌تراشد.

سلامت‌روان

فرزندپروری همان ورزش مغز است که از زوال جلوگیری می‌کند

مغز در گهواره می‌ماند

یک مطالعه جدید گزارش می‌دهد که والدین افزایش هماهنگی ناحیه مغز را تجربه می‌کنند

مطالعات جدید نشان می‌دهد که فرزند داشتن می‌تواند به حفظ جوانی مغز کمک کند و والدین نسبت به افراد بدون فرزند، عملکرد ذهنی بهتری در سنین بالا دارند.
مطالعه‌ای روی تقریبا ۳۸ هزار بزرگسال نشان می‌دهد که هر چه بچه‌های بیشتری داشته باشید، فعالیت بین مناطق خاصی از مغز هماهنگ‌تر می‌شود. محققان در مجموعه مقالات آکادمی ملی علوم گزارش دادند که بین تعداد کودکان و اتصال عملکردی در یک شبکه مغزی ارتباط بسیار قدرتمندی وجود دارد جایی که اعتقاد بر این است که به استنباط افکار دیگران کمک می‌کند. فعالیت هماهنگ در این شبکه معمولا با افزایش سن کاهش می‌یابد و نشان می‌دهد که تربیت کودک - که شامل یادگیری مهارت‌های جدید است - ممکن است محافظت طولانی‌مدتی در برابر پیری مغز ایجاد کند.
این هم در مورد زنان و هم مردان صادق است، بنابراین به تاثیر بارداری ربطی ندارد، بلکه دقیقا به تاثیر پدر و مادر بودن مربوط است.
تحقیقات اسکن مغز روی والدین اغلب روی این تمرکز داشته که چطور بارداری مغز را تغییر می‌دهد. اما محدود کردن تحقیقات تربیت کودک به پدیده‌های بیولوژیکی می‌تواند تاثیرات محیطی را که والدین تجربه می‌کنند نادیده بگیرد.
محققان دانشگاه ییل ام‌آر‌آی عملکردی نزدیک به ۲۰ هزار زن و ۱۸ هزار مرد میانسال و مسن‌تر را با استفاده از داده‌های پایگاه داده بیوبانک انگلستان بررسی کردند. افرادی که تعداد فرزندان بیشتری دارند، ارتباطات قوی‌تری در بخشی از مغز به نام شبکه سوماتوموتور دارند. این منطقه به مردم کمک می‌کند تا اعمال و نیازهای دیگران را درک کنند که برای مراقبت از دیگران مهم است.
این مطالعه نشان می‌دهد که تربیت کودکان محیطی پیچیده و همیشه در حال تغییر را معرفی می‌کند. این پیچیدگی و تازگی مداوم می‌تواند به حفظ و حتی افزایش هماهنگی مناطق مختلف مغز کمک کند. اساسا، چالش‌ها و تجربیات جدیدی که با فرزندپروری همراه می‌شود ممکن است مغز را فعال‌تر و انعطاف‌پذیرتر نگه دارد و با زوال طبیعی که معمولا با افزایش سن اتفاق می‌افتد مقابله کند.
توجه به این نکته مهم است که فرزندپروری تنها راه معرفی این نوع تحریک ذهنی نیست. درگیر شدن در مشاغل پیچیده، ادامه تحصیلات عالی، یا یادگیری یک زبان خارجی نیز راه‌های عالی برای فعال و سالم نگه داشتن مغز در طول سال‌ها هستند.
در حالی که این مطالعه تفاوت‌هایی را در فعالیت مغزی مرتبط با والدین نشان داد، اما ثابت نمی‌کند که داشتن فرزند به طور مستقیم باعث این تغییرات می‌شود. ممکن است عوامل دیگری نیز دخیل باشند، مانند سلامت ذاتی فرد، انتظارات اجتماعی، یا انتخاب‌های شخصی در مورد اندازه خانواده که بر سلامت مغز نیز تأثیر می‌گذارد.
به طور سنتی، برخی صحبت‌های منفی در مورد والدین بودن وجود دارد که بر توانایی‌های شناختی تاثیر می‌گذارد که اغلب به عنوان «مغز نوزاد» یا «مغز مادر» شناخته می‌شود. با این حال، این مطالعه با پیشنهاد اینکه چالش‌های شناختی فرزندپروری ممکن است مغز را در طول زمان قوی‌تر و سازگارتر کند، این مفهوم را به چالش می‌کشد. به طور خلاصه، این تحقیق جنبه مثبت بالقوه والدین را در مورد سلامت مغز برجسته می‌کند که نشان می‌دهد خواسته‌ها و تجربیات تربیت فرزندان می‌تواند با افزایش سن به مغز انعطاف‌پذیرتر کمک کند. با این حال، همچنین واضح است که برای درک کامل این رابطه و توضیح سایر عوامل تاثیرگذار، به تحقیقات بیشتری نیاز است.

یک دقیقه زندگی

مهدی خاکی‌فیروز

ماست موسیر در قعر یخچال

در دل سردترین تبعیدگاه خانه، جایی میان سایه و سرما، ظرف کوچکی از ماست موسیر به آرامی نفس می‌کشد. نه از سر فراغت، بلکه از سر اجبارِ زندگی در بی‌مهری. او فرزند فراموشی‌ست؛ نه این که بی‌مزه باشد؛ نه که بی‌ارزش باشد؛ بلکه صرفا چون در طبقه پایین یخچال جا مانده است. در طبقه‌ای ساکت که جز صدای درِ یخچال و نیش خنده شیشه‌های بالادستی، چیز دیگری شنیده نمی‌شود.
روزی روزگاری، ماست موسیر ستاره میز بود. کنار کباب‌های داغ، لبخندها را قوام می‌بخشید. موسیرهایش، همچون نخ‌های نقره‌ای، طعم زندگی را به سفره گره می‌زدند. اما روزها گذشت، مهمانی‌ها کم شد، کباب‌ها دیگر نیامدند و او با دلی پُر، به طبقه پایین تبعید شد. شاید به انتظار یک بسته چیپس سرکه نمکی مزمز!
حالا هر بار که درِ یخچال باز می‌شود، چشم انتظار نگاهی است؛ انگشتی ولو به اشتباه... اما چشم‌ها، خیره بر طبقات بالا می‌چرخند؛ جایی که مربای توت‌فرنگی با قرمزترین لب‌ها لبخند می‌زند. جایی که شیر با طراوت صبحگاهی‌اش، با غروری سفید در بطری‌های شفاف می‌لولد. آن بالا، عدالتی دیگر حکمفرماست. حتی تخم‌مرغ‌ها هم جایگاه خاص خود را دارند. اما پایین، در سرمای خاکستری، او مانده. او و چند ته‌مانده بی‌سرنوشت دیگر؛ لیموهایی خشکیده، ترشی‌هایی که رنگشان رفته و چند قطره جامانده از سس سیر سال پیش.
در خنکای سنگین طبقه پایین، ماست موسیر در حال نوشتن بیانیه‌ای خاموش است. شعری بی‌قافیه اما از جان برآمده. او نماینده همه فراموش‌شدگان تاریخ آشپزخانه است. همه طعم‌هایی که زمانی لبخند می‌آوردند و حالا زیر کوهی از بی‌توجهی، مدفون شده‌اند. او سخنگوی تبعیض یخچالی‌ست.
خودنویس در دستان ماست موسیر، حرکت می‌کند و کلمات، همچون مومی نرم در دستانش به حرکت در می‌آیند: آه ای خانه‌داران! ای آنان که فقط طبقات بالا را می‌شناسید! بدانید در عمق یخچال‌تان، عدالتی گم شده قرار دارد. شاید روزی، گرسنگی یا بی‌پولی، شما را به آنجا بکشاند... و آن‌وقت، طعم فراموش‌شده‌ای را خواهید چشید. طعمی از رنج، موسیر و اندوه طبقات پایین.

چهره روز

عقاب فیل گیر

بابک نبی
هفت صبح

اگر قرار باشد روزی، رکوردهای عجیبی را روی دیوار تاریخ میخ کنند، باید برای خلیل عقاب یک قاب عریض و چند بسته میخ کنار بگذارند. پهلوانی که وقتی گفت «فیل بلند می‌کنم»، مردم نخندیدند، فیل‌ها ترسیدند!
خلیل طریقت‌پیما، همان عقاب شیرازی، در روز اول فروردین ۱۳۰۳ چشم به دنیا باز کرد؛ دنیایی که آن موقع هنوز نمی‌دانست باید کلاهش را برای چه کسی بردارد. نوزادی ریزه‌میزه، سیاه‌چرده و نحیف که مادرش چندان امیدی به جان گرفتنش نداشت. شیرش را هم دادند به برادر بزرگ‌تر که لابد فیزیک بهتری داشت. اما دنیا یادش رفت که این پسرک به ظاهر لاغر قرار است سال‌ها بعد کاری کند که در کتاب گینس جای خالی نامش پر شود و فیل‌ها زیر دستش زانو بزنند.
خلیل از همان نوجوانی دل در گرو میل‌های زورخانه گذاشت. در چهارده سالگی، وقتی بعضی‌ها تازه داشتند فرق میل سبک و سنگین را می‌فهمیدند، او میل‌های سنگین‌تر را با لبخند روی شانه می‌چرخاند. جوانی که خیلی زود فهمید برای بلند کردن دنیا، اول باید وزنه‌ها را از زمین کند.
اگر در دهه پنجاه شمسی، گوشی هوشمند دست مردم بود، بدون شک صفحه اینستاگرام خلیل عقاب پر می‌شد از ویدئوهایی که نصفشان را خود اینستاگرام به خاطر قوانین «ایمنی مخاطب» حذف می‌کرد! بلند کردن وزنه‌های چند صد کیلویی با دندان، خوابیدن زیر کامیون، خم کردن تیرآهن با مچ دست و نهایتا همان کاری که هنوز هم خیال آدم را خیس عرق می‌کند: بلند کردن یک فیل ۱۴۰۸ کیلویی.
اما پهلوان فقط قوی نبود؛ اهل دل هم بود. با همان دستانی که تیرآهن را گره می‌کرد، دل بچه‌های بی‌بضاعت را هم به دست می‌آورد. می‌گویند درآمد یک شب سیرکش را گاهی تمام و کمال خرج نیازمندان می‌کرد.
اما سال‌های آخر زیستنش، روزگار نامهربان‌تر از هر زمانی چرخید. عقاب پیر، که زمانی کامیون بیست تنی را روی شانه می‌کشید، در کانکس نمور پارکی فراموش‌شده در بوستان ولایت، آواره شد. مردی که فیل هوا کرده بود، زیر فشار روزگار کمر خم کرد.
۳۱ فروردین ۱۴۰۲، پرواز آخرش را کرد؛ بی‌نیاز از زمین، بی‌نیاز از سکو. حالا در شیراز، در زورخانه‌ای که به نام خودش است، آرمیده.
امروز، نامش فقط در کتاب‌های رکورد نیست. در حافظه نسلی است که فهمیدند «فیل هوا کردن» هم گاهی یک قصه واقعی است، اگر مردش پیدا شود.

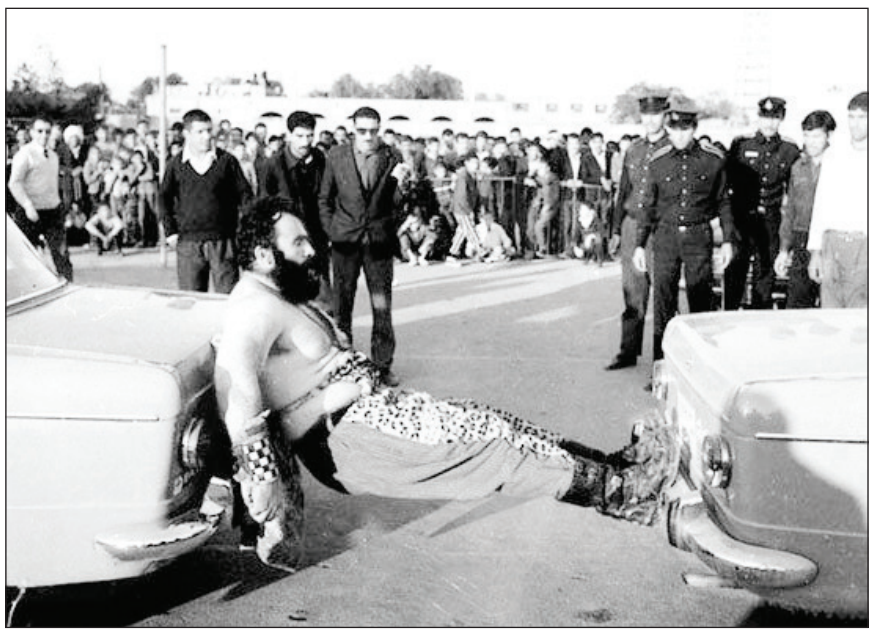

از گوشه و کنار دنیا

فیلم جدید سوفیا گاسکون

کارلا، ستاره «امیلیا پرز» اولین پروژه خود را پس از جنجال‌هایی که در ژانویه بر سر توییت‌های توهین‌آمیز گذشته‌اش به راه افتاده بود، شروع می‌کند. نامزد اسکار فاش کرد که او در فیلم «تعالی زندگی» یک فیلم هیجانی روانشناختی که وینسنت گالو هم در آن بازی می‌کند به ایفای نقش می‌پردازد. این فیلم را کارگردان ایتالیایی، استفانیا روسلا گراسی کارگردانی می‌کند. در خلاصه داستان این فیلم آمده است، گاسکون قرار است نقش یک روانپزشک را بازی کند که «هم خدا و هم شیطان را تجسم می‌کند.» گالو، کارگردان و ستاره جنجالی «خرگوش قهوه‌ای» و «بوفالو ۶۶» برای ایفای نقش در «تعالی زندگی» در نقش شخصیتی رنج‌دیده به نام گابریل، که در آپارتمان کوچکی در نیویورک زندگی می‌کند و توسط یادداشت‌هایی که در آسانسور ساختمان برایش می‌گذارند مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد. این پیام‌ها «به او دستور می‌دهد تا سه مستاجر دیگر را که می‌خواهند خویشاوندانشان را بکشند، به قتل برساند.»

دلبری در حالت بی‌وزنی

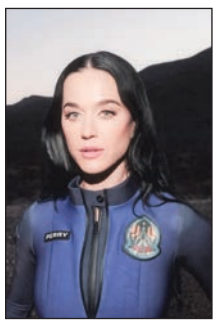

در هفته گذشته خبر سفر کیتی پری با پنج‌تن از زنان مشهور دیگر پخش شد که راهی سفری کاملا تفریحی به فضا شدند. از جمع این بانوان یکی نامزد بزوس بود و دیگری گیل کینگ مجری و آماندا نگوین فعال حقوق و کریان فلین تهیه‌کننده سینما و تنها یک دانشمند فضایی که آیشا بو نام دارد.
البته انگار نیازی هم به این یکی هم نداشتند چون کپسول حامل این افراد خودکار بود و راهیان این سفر تنها بی‌وزنی واقعی را در ارتفاع ۱۰۰ کیلومتری زمین تجربه کردند و به سلامتی برگشتند.
ولی نکته اینکه چنین سفر لوکسی واکنش جدی و محکمی در میان اهالی رسانه داشته و به‌ویژه زنان اهل قلم به آن تاخته‌اند. هدر شودل در سایت اسلیت نوشته که یازده دقیقه گشت و گذار در آسمان که دیگر حرکت شاقی نیست که این همه حرف از تاریخ‌سازی و سفر تماما زنانه شده. از سوی دیگر الن کوشینگ در آتلانتیک کار را از این هم فراتر برده و نوشته خانم پری یک ستاره پاپ تمام‌عیار بوده برای یک شیرین کاری احمقانه و دم دستی. از جماعت زنان فمینیست دوآتشه هم کسانی به این سفر پرداخته‌اند و حتی یکی نوشته: می‌شود برش گردانید همان بالا بماند؟

عکس نوشت

به مناسبت روز جهانی زمین؛ پاکسازی جنگل‌های کرخه
خبرگزاری ایسنا مجموعه عکس به مناسبت روز جهانی زمین منتشر کرده است که در آن در اقدامی نمادین و فرهنگی، شهروندان شوش با حضور در جنگل‌های کرخه، به پاکسازی طبیعت پرداختند.